۱۴۸ ورق

۱۰۷ ورق ۲۱۲ صفحه جمع ورق
در این کتاب بعد ایات غیبی

۴۰

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

(۲۷)

آستان قدس رضوی
کتابخانه ملک - طهران
شماره ۳۷۹
تاریخ ثبت ۲۳ دیماه ۱۳۳۶
بازدید شد
۱۳۵۱

آستان قدس رضوی
موزه ملک و موزه ملی ملک

اسکن شد

باسمه تعالی

فهرستبرگه نسخ خطی

کتابخانه ملی ملک

شماره ثبت: ۳۷۹۰۱

عنوان اصلی: فرهنگ ترکی به فارسی

عنوان دیگر: مجموعه ۲۹

مؤلف: مقبل الدوله

مترجم: —

شارح: —

کتابت: —

محل کتابت:

تاریخ کتابت: قرن ۱۱ و ۱۲ ق

تعداد صفحه: ۱۰۷

تعداد سطر: (ص ۱ - ۹۰) ۱۸ - ۱۹

ابعاد: طول ۲۲٫۸ عرض ۱۶٫۲

زبان: ترکی

نوع خط: نستعلیق ترکی

روش تهیه: وقف ☐ اهدائی ☐ خریداری ☑ ارسالی ☐

واقف: —

تاریخ ثبت: —

نوع کاغذ: ترمه

نوع جلد: مشن مقوای

موضوع (ها): ۱. زبان ترکی - واژه نامه‌ها - فارسی.

شناسه افزوده: —

یادداشتها: مجموعه ادوار سنی خان به نام شاه پادشاه زاده با مقدمه‌ای در دستور زبان ترکی.

فهرستنگار:

تاریخ فهرستنگاری:

بررسی کننده: سعادتی

تاریخ بررسی: ۸۷/۸/۱۱

سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران
موزه ملی ملک
موسسه کتابخانه

بسم الله الرحمن الرحیم

سبحان ته هرگاه افصح عرب و عجم کل لا احصی ثنا علیک انت کما اثنیت علی نفسک و از دیگر عالم لولاک لما خلقت الافلاک سفینه بس مثنوی
کی ماه و ثنای ثنایش کجا خداوند اندک مخرصا چه یارا نعتش شدن هنفس خداوند رسول است و بس ما نیارم
چه انال و اصحاب او که دریای کمی زند سبو از نجاه بقتضای حقیقت فرجام کلام الملوک ملوک الکلام و ان الملوک ملوک الالسنه
مقرات و در عهد سخنوری بزبان نزد انجا بسان السدایی بحسن کفاه و در مربوط درستی ترکیب بانتهای مضمون طرف و کرد و اسلوب
آن فواید نمایان دانسته باشد حب الاوطان دیرک سیاحا و خلیفه الله جهانپناه شهنشاه انجم سپاه افتاب اوج دوران صاحب قران
سایه پروردگار جهانیان طالب العالمین شهنشاه اورنگ زیب عالمگیر مبین شام سید المرسلین فخر بوستان بخت و
روق افزای کمال شجره ارای عدالت گستر الحق و یقین شجره اقبالش جاودانی و در نشو و نما نعمت اعلیش مستحق تا ابد نیز بکی بر صفحه بیان
تحریر نماید با ان فطالع و دقایق اتباع خلافت و جهانداری قرة العین سلطنت و اختر بالا سپهر عظمت و اجلال کوکب درج عظمت و اقبال
پادشاهزاده عالم و عالمیان اجرم قبول بیارایید و حکمی که بطالع نیز بزبان اقبال قوامان باشند تا بآب زر نوشته دریافت و مولانا
فضل خان خورد الله سبحانه که کاتب نزاکت و از جهالت نیز نزاکت است بفضل الله شمول الطاف بیکران خواهد بود و مع الله
التوکل و منه التایید جاید دانست که در زبان ترکی علامت مصدر میم مفتوح و کاف ساکن است یعنی مثلا کیلمک آمدن
و ایتمک گفتن پس ماضی و مضارع و امر از همین مصدر بر آید چنانچه کیلدی ماضی یعنی آمد و کیلور دور مضارع یعنی می آید و
کیل امر یعنی بیا و از سر صیغه ماضی و مضارع و امر خوانند و اگر با یای معروف نقطه مثل کیلدی بی یعنی بیاید
و کیلاید و بی یعنی نیز آید و کیلای یعنی میا اینها را جحد و نفی و نهی خوانند پس اول صیغهای ماضی بیارم باز بترتیب صیغهای
دیگر خواهند آمد صیغهای ماضی است کیلدی آمد کیلدی بلار آمدند کیلدیک آمدیم تو کیلدیکز آمدید شما کیلدیلر
آمدیم کیلدیم دور آمده است کیلدیلر دور آمده اند کیلدیم سن آمده تو کیلدیکز سن آمده اید شما کیلدیم بن
آمده ام من کیلدیلر سن آمده اند ما کیلدیلر رایدی می آمد کیلدیلر رایدی آمدند کیلدیدیک می آمدی تو کیلدیدیکز می آمدی

می آمدید کیلدیلر رایدی می آمدند کیلدیم رایدی می آمدم کیلدیکز رایدی می آمدید کیلدیلر رایدی می آمدند صیغهای مضارع کیلور دور می آید کیلدور دور آمدند کیلدرسن
می آیی تو کیلدرسیز می آیید شما کیلدرسن می آیم من کیلدرسیز می آیید شما کیلدرسن می آیم ما کیلدرسیز دور خواهد آمد کیلدرلر دور خواهند آمد
کیلدرمک دور خواهم آمد کیلدرکز دور خواهید آمد کیلدرکم دور خواهیم آمد کیلدرمیز دور خواهیم آمد صیغهای امر
کیلدی بیاید کیلدیلر بیایند کیلدی بیا کیلدیکز بیایید کیلدی بیاید کیلدیلر بیایند کیلدیکز بیایید شما کیلدیلر بیایند
بیایم من کیلدیلر بیایند کیلدیکز بیایید کیلدیلر بیایند صیغهای نهی کیلدی میا کیلدیلر نیایند کیلدیکز نیایید
کیلدی سو نیاید کیلدیلر نیایند کیلدی میا کیلدیلر نیایند کیلدی دیک نیاید کیلدی دیکز نیایید شما کیلدی دیم
نیایم من کیلدی دیک نیاییم ما صیغهای جحد کیلدی میا کیلدی بلار نیامدند کیلدی دیک نیامد تو کیلدی دیکز نیامدید شما کیلدی دیم
نیامدم من کیلدی دیک نیامدیم ما صیغهای نفی کیلدی میا کیلدی بلار نمی آید کیلدی میا کیلدی سن نمی آیی تو کیلدی میا کیلدی سیز
نمی آیید شما کیلدی میا کیلدی بن نمی آیم من کیلدی میا کیلدی بز نمی آییم ما کیلدی سن نخواهد آمد کیلدی سلار نخواهند آمد کیلدی سن نخواهم
آمد کیلدی سن نخواهید آمد کیلدی سن نخواهم آمد کیلدی سن نخواهیم آمد اسم فاعل کیلکو خزانیده کیلدی خزانیده کیلور
کیلش آینده کیلدی اسم مفعول کیلکان آمده کیلنش آمده شده احوال مقرونی بشرط کیلسا ایدی اگر می آمد کیلسا ایدیلر
اگر می آمدند کیلسانک ایدی اگر می آمدی تو کیلسا نکیز ایدی اگر می آمدید شما کیلسام ایدی اگر می آمدم من کیلسک ایدی اگر
می آمدی ما کیلسا ایدی اگر می آمد کیلسا ایدی اگر می آمدند کیلسانک ایدی اگر می آمدی تو کیلسا نکیز ایدی اگر می آمدید شما کیلسام ایدی اگر می آمدم من
اگر می آییم ما متعوقات کیلدی اگر آمد باید آمد کیلدک کیرک آمدن بایست آمد کیلدکلار اگر آمدن کیلدکاچ مجرد آمدن
کیلدکچه تا بیاید کیلدکاز آمدنش کیلدکایم آمدن من کیلدکانمک آمدن تو کیلدکاز آمدن کیلدکانیز آمدن
کیلدکان نیامد کیلدکالار اگر نیامدن کیلدکاچ مجرد نیامدن کیلدکچه تا نیاید کیلدکانیم نیامدن من کیلدکان بول
آمده باشد کیلدی دورکان بول می آمده باشید کیلدی بولسا اگر آمده شود کیلیب الفای آمده نخواهد بود کیلسا بولور
آمده می شود کیلدی مؤکد کیلدر موسیز ایا می آید کیلدی می آید کیلدی خواهد آمد کیلدش آمدن کیلدیان نیامدن بدانکه
فعل بسبب داخل شدن لام یا نون افاده معنی مجهول میکند کیلدی آمده شد و کیلدیلر آمده شدند و کیلدی آمده شد

وهذا القياس وهرگاه در آخر این کلمات لفظ در یا تو سیفزایند اگر فعل لازم است متعدی باشد چنانچه گیتو دی ادا شد
ولید در دی نوشت نیدل شد وهرگاه در آخر فعل کلمه تو زیاده شود و از حواشی متعدی نماید لفظ غریدن چنانچه او تو غریدی
یعنی تو نیدل شد و باید دانست که در زبان پازند کلمه یعنی وجود است بجهت آنکه کلام بر وجود اشخاص و بدون آنها افاده معنی مقصود
نمیکند از آنجهت در زبان پازند کلمه لفظ دین یعنی از لفظ یعنی تا شد گوک دین یعنی هر چه باشی یعنی از اسمان تا زمین بنگر و لفظ غریدن یعنی
و لفظ نی یعنی را شد سیزغ ایش لاری تا بنور دوک یعنی نشکاره سیر دیم و لفظ بیدر یعنی با مثلا سیر بیدر انیب سیر یعنی با
شکا گفته بودیم و لفظ دانیش در و لفظ او تا یعنی میانه مثلا بر ایش دل اگر دنیک یعنی در بن کار در آمدی و تمیز او تا سیدا
سه دور یعنی دهیا نه در باکشت هست و لفظ اوزاد و استی یعنی بالا و سر شد گوک اوزد اجیتی یعنی بر اسمان بر آمد و
آت او ستید امیدی یعنی بر اسپ سوار شد و لفظ ایست یعنی زیر و پایین مثلا اباغ ایست تنگ تو فراغی خاک
زیر پایش و قورغان تو بی یعنی پایان قلعه دیگر لفظ بی و این در آخر کلمه لاحق شود و معنی فاعلیت افاده نماید مثلا
قوسعی یعنی بازدار و قورچی یعنی تو بردار دیگر لفظ غی و این در آخر کلمه لاحق شود و معنی نسبت بهم رساند مثلا بور و تغی یعنی
نخستین و سو و تغی یعنی و اپسین دیگر لفظ بار و لفظ دور یعنی هست مثلا ایش بار یعنی خاصیت هست و نخش دور
یعنی خوب است و گاهی این هر دو لفظ را باستقلال نویسند مثلا گیتی بار دور یعنی آدم ماهست دیگر لفظ ایش
و گاهی بیعنی هست هم مستعمل شود مثلا او بدان هیکیت ایش یعنی جوان خوب بوده و اولوغ ایش یعنی کلان بوده است دیگر
ایلیان و ایلیان دور یعنی بوده که بوده است مثلا گور کلو ایلیان یعنی شتر بوده که ایشتر کلو ایلیان دور یعنی
نام در و مشهور بوده است دیگر لفظ سیز در آخر کلمه یعنی می آید مثلا اورق سیز یعنی بی خویش و دیگر یوق و
ایاس یعنی نفی مثلا یوق ایدی یعنی نبود و یوقت یعنی نیست و موزاق ایاس یعنی این چنین نیست و لفظ ایاستور
یعنی نباشد دیگر لفظ لیق و لوق که در آخر کلمه آید یعنی فاعل یا نسبت مثلا آت لیق در دور یعنی صاحب اسپ است و
یعنی نام دار آمده و تا شکند لیق یا دور یعنی تا شکندی هست و سو دق لوق یعنی سردی و البیق لیق یعنی گرمی

دیگر

دیگر و دیگر مانند و تشبیه مثلا قو یا ش دیگر یعنی مانند آفتاب و یلدوز کبی یعنی مانند ستاره دیگر لفظ جه برای بیان
مساوات مثلا کو نیکلی تا شجه قا تو ق ایش یعنی دشمنی برابر سنگ سخت بوده است دیگر لفظ کبر اگر یعنی باید
مثلا او بلاک کبر اگر یعنی باید سنجید و تو یاک کبر اگر ایدی یعنی بایست نهید و دیگر اگر تو یعنی میباید دیگر لفظ نی
یعنی را مثلا او غیرینی تو تیتم یعنی دزد را گرفتم و نی یعنی چه هم می آید مثلا نی ایتی یعنی چه گفت و نیدو رسی یعنی چیست
دیگر لفظ ینک و ایسز برای اضافت مثلا سیز ینک او یعنی ایسز ینک و موینک آتی نیدور و گاهی در آخر اسم مرادف حلقه
یا ی کسر و یا زیر و معنی اضافت و معنی و صفت حاصل شود مثلا حاقی لقی و اولوغ کیشی یعنی خلام بیشه و مرد بزرگ و اگر
در آخر فعل کسر شکل حاکی لفظ می آید مثلا دوغرینیک ارقوسی یعنی بت کوزن و آتا ینک آتاست یعنی مادر پدر و اولوغ
آتا یعنی پدر کلانش پس این اینجا باید دانست که یای قلبش مکسور باشد و لفظ ست گاهی اما که ضمیم و میکند چنانچه از مثال
اولوغ آتاست و آتی بود در معلوم شد دیگر لفظ سا در آخر فعل [illegible] می آید مثلا کیلیدیس یعنی اگر بیاید بیایم
مع و بیت کیلدی کیلدیدم یعنی اگر چه آمد نیامدم میگو یو قسا مثلا یو قلیا بولور یعنی و اگر نه شجه و نخشی بولور کم
باد یعنی خوب است که هست دیگر لفظ داخ است که بر این تشبیه می آرند مثلا مونداخ یعنی این چنین و اینداخ آنچنان
و او تو مع همچنین و لفظ داخی دقی یعنی نیز هم می آید مثلا مین دیدیم داخی سین دید بنک یعنی من گفتم تو نیز
گفت و سیز تقی کیلدیلر بنیکز یعنی شما هم آمدید دیگر داخ است که بعض تفضیل افاده می کند مثلا کیشی داخ او یعنی آن مرد بهتر یعنی
خوب تر و دور تر دیگر لفظ غیه است و این در آخر کلمه که افاده تصغیر و تنقیص می آرند مثلا آت جغه یعنی اسپک
و سو جغه یعنی آبک دیگر لفظ مومی و اینها برای افاده استخفاف می آرند مثلا قیلدی مومی یعنی ایا کرد و قیلدی موسین یعنی
ایا می کنی و یوک می سین یعنی ایا بهلوان هست دیگر لفظ تک و این برای تقلیل و تخصیص در آخر کلمه می آرند مثلا سنرتک
و سیز تک ایاس یعنی از آن ما و از آن شما چیزی نیست دیگر لفظ بود و یعنی این مثلا بو نیار کیشی دور
یعنی این نهمین بود است و مو زا تو بدو روز سیز یعنی این را می فهمیم و اول یعنی اول می آید مثلا اول او بدان هیکیت

موزه ملی ملک
موسسه کتابخانه

ایضاً در بیت اوجوان خوب بعد است وان یعنی آن مراد بجمع مردان را او تی یعنی انقدر سخنها را نو امرش کرد او تو کلمه
واو تو کلمه یعنی قدر بس دو کلمه نه در سینه یعنی این قدر چه میگوئی بر یک لاق و این در آن کلمه اسم آرند و اما که معنی
ملکی ای میگفته شود فیشلاق یعنی جای زمستان و ییلاق یعنی جای تابستان قشلاق نام زمستان است و یاز نام تابستان
زاد یا جمع یا دیگر دیگر یعنی چه چه متوجه نیه بو یو در سیر یعنی چه میفرمائید و گاه میم را در مضمون بگوید که زا یعنی
چه گفته است دیگر تعدد تیرسه یعنی چیزی شد تیرسه او قوخاید در بیت چیزی خوانده است دیگر تعدد قالیسه یعنی کدام
مثلاً قالیسه ارق بیش یعنی کدام قبیله دیگر تعدد گیم یعنی که مثلاً گیم گیدر یعنی که آید دیگر تعدد نه یعنی چرا مثلاً نه خو
تا یرماس یعنی چرا نشست سد دیگر تعدد بجوک یعنی چون و چگونه مثلاً بجوک یم باران آورد و شما دیگر یعنی چگونه آتش نفت گیدیم
و بجوک ایشلی نوار سیر یعنی چگونه کار را راست کنید دیگر قایان یعنی کجا مثلاً قایان ایشش سیر یعنی کجا بعد ایدیم دیگر
تعدد قاجان یعنی کی مثلاً قاجان انقدر سیر یعنی کی انقدر میدید دیگر در زبان ترکی از مصدر و مضارع مانند که تقریر و بیان اسم فاعل و مفعول مثلاً
قالماقچی یعنی آمده جمادند بیرکشی یعنی آدم دانا و قیلیغی زین یعنی کننده و گاه از اسم فاعل و از صیغه مضارع معنی مصدری
قصد نمایند مثلاً ایشی بولماغدیکی ایلکاری بیلدیم یعنی از کار شدن بیش دانستم و کیلوری دانیتیم یعنی در آمدن او در سیدم
دیگر در زبان ترکی باشد که با دال یا میم مبدل شود و معنی همان باشد مثلاً نور رسید تور و رسید دور معنی یکی باشد
که میدست یا جای دستور کاف و قاف و جیم با میم مبدل شود و معنی همان یکی باشد مثلاً کیلاک و کیلماک کیلمک معنی آمدن
یعنی آمدن است و باید دانست که طرق کتابت این سخنه سه تور اول بر حقیقی است یعنی واو و یای مصرحه الف بجای
فتحه و یا بجای کسره و ترقیق و تفخیم این مجاز است نوشته شد برای که ترقیق یک حرکت است دیگر حامد بر شود و تفخیم یک حرکت
معنی دیگر مفتوح و در ماک که بترقیق ضم همزه زدن بعد اگر بیند و تفخیم ضم مذکور در دیدن را اگر بیند و بتی بترقیق کسره یا زد بیرد
و بترقیق کسره مذکوره کم شدن و بر اثر فرق در بیت یای موحده و یای تحتانیه و تای مثناة فوقانیه یای بجمع و تای فرشت
و یای حطی نوشته شد و تای مثلثه در ترکی نیست و نیز باید دانست که در لغت ترکی اصل کلمه بلا زیاده و نقصان در صیغه امر

ای نشد

و ای نشد مثل کیل یعنی بیا بسر اگر در امر کلمه دال مکسوره ملاقی شود با ضمی اگر شود یعنی کیلوری و آن و معنی امر که مفتوح نشد بود از آن کلمه دور
زیاده نماید مضارع اگر شود مثلاً کیلور دور یعنی می آید و اگر در آخر معنی امر لفظ ماق بخواهند مصدر اگر شود مثلاً کیلماق یعنی آمدن
و مثلاً بر القیاس چنانچه قانون جمیع صیغها نوشته شد و نیز باید دید که اگر مصدر ساکن است ماضی و مضارع بر سکون و ترقیم می آید
و اگر حرف آخر مصدر مفتوح است مثل سیناماق یعنی آزمودن پس ماضی آن سیناد می خواهد آمد یعنی آزمود و یعنی حرف آخر که
قبل از علامت ماضی یعنی کلمه دی الف است و در مضارع بعد از حروف اصلی و قبل از حروف علامت مضارع خیای ساکنه باید
آورد مثل سیناید در بیت می زاید و مثل هذا القیاس در صیغها دیگر حالات و صیغه در نقیا کلمه اگر شود در سه باب **باب اول**
در بیان مصادر بترتیب حروف تهجی **باب دوم** در اسمای حامد **باب سیوم** در متفرقات **باب اول** در بیان مصادر
بترتیب حروف تهجی **فصل الالف** او قماق بتفخیم همزه و ترقیق ضم قاف خواندن او قتماق بحرکات مذکوره و سکون
تای فرشت خواندن او تماق بتفخیم همزه و ترقیق ضم واو و سکون نون مشغول شدن او تماق بحرکات مذکوره
و سکون تای فرشت مشغول کردن او لاماق بمد الف و سکون واو و فتحه لام خالی بکردن آلماق بالف مفتوحه همزه مردن
و سکون لام گرفتن آلیماق بفتحه الف مد همزه و ترقیق کسره لام او داد و سکون نون نادر گرفته شدن او لماق بتفخیم همزه
همزه و سکون لام و ضم میم مردن او لودور ماق بتفخیم ضم همزه و سکون لام و ضم دال مهمله و سکون رای مهمله
کشتن او لتور ماق بتفخیم ضم همزه و لام ساکن و تفخیم تای فرشت و رای مهمله ساکنه کشتن او لتور خور ماق بترقیق
ضم همزه و سکون لام و سکون رای مهمله و تفخیم خای معجمه و رای معجمه ساکنه کشتن ایلماک بالف مفتوحه و سکون
یای حطی و بتفخیم لام کردن او یقو لاماق بتفخیم ضم همزه یای حطی و ترقیق ضم قاف و لام مفتوحه خواب کردن او لاماق بترقیق
ضم همزه و فتحه لام بیرون کردن از آنماق بترقیق ضم همزه و رای مهمله مفتوحه و سکون تای فرشت کسل شدن آزلاماق بفتحه همزه و ضم زاء
سکون رای مهمله و لام مفتوحه کم شدن ایشماق بتفخیم همزه و رای مهمله ساکنه تافتن ایورماق بفتحه همزه و ترقیق ضم یای حطی
و سکون رای مهمله کم کردن آرتماق بفتحه الف مد همزه و ترقیق ضم همزه و رای مهمله و سکون تای فرشت زیاد شدن ارتورماق بفتحه الف

همزه و ترقیق ضم را ای مهمله و تفخیم فتحه تای مشدده فوقانی و رای مهمله ساکنه را بالکون استحاق بفتح همزه و مد همزه و سکون
سین بی نقطه بالا بردن استحاق بفتح همزه و مد همزه و سکون سین مهمله و بزان کون استطاق بفتح همزه و مد همزه و ترقیق سین مهمله
مکسوره و لام ساکنه و بزان شدن ایستیق بترقیق کسره همزه و سین مهمله و سکون تای قرشت گرم شدن و تب کردن ایستوتان
بحالات مذکوره و تای مضمومه قرشت و سکون رای مهمله گرم کردن از عناق بفتح همزه و مد همزه و رای بی نقطه مکسوره و سکون را ای مهمله
و فتح خای معجمه و سکون نون گرم کردن ایتیق بتفخیم کسره همزه و سکون لام و فتحه تای قرشت بردن ایلحاق بفتح همزه
سکون یای حطی و لام مفتوح و نون ساکنه کوشتن ایرلاماق بفتح همزه و ترقیق ضم یای حطی و رای مهمله ساکنه و لام مفتوح
کوشیدن ایرماق بفتح همزه و ترقیق ضم یای حطی و رای مفتوحه کوشیدن اوشماق بترقیق ضم همزه و شین معجمه مفتوحه و لام ساکنه
تنگ شدن یعنی بنزه گوشتن اوشتماق بحالات مذکوره و سکون تای قرشت بتنگ شدن یعنی بنزه گوشتن ایرماق بفتح همزه و سکون
یای حطی و ترقیق کسره رای مهمله و سکون لام جدا شدن ایسیرماق بفتح همزه و ترقیق کسره یای حطی و سکون رای مهمله جدا کردن ایستماق بترقیق
کسره همزه و رای مهمله و سکون تای قرشت ترشدن ایلتوماق بترقیق کسره همزه و جای ابجد و ترقیق تای قرشت و رای مهمله ساکنه
ترکردن اوسراماق بترقیق ضم و سکون سین مهمله و رای مهمله مفتوح مست شدن اوسوماق بترقیق ضم همزه و سین مهمله
و سکون رای مهمله گزیدن ایرشماق بفتح همزه و سکون یای حطی و ترقیق رای مهمله مکسوره و سکون شین معجمه مفارقت کردن
اوزاتماق بترقیق همزه و رای معجمه مفتوحه و سکون تای قرشت دراز کردن اوزلماق بحالات مذکوره و سکون لام دراز شدن
اودماماق بتفخیم همزه مضمومه و نون ساکن و دال مفتوحه و سکون تای قرشت دانا بودن اوتماق بتفخیم ضم همزه و نون ساکنه
روئیدن اسراماق بهمزه مد همزه و سکون سین مهمله و فتحه رای مهمله گمراه شدن و دیر و سرگشته کردن اتماق بهمزه مد همزه و سکون تای قرشت
انداختن اوتماق بتفخیم همزه مضمومه و سکون تای قرشت کوشتن اوتکوماق بتفخیم ضم همزه و سکون تای قرشت
و ترقیق کاف فارسی و سکون رای مهمله گذرانیدن ایماق بتفخیم کسره همزه و سکون یای حطی کردن اونماماق بترقیق ضم همزه
و نون مفتوحه قبول کردن اوساماق بتفخیم ضم همزه و سکون سین مهمله بالیدن ایستماماق بترقیق کسره همزه و سین مهمله ساکنه

وفتحه

وفتحه تای قرشت جستن اوماماق بتفخیم ضم همزه و میم مفتوحه و نون ساکنه امید وار شدن اوسوماق بتفخیم ضم همزه
و سین ساکن و ترقیق ضم و سین مهمله و نون ساکن نا امید شدن اوزماق بتفخیم ضم همزه و رای معجمه ساکنه سبقت کردن ایشتماماق
بترقیق کسره همزه مکسوره و شین معجمه مفتوحه و نون ساکن استفاق کردن استماماق بترقیق همزه مکسوره و شین معجمه مفتوحه
و نون ساکن او سکون تای قرشت طعام خوردن و لقمه فرو بردن اختماماق بفتح همزه و سکون معجمه و فتحه تای قرشت و سکون
رای مهمله نقص کردن اوتکشتماماق بترقیق ضم همزه و سکون نون و کاف فارسی و سکون تای قرشت و رای ساکنه سرنگون کردن
اوزماماق بترقیق ضم همزه و رای معجمه ساکنه شتاب کردن ارقالماماق بفتح همزه و رای مهمله ساکنه و قاف و لام مفتوحه و نون ساکن
زیست کردانیدن اوخشماماق بتفخیم همزه مضمومه و خای معجمه ساکنه و شین معجمه مفتوحه باند شدن ایلکماماق بترقیق همزه
مکسوره و سکون کاف عربی و کاف تازی ایکیتماماق بترقیق همزه مکسوره و کاف عربی و سکون تای قرشت کاشت کردانیدن اوراماماق
بتفخیم ضم همزه و رای مهمله مفتوحه دردیدن ایاماماق بفتح همزه و یای حطی داشتن اوایماماق بتفخیم همزه مضمومه و یای مفتوحه حطی و سکون
تای قرشت شرم داشتن اودماماق بتفخیم ضم همزه و دال مهمله مفتوحه جدا نمودن اوزنماماق بتفخیم ضم همزه و رای ساکنه و فتحه تای قرشت
و سکون نون در گرفتن ایسنماماق بتفخیم همزه مکسوره و سین مهمله ساکنه و نون مفتوحه فارسی گرفتن اوکسوماماق بتفخیم ضم
همزه و سکون کاف عربی و ضم سین مهمله و سکون رای مهمله سر فرو بردن انقولاشماماق بفتح همزه مفتوحه مردن و سکون تای قرشت
و تفخیم قاف مضمومه و لام مفتوحه و شین معجمه ساکنه اسباب ساختن اوکوماماق بتفخیم ضم همزه و ترقیق ضم کاف و سکون رای مهمله
کردانیدن و به فرار آمدن اوکوردلماماق بحالات مذکوره و لام ساکنه گردیدن اورلاماماق بتفخیم ضم همزه و سکون رای
مهمله و رای مفتوحه بلند شدن اونیماماق بترقیق ضم همزه و سکون لام و جیم معجمه مفتوحه و سکون یای حطی کلان شدن
ایشیماماق بفتح همزه مد همزه و سکون ترقیق کسره شین معجمه و لام ساکن بالا برآمدن شدن اولیماماق بتفخیم ضم همزه و سکون
یای حطی پوشیدن اریتماماق بفتح همزه و ترقیق کسره رای مهمله و سکون تای قرشت پاک کردن ایلماماق بحالات مذکوره
و سکون لام پاک شدن اوجلماماق بترقیق ضم همزه و جیم فارسی ساکن و لام مفتوحه و شین کردن اتماماق بفتح همزه و قاف ساکن

سکون لام

جاری شدن اقوریاق بفتح همزه و تفخیم قاف و رای مهمله ساکنه جاری اولتماق بتفخیم همزه و ترقیق نون مضمومه و سکون
تای قرشت فراموش کردن اقاریاق بفتح همزه و قاف مفتوحه و رای مهمله ساکنه سپید شدن اقارتماق بتفخیم همزه مفتوحه
و قاف و سکون رای مهمله و تای قرشت سفید کردن ایجیاک بترقیق کسره همزه و نون ساکن و جیم فارسی مفتوحه کوفتن و باب
کردن اوجاق بترقیق ضمه همزه و سکون جیم فارسی بسر بردن اویلماق بتفخیم ضمه همزه و سکون یای حطی سجیده شدن اویوماق
بتفخیم ضمه همزه و ترقیق ضمه یای حطی خواب کردن ایماق بتفخیم کسره همزه و سکون میم بکندن اوکماق بتفخیم ضمه همزه و سکون کاف
فارسی توده کردن آجاق بفتح همزه ممدوده و سکون جیم فارسی و الف آجیلماق بمد همزه مفتوحه و ترقیق کسره جیم فارسی و سکون
لام و اشدن اینانماک بترقیق کسره همزه و فتح نون بالف و سکون نون ثانی باور داشتن اوکرماق بتفخیم ضمه کاف فارسی
آسی کردن اوجراماق بترقیق ضمه همزه و سکون جیم فارسی و فتح رای مهمله در خوردن ایلماق بتفخیم همزه مکسوره و فتح لام و سکون
نون آسوس کردن اوتلکماک بتفخیم ضمه همزه و سکون تای قرشت و فتح کاف عربی و سکون نون تقلید کردن اولانماک بترقیق
ضمه همزه و فتح لام بالف و سکون نون نیش بجهت کسب کردن اولاشتوریماک بترقیق ضمه همزه و فتح لام بالف و سکون نون نیش بجهت و ترقیق
ضمه تای قرشت و سکون رای مهمله قسمت کنانیدن آلیشماق بتفخیم همزه مضمومه و ترقیق کسره لام و سکون شین بجهت بدل کردن ایلیشماق
بتفخیم کسره همزه و کاف فارسی و سکون لام کج شدن اویلماق بتفخیم ضمه همزه و سکون یای حطی و فتح لام و سکون نون کدخدا شدن
اینماق بترقیق کسره همزه و سکون نون نزول و انقیاد نمودن ایندوریماق بترقیق کسره همزه و سکون نون و ترقیق ضمه دال و سکون
رای مهمله فرود آوردن و مطیع کردن اوکماق بتفخیم ضمه همزه و سکون یای حطی و فتح خفیف جیم و سکون تای قرشت بیدار کردن
الداریاق بفتح همزه و سکون لام ایمه و مضطر شدن اتلنماک بفتح همزه مدوده و سکون تای قرشت و فتح لام و سکون نون سوار شدن
اوتوشماک بترقیق ضمه همزه و رای مهمله و شین بجهت ساکن و ترقیق کردن اوسنماک بتفخیم ضمه همزه و فتح سین مهمله و سکون نون تنک آمدن
اینجیماق بتفخیم کسره همزه و سکون نون و ترقیق کسره جیم و سکون تای قرشت اندوه کردن اورکماک بترقیق ضمه همزه و سکون
رای مهمله و فتح کاف فارسی و سکون نون آموختن اورکماک بحرکات مذکوره و سکون تای قرشت امر دادن ایلیکماق
بترقیق

بترقیق کسره همزه و لام و سکون کاف فارسی و فتح لام بدست آوردن اوجوریاق بترقیق ضمه همزه و تخفیف جیم فارسی
و سکون رای مهمله فرو رفتن بیدن ایلیناق بتفخیم کسره همزه و سکون لام و فتح خفیف جیم ابلیه کردن اوطرلماق بتفخیم
ضمه همزه و فتح خفیف جیم و سکون رای مهمله و فتحه لام دزدیدن ایلماق بترقیق کسره همزه و سکون لام خشم آوردن اینوماق
بعد همزه و ترقیق کسره و تخفیف جیم و رای مهمله ساکنه و لام مفتوحه دعا کردن ایلیکماق بترقیق کسره همزه و نون ساکن و فتحه کاف
عربی و سکون یای حطی خفی گم شدن اوقماق بتفخیم ضمه همزه و سکون قاف بهمیدن **فصل البا والموحده** بولماق بتفخیم ضمه
باء و سکون لام شدن بیلماک بترقیق کسره باء و لام ساکنه دانستن باقماق بفتح باء و سکون قاف نگریستن و ترقیق
ضمه قطع کردن و قسمت کردن بویاماک بتفخیم ضمه باء و فتحه یای حطی رنگ کردن بیچماق بترقیق کسره باء و سکون جیم فارسی
و فتح چیتو رمای بحرکات مذکوره و فتحه تای قرشت و سکون رای مهمله قطع کنانیدن بوترماک بتفخیم ضمه باء و سکون
تای قرشت و فتحه رای مهمله برانگیخته شدن بوسماق بتفخیم ضمه باء و سکون سین مهمله قابو و کمین کردن بامماک بفتح
باء و سکون رای مهمله رفتن بوتولماک بترقیق ضمه باء تای قرشت و سکون لام درست بستن بوتکورماک بترقیق ضمه باء و سکون
تای قرشت و ترقیق ضمه کاف فارسی و سکون رای مهمله درست کردن بوخوقماق بترقیق ضمه باء و تخفیف ضمه شین معجمه و سکون قاف
ملول شدن بیرماک بتفخیم کسره باء و سکون رای مهمله دادن بیدوریماک بترقیق کسره باء و سکون رای مهمله و ترقیق ضمه دال مهمله دادن
باغلاماق بفتح باء و سکون خفیف جیم و فتحه لام بستن باغلانماق بفتح باء و سکون خفیف جیم و فتحه لام و سکون نون بسته شدن بیتماق
بترقیق کسره باء و سکون تای قرشت بتوریماک بترقیق کسره باء و ضمه تای قرشت و سکون رای مهمله طلب نمودن بیشماق بترقیق کسره باء
فارسی و سکون شین معجمه پختن بیشوریماق بترقیق کسره باء و ضمه و شین معجمه و سکون رای مهمله بریان کردن باولماک بفتح باء و سکون واو
و فتحه لام تیار کردن باتماق بفتح باء بالف و سکون تای قرشت فرو رفتن باتوریماق بفتح باء و ترقیق ضمه تای قرشت و سکون رای مهمله
فرو بردن بیلوماک بترقیق کسره باء و ضمه کاف فارسی و سکون لام کرده بودن دم شیر بزه بویوریماق بتفخیم ضمه باء و ترقیق ضمه یای حطی و سکون
رای مهمله فرمودن بویورلماق بتفخیم ضمه باء و ترقیق ضمه یای حطی و ضمه رای مهمله و سکون لام فرموده شدن بولارماق بترقیق ضمه باء و فتحه لام

وسکون را بی همه تلخ کردن نون باقی بترقیق ضمه یا وسکون لام وفتحه تای قرشت ودال بی همه سکنه از حوادث گشتن وعاق بتفخیم ضمه یا
وسکون شین معجمه ضمه کردن کلو پوشت تاک بتفخیم ضمه یا وفتحه شین معجمه وسکون کاف تای قرشت حاله کردن بولو تاک بتفخیم ضمه یا وسکون
لام وفتحه شین معجمه وسکون نون الوده شدن بوزرماک بترقیق ضمه یا وراء مهمله مضمومه وسکون لام ویران شدن بوزماک
بوزماک بترقیق ضمه یا وسکون زای معجمه ویران کردن باماق بفتحه یا وسکون سین بی همه بخش کردن باستوماق بفتحه تا والف
وسکون سین بی همه ضمه تای قرشت بخش کردن باشلماق بفتحه یا والف وسکون شین معجمه وفتحه لام کردن بیکماک بترقیق کسره
یا وفتحه کاف ونون ساکن بزبرزق باشتماک بفتحه یا وسکون شین معجمه وفتحه لام وسکون تای قرشت سردار کردن بوغرلماق بترقیق
ضمه یا وغین معجمه مضمومه وفتحه لام ذبح کردن باشلماق بفتحه یا وسکون شین معجمه وفتحه لام وسکون نون سردار شدن **فصل**
الالف والقوقانی توبماک بتفخیم ضمه تا وسکون بای حطی سیر شدن تایمق بفتحه تای قرشت وسکون یای حطی بالکردن تیاماک بکسر تا
وفتحه یای حطی وسکون نون تیلکردن توخماق بتفخیم ضمه تای قرشت وسکون خای معجمه زائیدن تاوطماق بفتحه تای قرشت وسکون واو
بی همه وفتحه طای مهمله وسکون نون بر آتش شدن تیرماق بتفخیم کسره تا وسکون راء مهمله جنبیدن تارتماق تای مضمومه وسکون راء مهمله وفتحه
قرشت بکشیدن تارتوماق بفتحه تای قرشت وسکون راء مهمله وترقیق ضمه تا تاره وسکون راء مهمله رکشیدن تیتماق بترقیق
کسره تا وسکون نون ارمیدن تاماک بفتحه تا وسکون نون شکر شدن توقوماق بتفخیم ضمه تا وترقیق ضمه قاف تاوقماق بفتحه
تای قرشت وتفخیم ضمه نون وسکون قاف کوبه دادن توریماک بترقیق ضمه تا وسکون راء مهمله ایستادن تایماک بفتحه تای قرشت
وسکون یای حطی ایاق تاماک بفتحه تا وسکون میم اوجلیدن یتیندرماق بتفخیم کسره تای قرشت وسکون نون وترقیق ضمه
دال بی همه وسکون راء مهمله ارام دادن تامیزماق بفتحه تا وترقیق کسره میم وسکون زای معجمه چلغانیدن تیلماک بتفخیم کسره تا وسکون
کاف عربی دوختن تاتماق بفتحه تا بالف وسکون تا تاتیشیدن توکماق بتفخیم ضمه تا وسکون کاف فارسی رفتن تیلوماق
بتفخیم کسره تا وسکون لام وترقیق ضمه میم وسکون راء مهمله انتظار داشتن توکماق بتفخیم ضمه تا وفتحه کاف فارسی وسکون لام تمام
شدن توکماق بکاف عربی مکروه وسکون تای قرشت تمام کردن تاناماک بفتحه تا وسکون نون وفتحه لام انتخاب کردن
بتیماق

تایماق بتفخیم کسره تا وسکون یای فارسی لاغر دن تیتراماق بترقیق کسره تا وسکون تای قرشت تاراماق بفتحه راء مهمله ارمیدن توشماق
بفتحه اول وفتحه تا وشین معجمه ساکن در گرفتن تیتکلماق بتفخیم کسره تا ونون ساکن وکاف فارسی وفتحه لام برابر کردن
تاشیماق بفتحه تا وترقیق کسره شین معجمه بیرون کردن تیتشماق بتفخیم کسره تا ونون ساکن وکاف فارسی وفتحه شین
معجمه یا هم برابر حساب تیترماق بترقیق کسره تا وسکون راء مهمله وفتحه نون ناخن کردن توکولماق بتفخیم ضمه وترقیق ضمه کاف
عربی وسکون راء مهمله وفتحه لام ارامش تاپوماق بفتحه تا وسکون یای حطی وترقیق کسره راء مهمله وسکون لام خریدن تاشلماک
بفتحه تا وسکون شین وفتحه لام برتافتن توزاماک بترقیق ضمه تا وفتحه زای معجمه وسکون تای قرشت بدلاست کردن توزماک
بترقیق ضمه تا وزای معجمه وسکون لام راست شدن تاباماک بفتحه تا وترقیق کسره بون شناختن **فصل الجیم** چاغلماق بفتحه
جیم فارسی وسکون غین وفتحه لام وزن کردن وچیون چینماک بتفخیم کسره جیم فارسی وفتحه نون قیاس کردن چیرماق بترقیق
کسره جیم فارسی وسکون راء مهمله وفتحه میم جدیدن چیرماماک بترقیق کسره جیم فارسی وسکون راء مهمله وفتحه میم وسکون نون بجدید
شدن چیرماق بترقیق کسره جیم فارسی وفتحه راء مهمله پرسیدن شدن چیندماک بفتحه جیم فارسی وسکون یای حطی وفتحه نون جلو دادن
چاقرماق بفتحه جیم فارسی وترقیق کسره قاف وسکون راء مهمله بانگ کردن چیقماق بتفخیم کسره جیم فارسی وسکون قاف برآمدن چیقاردق
بتفخیم کسره جیم فارسی وفتحه قاف وسکون راء مهمله برآوردن چلدماق بفتحه جیم وفتحه لام نواختن چچماک بتفخیم کسره جیم فارسی وسکون میم
وفتحه ثانیه چکلماک چوغلماق بتفخیم ضمه جیم فارسی وسکون غین معجمه وفتحه لام وسکون نون تاب خوردن چوغلماق بکاف عربی مکروه
وسکون تای قرشت تاب دادن چاپماق بفتحه جیم فارسی وسکون یای فارسی تاختن وشبیخون چاپتورماق بفتحه جیم فارسی وسکون
یای فارسی وترقیق ضمه تای قرشت وسکون راء مهمله تاختن کشیدن چچیدرماق بترقیق کسره جیم فارسی وفتحه دال بی همه چلیدن چیلماک
چارلماق بفتحه جیم فارسی وسکون راء مهمله وفتحه لام سنده کردن **فصل الخاء المعجمه** خوارلماق بتفخیم ضمه خای معجمه وسکون راء مهمله
وفتحه لام خوار کردن خواهلماق بفتحه خای معجمه وسکون ها وفتحه لام خواهش کردن خاغلماق بفتحه خای معجمه وسکون نون وفتحه لام
پناه کردن خرخشماق بفتحه خای معجمه وسکون راء مهمله وفتحه خای معجمه وفتحه لام وسکون شین معجمه وفتحه لام وسکون شین معجمه مشقه شدن کردن

فصل الدال المهمله دماق بتقدیم کسر دال مهمله و سکون یای حطی و فتح قاف و کلاماق بفتح دال و سکون کاف فارسی و فتح لام و سکون نون
برجستن و دمیدن بیرون و دماک بترقیق ضمه دال مهمله و سکون کاف فارسی بانگ زدن داغدماق بفتح دال مهمله و سکون غین معجمه و فتح دال
داغ کردن فصل السین المهمله سوراماق بتقدیم کسر سین مهمله و فتح راء مهمله بر رسیدن ساناماق بفتح سین مهمله و نون مخفی و مد شتن
ساناماق بفتح سین مهمله و نون و سکون تای قرشت شمار کردن سیمبرماق بتقدیم کسر سین مهمله و ترقیق کسره میم و سکون رای مهمله
قرب شدن ساورماق بفتح سین مهمله و ترقیق ضمه واو و سکون رای مهمله دانه گاه جدا کردن سیمناق بتقدیم کسر سین و نون مخفی
و سکون کاف فارسی مضم شدن سینکورماق بکسر کاف مکروه و ترقیق ضمه کاف فارسی و سکون رای مهمله هم کردن سوورماق بتقدیم
ضمه سین مهمله و رای مهمله ساندن سیناماق بترقیق کسره سین مهمله و فتح نون آرزو کردن سیناماق بترقیق کسره سین مهمله و سکون
نون شکستن شدن سوزلاماق بتقدیم ضمه سین مهمله و سکون زای معجمه و فتح لام سخن گفتن و لاه کاز در بزم صدر رای ساکن استعمال کردن
سیلیماق بترقیق کسره سین و سکون یای و فتح لام عزت کردن سوورماق بفتح سین مهمله و ضمه واو سرد شدن سوقماق
بفتح سین مهمله و ترقیق ضمه واو و سکون تای قرشت سرد کردن سوماراماق بتقدیم ضمه سین مهمله و فتح دال مهمله و سکون رای مهمله کشتن
کردن سالاماق بفتح سین مهمله و سکون لام انداختن سوسماق بتقدیم ضمه سین مهمله و ضمه واو و سکون تای قرشت خون کاو
سیپورماق بتقدیم کسره سین مهمله و ترقیق ضمه با فارسی و سکون رای مهمله جاروب کردن ساسیغاق بفتح سین مهمله و ترقیق
کسره یای مجهول و سکون نون بیدلاشتن و ماندگی سوسماق بتقدیم ضمه سین و سکون رای مهمله و تای قرشت مالیدن سوسماق
بتقدیم کسره سین مهمله و سکون یای حطی بوست کندن سیسوماق بتقدیم کسره سین مهمله و ضمه واو دوست داشتن سوسماق بتقدیم
ضمه سین مهمله و ترقیق ضمه یای حطی و فتح لام بوست کنده شدن سوبولماق بترقیق ضمه سین مهمله و یای حطی و سکون لام
بیدار شدن سیماق بترقیق کسره سین مهمله و سکون یای حطی شستن سیاراماق بفتح سین مهمله و جیم فارسی و رای مهمله
ساکنه جستن سیلیکیق بترقیق کسره سین مهمله و لام مکسوره و کاف عربی ساکنه بیرون افشردن سیلاماق بترقیق کسره سین
مهمله و لام مفتوحه مالیدن و مسح کردن سوورماق بترقیق ضمه سین مهمله و رای ساکنه سوزیدن سوماک بتقدیم ضمه سین مهمله

ولام ساکنه

ولام ساکنه بتر مردن شدن سوکماق بتقدیم ضمه سین مهمله و سکون کاف فارسی مکسوره و شتم دادن سیماق بترقیق کسره سین
مهمله و سکون یای حطی باشیدن سیبیماق بترقیق کسره سین مهمله و فتح یای فارسی و سکون تای قرشت یاشیدن سوماک بتقدیم
ضمه سین مهمله و نون ساکن فرو آمدن و کل شدن شمع و افتادگی کردن ساناکلماق بفتح سین مهمله و نون مخفی و سکون کاف فارسی
ولام مفتوحه حریص ال کردن سوزداراماق بتقدیم ضمه سین مهمله و زای ساکن و ترقیق ضمه دال مهمله و راء مهمله ساکنه فرو آمدن و کل کردن شمع
و نقاره خانه سوورماق بترقیق ضمه سین مهمله و راء مهمله و لام ساکنه مالیدن و باریک شدن و باریک شدن سیوراماق بترقیق کسره سین مهمله
ولام مفتوحه و شین معجمه ساکنه عزت مهمله بکردن ساساماق بفتح سین مهمله و سکون سین مهمله دوشیدن سیغماق بتقدیم کسره سین
مهمله و سکون غین معجمه گنجیدن ساساماق بفتح سین مهمله و سکون نون مخفی و جیم فارسی ضمه خلانیدن سکرماق بتقدیم کسره سین
مهمله و سکون کاف فارسی برجستن ساسیماق بفتح سین مهمله اول بترقیق کسره تا بدو کردن و کنده شدن سوزماق بترقیق ضمه سین
مهمله و سکون رای مهمله شنا کردن ساقدماق بفتح سین مهمله و سکون قاف و فتح لام بکدام آستن سوقماق بتقدیم ضمه سین مهمله و فا ساکنه
خریدن سوزدورماق بترقیق ضمه سین مهمله و سکون زای معجمه و ترقیق ضمه دال مهمله و سکون رای مهمله شنا گردانیدن سیقماق بتقدیم
کسره سین مهمله و سکون قاف فرا شدن سیکماک بترقیق کسره سین مهمله و سکون کاف عربی مالیدن سیقماق بترقیق کسره سین مهمله
و سکون یای فارسی و فتح قاف و سکون رای مهمله یکبار دویدن ساناماق بفتح سین مهمله و سکون تای قرشت فرو دفتن ساناوراماق
بفتح اول و ترقیق ضمه تای قرشت و سکون رای مهمله فرو شدن سوبولماک بتقدیم ضمه سین مهمله و ضمه با موحده و سکون لای مهمله
شمشیر کشیدن سوورماق بتقدیم ضمه سین مهمله و کاف مکروه شمشیر کشیده شدن فصل الشین المعجمه شاماق بفتح شین
معجمه و سکون زای مضطرب شدن شاشتوراماق بفتح شین معجمه و سکون تای قرشت و ترقیق ضمه تای قرشت و سکون رای مهمله مضطرب ساختن
شاقماق بفتح شین معجمه و سکون قاف و دوشیدن برق شیقماق بفتح شین معجمه و فتح لام و سکون تای قرشت ابلق یابی
شیماق بکلمات مذکوره و سکون تای قرشت الله شدن شیشماق بترقیق کسره شین معجمه اول و سکون نا نرم شدن شاغماق
بفتح شین معجمه و تقدیم کسره غین معجمه و کسره جیم فارسی مذکور کردن فصل القاف قولشاق بتقدیم ضمه قاف و سکون شین معجمه ترک کردن

بنیاد فرهنگ ایران
موزه ملی ملک
موسسه کتابخانه

قوتولاق بتفخیم همزه و ترقیق همزه تنبیه بجیم و سکون لام همراه شدن قویرلاق بتفخیم همزه قاف و ترقیق همزه یای حطی و سکون لام خفیف شدن
قاچاق بفتحه قاف و سکون یای فارسی کشیدن قاتماق بفتحه قاف و سکون تای قرشت سخت بستن قیماق بکسر قاف و سکون
یای حطی قطع کردن قیتیلماق بکسر قاف و تای قرشت و سکون لام کلیدی کردن قوالماق بتفخیم همزه قاف و فتحه واو و سکون نون خشم گرفتن
قوردماق بترقیق همزه قاف و رای مهمله خشک کردن قوردماق بترقیق همزه و سکون تای قرشت خشک کردن قاوشماق
بفتحه قاف و الف و ترقیق همزه واو و سکون شین قرار دادن قاولماق بفتحه قاف و الف و سکون واو و فتحه لام تعاقب کردن قوماق
بتفخیم همزه قاف و سکون یای حطی کشیدن قوماق بتفخیم همزه قاف و سکون سین مهمله و کلوچه قاقماق بفتحه قاف و الف و سکون نون زدن
کردن قاتماق بفتحه قاف و تای قرشت خورد کردن قاقماق بفتحه قاف و الف و سکون قاف زدن قاتماق بفتحه قاف و الف و سکون نون و تای قرشت
قاتماق بفتحه قاف و سکون تای قرشت و فتحه دال مهمله قتیدن قویماق بتفخیم همزه قاف و سکون یای فارسی برخاستن قویماق
بتفخیم همزه قاف و فتحه یای فارسی و سکون دال مهمله برخاستن قیماق بترقیق همزه قاف و فتحه نون غلبه کردن قوتماق بتفخیم همزه
قاف و ترقیق همزه تای قرشت خوش شدن قوتماق بتفخیم همزه قاف و واو و سکون تای قرشت بفتحه قاف و تای قرشت و سکون دال مهمله کردن
قیتماق بفتحه قاف و سکون یای حطی و کسر تای قرشت باز کشیدن قیتلوماق بفتحه قاف و سکون یای حطی و ترقیق همزه تای قرشت
و سکون دال مهمله باز کشیدن قیماق بفتحه قاف و سکون یای حطی و نون مفتوحه جوشیدن قیتماق بفتحه قاف و سکون تای قرشت
حطی و فتحه نون و سکون تای قرشت جوشیدن قاماق بفتحه قاف و سکون میم مهمله کردن قاتماق بفتحه قاف و تای قرشت
داخل کردن و امتحان قاتیلماق بفتحه قاف و الف و ترقیق همزه تای قرشت و سکون لام داخل شدن قوسماق بتفخیم همزه قاف
و سکون دال مهمله و فتحه سین اهمال کردن قوزغماق بتفخیم همزه قاف و سکون زای معجمه و فتحه غین معجمه رسیدن قوغماق بتفخیم همزه
قاف و سکون رای مهمله و فتحه غین معجمه و سکون تای قرشت رمانیدن قاچماق بفتحه قاف و سکون جیم فارسی گریختن قاچوردماق
بفتحه قاف و سکون جیم فارسی و ضمه تای قرشت و سکون دال مهمله گریزانیدن قاریماق بفتحه قاف و ترقیق کسره رای مهمله
سکون یای حطی پیر شدن قیجماق بتفخیم کسره قاف و سکون جیم فارسی خاریدن قولدماق بتفخیم همزه قاف و سکون لام

وفتحه دال

وفتحه دال مهمله کردن قالدوماق بفتحه قاف و سکون لام و ضمه دال مهمله برداشتن زبحی که کرشتن بزاده قالماق بفتحه
قاف و سکون لام ماندن قالیتوماق بفتحه قاف و سکون یای حطی و تفخیم همزه و سکون دال مهمله خوردن قیماق
بتفخیم کسره قاف و سکون لام کردن قیلیتمق بتفخیم کسره قاف و فتحه لام و سکون نون کشیده شدن قونوماق بتفخیم همزه قاف
و سکون نون حفی و ضمه غین معجمه و سکون دال مهمله بیخ برکندن قیرماق بتفخیم کسره قاف و سکون رای مهمله قتل کردن قیرملق
بتفخیم کسره قاف و ترقیق کسره رای مهمله و سکون لام قتل شدن قیجقماق بتفخیم کسره اول و سکون جیم فارسی و
ترقیق کسره قاف تاز و سکون رای مهمله و یکی کردن و طبیدن قیسقماق بتفخیم کسره قاف و سکون سین مهمله و فتحه قاف
تاز و سکون رای مهمله کوتاه کردن قیرملق بفتحه قاف و یای حطی و رای مهمله و سکون نون و فتحه لام مهره زدن
قاشیماق بفتحه قاف و ترقیق کسره سین خاریدن قادامق بفتحه قاف و الف و فتحه دال مهمله برچیدن قادیماق
بفتحه قاف و کسره دال مهمله و سکون لام برچیده شدن قازمق بفتحه قاف و سکون زای معجمه کندن قیزیماق بتفخیم
کسره قاف و سکون رای معجمه و فتحه قاف و سکون لام بریان شدن قوزمق بفتحه قاف و ترقیق ضمه همزه و
سکون رای مهمله بریان کردن قورصماق بتفخیم همزه قاف و سکون رای مهمله و فتحه قاف تاز ترسیدن
قورقماق بتفخیم همزه قاف و سکون رای مهمله و فتحه قاف تاز و سکون تای قرشت ترسانیدن فصل الکاف
کیلک بتفخیم کاف عربی و سکون لام آمدن کیلیتمق بتفخیم کسره کاف عربی و لام و سکون لام تاز
بیرون شدن کیلتورمق بتفخیم کسره کاف عربی و سکون لام و ترقیق همزه تای قرشت و سکون دال مهمله آوردن
کوزمق بتفخیم همزه کاف عربی و ترقیق همزه رای مهمله و سکون نون دیده شدن کوییق بتفخیم همزه کاف عربی
و سکون یای حطی سوختن کوییرمق بترقیق همزه کاف عربی و سکون رای مهمله بسوزانیدن کورساماق بتفخیم همزه
کاف عربی و سکون رای مهمله و فتحه سین مهمله و سکون تای قرشت نهادن کوندرماق بتفخیم همزه کاف فارسی
و سکون نون و فتحه دال مهمله و سکون رای مهمله فرستادن کیسماق بتفخیم کسره کاف عربی و سکون سین مهمله

بریدن کبیسه باق بتقدیم کسره بای ابجد و سکون لام بریده شدن کلکوق بتقدیم ضمه کاف و سکون تای قرشت و تقدیم ضمه
کاف فارسی و سکون رای مهمله نام کوهی کوچیق بتقدیم ضمه کاف و سکون جیم فارسی کوچیدن کوچیوق بتقدیم ضمه کاف و سکون
جیم فارسی و ترقیق ضمه تای قرشت و سکون رای مهمله کوچ کنانیدن کوندلماق بتقدیم ضمه کاف و سکون دال و ترقیق ضمه نون
و سکون لام عادت کردن کوتیلمق بترقیق ضمه کاف و سکون تای قرشت و ترقیق ضمه لام رنگ کردن کومق بتقدیم ضمه
کاف و سکون میم دفن کردن کوترمق بتقدیم ضمه کاف و سکون تای قرشت و سکون رای مهمله برداشتن کچمق
بتقدیم کسره کاف و سکون جیم فارسی دیر شدن کچیوق بتقدیم ضمه کاف و سکون جیم فارسی و ترقیق ضمه تای قرشت
و سکون رای مهمله دیر کردن **فصل اللام** لاغلمق بفتح لام اول و سکون غین معجمه و فتح لام ثانی تا خای کردن لچلمق بفتح لام
اول و سکون جیم و فتح لام ثانی لجاجت کردن **فصل المیم** ماقتمق بفتح اول و سکون قاف و فتح تای قرشت مدح کردن
میتمق بترقیق کسره میم و سکون نون گوارانیدن میندرمق بترقیق کسره میم و سکون نون و ترقیق ضمه دال مهمله و سکون رای
مهمله سوار کردن میسقرماق بترقیق کسره میم و سکون سین مهمله و فتح قاف و سکون رای مهمله تبسم کردن **فصل النون**
نهمه باد سکون رای مهمله عطسه کردن سک باید و ترقیق بفتح باء و سکون یای حطی و ضمه دال و سکون رای مهمله تین زاده بودن
نجیتمق بتقدیم ضمه باء و سکون رای مهمله و ترقیق کسره میم سبزه کردن هورلمک بتقدیم ضمه باء و سکون رای مهمله و فتح قاف و میدن
هورکاتی کرکات مکروه و فتح کاف عربی و سکون تای قرشت زمانیدن باز مق بتقدیم فتحه باء و سکون رای مهمله مانده شدن
باراتمق بفتح باء و رای مهمله و سکون تای قرشت مانده کردن **فصل الهاء والتاء** یاز مق بفتح یاء و رای مهمله و سکون زای قرشت
افزودن یاراماق بفتح یاء و رای مهمله بخاراندن یازمق بفتح یاء و سکون زای معجمه نوشتن دهلکردن دکتن یاتلمق بفتح
یای حطی و ترقیق کسره تای معجمه و سکون لام نوشته شدن دهلکشدن و بدشدن یوقلمق بتقدیم ضمه یای تحتانی و سکون قاف و فتح لام
تجسس کردن یوتلمق بتقدیم ضمه یاء و فتح تای قرشت و سکون لام مرفیدن یارمق بفتح یاء و الف و رای مهمله سرکه کنانیدن
یارطاق بفتح یای حطی و کسره رای مهمله و سکون لام گفتیدن یارومق بتقدیم ضمه یاء و ضمه رای مهمله روشن کردن یاروماق

گلخانه

گلخانه مذکور روشن شدن یوزماق بتقدیم ضمه یاء و سکون زای مهمله روانه شدن یوقلمق بتقدیم ضمه یای حطی و قاف و سکون لام غایت کردن
یاوزلمق بفتح یاء و ترقیق ضمه واو و سکون زای معجمه و فتح لام تمرد کردن یانمق بفتح یاء و الف و سکون نون بپهلو گشتن یاندرمق بفتح
الف و سکون نون و ترقیق ضمه دال مهمله و سکون رای مهمله بپهلو گردانیدن و در گردانیدن یونکماق بتقدیم ضمه یاء و فتح کاف فارسی و سکون نون
بتسلیم فرمودن یاتورمق بفتح یاء و ضمه تای قرشت و سکون رای مهمله زدن یکدیگر کوبانیدن یرتوماق بتقدیم کسره یاء و سکون رای مهمله و ضمه تای
قرشت پاره شدن یلنکی جماق بفتح یاء و لام و سکون نون عصای و فتح کاف فارسی و سکون جیم فارسی برهنه کردن یرتمق بتقدیم کسره
یاء و سکون رای مهمله دیر کردن یاسین بتقدیم کسره یاء و سکون سین مهمله ترس یاستمق بفتح یاء و سین مهمله و سکون تای قرشت ساخته کردن
یاتمق بفتح یاء و سکون تای قرشت خوابیدن یاتیلمق بفتح یاء و ترقیق کسره تای قرشت و سکون لام بوشیده شدن یولمق بتقدیم ضمه یاء
و سکون لام موکندن یاتلمق بفتح یاء و سکون تای قرشت خوابیدن یاتقورماق بفتح یاء و سکون تای قرشت و تقدیم ضمه قاف و سکون
رای مهمله خوابانیدن یتشتمق بتقدیم کسره یاء و ترقیق کسره تای قرشت و سکون شین معجمه رسیدن بیاریلمق بتقدیم کسره یاء و فتح رای مهمله
ترقیق کسره رای مهمله و سکون لام و مسئله شدن یلمق بفتح یاء و سکون لام بیسیدن ایشورمق بفتح یاء و ترقیق ضمه شین معجمه و سکون
رای مهمله نهان کردن ایشتمق بفتح یاء و ترقیق ضمه شین معجمه و سکون نون نهان شدن یاشتمق بفتح یاء و شین معجمه و سکون تای
مهمله کشتن یاسای شدن بیماق بترقیق کسره یاء و سکون نون تراشیدن یرلمق بفتح یاء و سکون رای مهمله و فتح لام امر زیدن و
سوگند یشتمق بتقدیم کسره یاء و سکون میم و فتح شین معجمه شدن یاشتمق بتقدیم کسره یاء و سکون شین معجمه و سکون تای قرشت
نوش خوردن یاتمق بفتح یاء و سکون لام و فتح تای قرشت یالجیدن و سکون دال مهمله زاری کردن یوزمق بترقیق ضمه یای حطی و سکون
زای معجمه شکستن یوزمق بترقیق یاء و واو شکستن یوزمق بترقیق ضمه یاء و سکون میم اول نوشیدن یتمق بتقدیم کسره یاء
و سکون تای قرشت خوردن میدرمق بتقدیم کسره یای اول و سکون تای و ترقیق ضمه دال مهمله و سکون رای مهمله خوابانیدن یتیلمق بتقدیم کسره
یای اول و ترقیق کسره یای ثانی و سکون لام خورده شدن یقلمق بفتح یاء و قاف و لام گناه کردن یاپشمق بفتح یاء و ترقیق کسره
یای فارسی و سکون شین معجمه چسپیدن یقلمق بتقدیم کسره یاء و ترقیق کسره قاف و سکون لام غلطیدن یتیلمق بترقیق کسره یای حطی و سکون

میم و فتحه ۳

تا حطی فرشت کم شدن بیتوی راق بترقیق کسره یا و ترقیق ضمه تا تا فرشت و سکون ها مهمله کم کردن بوکوری بتفخیم ضمه یا و کاف فارسی
و سکون را مهمله دویدن بوکو تو بترقیق بترقیق ضمه یا حطی و کاف فارسی و سکون را مهمله بترقیق ضمه تا تا فرشت و سکون را مهمله
دوانیدن بیرمق بتفخیم کسره یا و سکون تا تا مجمه حل کردن بیرغلق بترقیق کسره یا و ترقیق ذال معجمه و سکون لام حل شدن و بیهوش
یافتن یا یمق بفتحه یا و سکون تا تا بر اس ساختن یا یلق بفتحه یا و ترقیق کسره همزه و سکون لام بهم شدن یا و تشقق بفتحه یا و ترقیق
ضمه واو و سکون شین مجمه تردید کردن یلمق بتفخیم ضمه یا و فتحه میم و لام و سکون نون غلطان شدن یا تق بفتحه یا و سکون
قاف خرمن آمدن یا غمق بفتحه یا و سکون غین مجمه باریدن یا ولو راق بفتحه یا و سکون لام و ترقیق ضمه دال مهمله و سکون
را مهمله رقصانیدن یا رشتی بفتحه یا با الف و فتحه را مهمله و سکون شین مجمه صلح کردن یوز الفاق بترقیق ضمه یا و سکون را
مجمه و فتحه و سکون زا و دو نون یوز ترقیق بتفخیم ضمه یا و سکون را مهمله و فتحه عین مجمه و سکون را مهمله خبر کردن یوکلمق
بتفخیم ضمه یا و سکون کاف فارسی و فتحه لام با رکردن یوکلمق بترقیق ضمه و کاف و سکون کاف فارسی و فتحه لام و سکون تا تا فرشت
بار کردن یوغلمق بتفخیم کسره یا و ترقیق کسره غین و سکون لام جمع شدن یتمق بتفخیم کسره یا و سکون تا تا فرشت رسیدن
یتکو راق بتفخیم کسره یا و سکون تا تا فرشت و ترقیق ضمه کاف فارسی و سکون را مهمله رسانیدن باب دوم در اسماء بعد

فصل الالف مع الالف

آتا بفتحه الف ممدوده و تای فرشت مفتوحه و الف تا مقصوره پدر اتا مکرر مذکوره و فتحه نون
مادر آبا بفتحه الف ممدوده و فتحه با الحبشی عم آغا بفتحه همزه ممدوده و فتحه غین مجمه برادر کلان آکا بفتحه همزه ممدوده و فتحه کاف
ایکا بتفخیم کسره همزه و فتحه کاف فارسی صاحب آو بفتحه همزه ممدوده و واو و الف اشیان اوزکا بتفخیم ضمه همزه و سکون زای
مجمه و فتحه کاف فارسی دیگر ایکا بفتحه الف و کسره لام و فتحه کاف فارسی پیش آیا بفتحه همزه ممدوده و فتحه یای حطی کدخدا
آرا بفتحه همزه ممدوده و فتحه را مهمله در میان او و آ بتفخیم ضمه همزه و فتحه دال مهمله بلند اوزا بتفخیم ضمه همزه و سکون زای مجمه
و فتحه را مهمله بر بالا او و ا بتفخیم ضمه همزه و فتحه واو رای او ید ابتفخیم ضمه همزه و سکون یای حطی و فتحه دال مهمله دخانا و نوا
بترقیق ضمه همزه و سکون نون و فتحه دال مهمله آنجا و بمعنی او از کسی نیز آمده اوزنده ابتفخیم ضمه همزه و ترقیق ضمه شین مجمه و سکون نون

و فتحه دال مهمله بهمین جا اورتا بتفخیم ضمه همزه و سکون را مهمله و فتحه تا تا فرشت در میانه الاث بفتحه الف و لام و شین مجمه
پشت ایشیک آغا بتفخیم کسره همزه و ترقیق شین مجمه و سکون کاف فارسی و فتحه الف ممدوده و فتحه غین با الف و ارد خه دیوانخانه
اورمالو غا بتفخیم ضمه همزه و سکون را مهمله و فتحه دال و ترقیق ضمه لام مهمله و فتحه غین مجمه خام ابریشم اوقتا بتفخیم ضمه همزه و سکون
قاف و فتحه تا تا فرشت مانند شو اویلا بتفخیم ضمه همزه و سکون یای حطی و لام مفتوحه مهم کن الالف مع الباء ایب بفتحه همزه ممدوده
و ترقیق کسره لام و سکون با الحبشی کوفته اولیب بفتحه همزه ممدوده و سکون واو و فتحه لام تلی کلمه ایسیک بتفخیم کسره همزه
و ترقیق کسره سین مهمله و سکون را مهمله و فتحه کاف فارسی و سکون با الحبشی احرام کلمه اوزلیب بترقیق ضمه همزه و سکون زای مجمه
و فتحه لام و ترقیق کسره نون و سکون کاف کلمه ایب بتفخیم کسره همزه و سکون با الحبشی راسیان اوب بتفخیم ضمه همزه و سکون
بای فارسی بوسه ایپ بفتحه الف و سکون لام و بای فارسی بهلوان البلغ مع التاء والقاف آت بفتحه همزه ممدوده و سکون تا
نام اسپ و بمعنی گوشت هم آمده است اوت بتفخیم ضمه همزه و سکون تا آتش و علف و تخم و بمعنی بذر هم آمده است آت بتفخیم
فتحه همزه ممدوده و نون خفی و سکون تا سوگند ادیات بتفخیم ضمه همزه و فتحه یای حطی و سکون تا تا فرشت شرم ایت بتفخیم
کسره همزه و سکون تا تا فرشت اینت بتفخیم ضمه همزه و ترقیق ضمه نون و سکون تا نام آهوی کن ممدوده ایت بترقیق کسره همزه و سکون
تای فرشت سگ الکت بفتحه همزه و نون خفی و سکون کاف فارسی و ترقیق کسره غین مجمه و سکون تا تا فرشت شغال اولات
بترقیق ضمه همزه و فتحه زای مجمه و سکون تا دراز کن و روانه کن اوشت بترقیق ضمه همزه و فتحه شین مجمه با الف و سکون تا تا فرشت
قومی اوزبک اوبرات بتفخیم ضمه همزه و سکون با الحبشی و فتحه رای مهمله و سکون تا تا فرشت فرقه ترک الالف مع الجیم اوچ
بفتحه همزه و ترقیق ضمه واو و سکون جیم لغت است اوروج بتفخیم ضمه همزه و ترقیق ضمه را مهمله و سکون جیم روزه اتاج
بترقیق کسره همزه و فتحه تا و ا و نون تا تا خفی و سکون جیم اعتقاد ایشاج بترقیق کسره همزه و فتحه شین و نون خفی و سکون
جیم استغفار اوزنج بترقیق ضمه همزه و سکون را مهمله و فتحه کاف فارسی و نون خفی و سکون جیم نام شهریست ایچ بترقیق
کسره همزه و سکون جیم فارسی لغتی و درون و بمعنی میان هم آمده است آج بفتحه همزه ممدوده و سکون جیم فارسی گرسنه

بنیاد فرهنگ ایران
موزه ملی ملک
موسسه کتابخانه

وبعنی دانکی هم آمده اوج بترقی ضمه همزه وسکون جیم فارسی وشین وکسر یعنی نوک دستهم آمده اوماج بضم همزه وسکون واو
وفتحه میم بالف وسکون جیم فارسی نوعی از طعام اوبج بتقدیم ضمه همزه وسکون واو بای موحده وفتحه کاف عربی وسکون جیم فارسی کوهانی شتر
الالف مع الدال المهمله اجود بتقدیم ضمه همزه وسکون نون وترقی ضمه جیم ابجد وسکون دال قرص وعایه اود بتقدیم ضمه همزه وسکون
دال قرص وزبان ترکان آتش ایدیز بترقی کسر همزه وسکون یای مجهول مزده ودال بترکی اوبه بتقدیم ضمه همزه
همزه وسکون را بمعنی آسمان اوغور بتقدیم ضمه همزه وترقی ضمه غین معجمه وسکون را بمعنی چهره ایکیز بتقدیم کسر همزه وکاف فارسی وسکون را بمعنی ابر
بترقی کسر همزه وکاف فارسی وسکون را لوح اولور بتقدیم ضمه همزه وترقی ضمه کاف فارسی وسکون را بگردان ایدیر بتقدیم همزه وترقی کسر مهمله
مهمله وسکون را بمعنی انداختن ایتیم بتقدیم کسر همزه وسکون را مرد اولدر بتقدیم ضمه همزه وفتحه لام وسکون را آنها آغز بتقدیم همزه مضمومه وفتحه غین معجمه
وسکون را دهان وزقلدراک آتشقر بتقدیم همزه مضمومه وسکون قاف وفتحه شین نون وفتحه قاف تاء مثنوی وسکون را آفتاب ایدیم
ایدر اولدر بتقدیم همزه وسکون یای حطی وفتحه را وسکون نون وفتحه لام وسکون را مردان خدا آفت بتقدیم همزه وسکون فا وفتحه شین معجمه بالف
وسکون را قوی از زنان قوتلاش اوتدیز بترقی ضمه همزه وسکون زا تاش دهنده مبنی بترهم آمده وتقدیم ضمه همزه
ایدیز بترقی کسر همزه وسکون زا بلد اوکوز بتقدیم ضمه همزه وترقی ضمه کاف عربی وسکون زا زنگاو ایلدیز بتقدیم کسر همزه وسکون لام
وترقی کسر دال وسکون زا بیخ اوداز بتقدیم ضمه همزه وفتحه دال مهمله وسکون زا بخت طالع اوغوز بتقدیم ضمه همزه وغین معجمه وسکون زا
یدوزم پادشاه ایکیز بترقی کسر همزه وکاف عربی وسکون زا توام اغیز بتقدیم همزه وترقی کسر غین معجمه وسکون زا بینی اوجوز
بتقدیم ضمه همزه وترقی ضمه جیم فارسی وسکون زا ازدواج اوکلو بتقدیم ضمه همزه وترقی ضمه کاف فارسی وسکون زا طبر بمعنی آت سبز بفتحه
همزه مزده وسکون تا بترقی ضمه وترقی کسر سین مهمله وسکون زا بلد نام الالف مع الراء المهمله اوس بفتحه همزه وترقی ضمه لام وسکون
سین احوال آوس بفتحه همزه مزده وترقی ضمه لام وسکون سین دور آکس بفتحه همزه ولام وسکون سین اندک اوس
بتقدیم ضمه همزه وسکون سین بیان ایس بترقی کسر همزه وسکون سین وی وتقدیم کسر همزه عقل اولوس بترقی ضمه همزه
ولام وسکون سین قبیله اوروس بترقی ضمه همزه ورای مهمله وسکون سین قوی است آمس بفتحه همزه مزده وسکون سین اندوه ایزان بکسر

الالف مع الزاء

الالف مع الشین المعجمه آش بفتحه همزه مزده وسکون شین طعام اجاش بترقی ضمه همزه وفتحه جیم فارسی الف وسکون شین شیره
اولاش بتقدیم ضمه همزه وفتحه لام والف وسکون شین قسمت اخاش بتقدیم ضمه همزه وسکون خای معجمه وفتحه شین شیر وسکون شین دوم
مانند اسقیش بفتحه همزه وترقی کسر قاف وسکون شین معجمه دوم دعا اجرش بترقی کسر همزه وسکون شین معجمه بالف آرکاش
بفتحه همزه وسکون را مهمله وفتحه کاف عربی وسکون شین معجمه دریا اتاش بفتحه همزه مزده وفتحه تا بترقی بالف وسکون شین
بمعنی اوتاش بتقدیم ضمه همزه وسکون یای حطی وفتحه نون وسکون شین زنا اتقوتاش بفتحه همزه مزده وسکون تا بترقی
وتقدیم ضمه قاف وفتحه لام وسکون شین جنگیدن اوتوش بتقدیم ضمه همزه ورای مهمله وسکون شین جنگ الالف مع الغین المعجمه اوباغ
بترقی ضمه همزه وفتحه تا بترقی بالف وسکون غین خانه وجوه ایباغ اجاغ بترقی کسر همزه وفتحه نون بالف وسکون غین صاحب
ومعتمد اباغ بتقدیم همزه وبای حطی وسکون غین بمعنی بای وکاسه اوجاغ بترقی ضمه همزه وفتحه جیم فارسی والف وسکون غین دیگدان
اوشتاغ بتقدیم ضمه همزه وترقی شین وسکون نون وفتحه دال مهمله بالف وسکون غین بدین طور اتالیغ بفتحه همزه وفتحه تا بترقی
وتقدیم کسر لام وسکون غین تربیت کننده وصاحب اختیار اوزغ بفتحه همزه وتقدیم ضمه رای مهمله وسکون غین لاغر وبد همزه یای
وقت انصاف عذاب دنیی آیدیغ بفتحه همزه وتقدیم کسر رای مهمله وسکون غین پاک وجوی اوزتاغ بتقدیم ضمه
همزه وترقی ضمه زای مهمله وسکون شین معجمه وفتحه قاف بالف وسکون غین تاروبود اولاغ بترقی ضمه همزه
وفتحه لام بالف وسکون غین بنزر واشیغ بفتحه همزه مزده وتقدیم کسر سین مهمله وسکون غین نایده اوریاغ بتقدیم ضمه همزه وسکون
رای مهمله وفتحه یای مجهول والف وسکون غین خشک کبر ایرماغ بکسر همزه وسکون رای مهمله وسکون غین تخمه وقبیله
الالف مع القاف اوتاق بترقی کسر همزه وتقدیم سین مهمله وسکون غین کرم الالف مع الکاف اوتاق بتقدیم ضمه همزه وسکون یای حطی و
فتحه تای مثنوی والف وسکون قاف جدا اوتاق بتقدیم ضمه همزه وسکون یای حطی وفتحه میم بالف وسکون قاف آشیان وقبیله
اوچاق بترقی ضمه همزه وسکون جیم فارسی وفتحه میم بالف وسکون قاف بستر ارباق بفتحه همزه وسکون را مهمله وفتحه یای مجهول
والف وسکون قاف اقرون الغوبجاق بفتحه همزه وسکون لام وترقی ضمه غین معجمه وسکون نون وفتحه جیم فارسی وسکون قاف کاز

وهاء بی‌همزه مالکزند اوراق بفتح همزه وفتح را بی‌همزه بالف وسکون قاف والنسق اوفاق بفتح همزه وسکون تا قرشت وفتح
لام بالف وسکون قاف مصحف اراق اوتاق بفتح همزه وفتح همزه وفتح قاف وفتح تا بی‌نقطه والف وسکون قاف نام دلی وکرده اجاق بی‌نقطه
همزه وسکون جیم فارسی وفتح جیم ترقی کسر لام وسکون صابون الاجاق بفتح همزه ولام وفتح جیم فارسی وسکون قاف کاشانه
اودق بفتح همزه وسکون دال وترقی ضمه واو تا بی‌نقطه وسکون قاف بی‌نقطه الاجاق بفتح همزه ولام
سکون جیم وفتح جیم فارسی وسکون قاف والبق آتلیق بفتح همزه وسکون تا قرشت وفتح کسر لام بی‌همزه وسکون قاف بی‌نقطه
وکاف آمده اراق بفتح همزه وسکون را بی‌همزه وفتح همزه تا قرشت وسکون قاف بی‌نقطه اوده اوق بفتح همزه وسکون قاف
وکلمه دلالت بر جمع کند مثل تلیکر اوق بیر در بعضی خدای مبدا وبس وبعضی تیر هم آمده اوتاق بی‌ترقی همزه وفتح
سین بی‌نقطه والف وسکون قاف وبی‌ترقی همزه اوساق بفتح همزه وسکون قاف وفتح سین بی‌نقطه وسکون قاف وکاف اوجوراجاق بی‌ترقی
همزه وجیم فارسی وسکون را بی‌همزه وفتح جیم فارسی وجیم بالف وسکون قاف استخوان جهان سینه وکمر را بی‌همزه تا قرشت میگویند
ایلکداق بی‌ترقی کسر همزه وسکون لام وفتح کاف فارسی وسکون را بی‌همزه وفتح قاف بستر آجوق بفتح همزه وکرده وفتح جیم فارسی وسکون قاف
کشده وداز اشتیلق بفتح همزه وکرده وسکون تا بی‌نقطه وکسر لام وسکون قاف غلاق بفتح همزه وسکون قاف سفید اوتوق
بفتح همزه وسکون یای حطی وفتح همزه لام وسکون قاف کتوا وصاحب خانه اوتاق بفتح همزه وسکون را بی‌همزه وفتح تا قرشت بالف
وسکون قاف بستر بک اغوجاق بفتح همزه وسکون را بی‌همزه وفتح جیم فارسی والف سیاه اوشلوق بی‌ترقی همزه وسکون
سین بی‌نقطه وفتح همزه لام وسکون قاف خرخره وقنه اراپلق بفتح همزه وراء بی‌همزه وفتح کسر لام وسکون قاف دیوان کوه
اب اق بفتح همزه وسکون با فارسی وفتح الف کرده وسکون قاف بسیار سفید اولاق بفتح همزه وکرده وسکون لام
لام والف وسکون قاف شکاه اغرق بفتح همزه وسکون غین معجمه وفتح کسر را بی‌همزه وسکون قاف دروا السیلق بی‌ترقی کسر همزه
وسکون لام وکسر لام وسکون قاف بی‌نقطه دار اراز نواق بفتح همزه وسکون نون وفتح دال بی‌همزه والف وسکون قاف الحاق ایاق
بفتح همزه وسکون یای حطی وفتح میم والف وسکون تا قرشت اولیزک بفتح همزه وترقی یای حطی

اولیزک

اولیزک وسکون کاف فارسی بی‌ترقی کسر همزه وسکون سین بی‌نقطه وترقی کسر لام وسکون کاف فارسی عاقل ارزوسک بفتح همزه وسکون
را بی‌همزه وفتح عین بی‌نقطه وسکون سین بی‌نقطه وفتح تا قرشت مشکوک کاف عجل رقص اوتوک بفتح همزه وترقی همزه تا قرشت وسکون
کاف فارسی مرزن اوزاک بفتح همزه وفتح زا بی‌نقطه وسکون کاف فارسی وکاف فارسی وکاف عجل که از دل رسته اشک وک بفتح همزه وکسر کاف وفتح
سین بی‌نقطه وترقی همزه را بی‌همزه وسکون کاف فارسی سر فرو اوتوک بفتح همزه وفتح دال بی‌همزه وسکون کاف وتوان اغیک بی‌ترقی کسر همزه
وفتح غین وسکون کاف فارسی جراده وکاه وا اوتوک بفتح همزه وتا بی‌همزه وسکون کاف فارسی زرد آلو اوتوک بفتح همزه وسکون
را بی‌همزه وفتح دال بی‌همزه وسکون کاف فارسی وخایه اوتوک بفتح همزه وتوان خصوص وسکون کاف فارسی جای راست وصوفی نیک اوتوک
بی‌ترقی همزه وسکون را بی‌همزه وفتح کاف فارسی وسکون کاف وصم جوره بی‌همزه اتیاک بفتح کسر همزه وفتح تا قرشت
وسکون کاف فارسی وسین ایک بی‌ترقی کسر همزه وسکون یای حطی وکاف فارسی سبک وبیمار ایکاک بفتح کسر همزه وسکون میم
وفتح کاف فارسی وسکون کاف وصم جوره مشقت ایکاک بفتح کسر همزه وسکون میم وفتح جیم فارسی وسکون کاف وصم پاستان ایزیک
بی‌ترقی کسر همزه وزا بی‌همزه وتوان خصوص وسکون کاف فارسی رسم اوزاریک بفتح همزه وفتح زا بی‌همزه وسکون زا بی‌همزه وتوان بفتح کسر لام وسکون
کاف فارسی جاع مند اوزوک بفتح همزه وترقی همزه را بی‌همزه وسکون کاف فارسی انگشتر اسرایک بی‌ترقی کسر همزه ولام وسکون را
فارسی حسب وحسب مرغ اصل مرا اتیک بی‌ترقی کسر همزه وتا قرشت مشدده وسکون کاف جرم ابنجاه اولاک بی‌ترقی همزه وفتح لام
وسکون کاف فارسی کره اتیک بی‌ترقی کسر همزه وتا قرشت مشدده وسکون کاف فارسی تیر اتیک بفتح همزه وسکون یای حطی وکسر
را بی‌همزه وسکون سین بی‌نقطه وترقی کسر لام وسکون کاف فارسی جای اوتوک بفتح همزه وفتح لام وتوان خصوص وسکون کاف فارسی سر بند
بفتح همزه وترقی سین بی‌نقطه وسکون کاف فارسی دروازه وزر دارا ساتک بفتح همزه وفتح تا بی‌نقطه وسکون کاف فارسی وغیره ایرک بفتح کسر همزه
وسکون را بی‌همزه وکاف فارسی خصوصیت وانحصار ایرتک بی‌ترقی کسر همزه را بی‌همزه وسکون کاف فارسی وتا قرشت اتیک بفتح کسر
همزه وسکون کاف فارسی وترقی کسر سین بی‌نقطه ولام وسکون کاف فارسی تر تش اتیک بفتح همزه وفتح کاف وسکون را بی‌همزه وبفتح
کسر لام وسکون کاف فارسی قرشت اوزیک بفتح همزه وترقی را بی‌همزه وسکون میم وفتح جیم فارسی وسکون کاف فارسی عنکبوت

بنیاد پژوهش و موزه ملی ملک

الالف مع اللام ایلیق بفتح همزه و سکون یای حطی و لام مردم و بترقیق کسر همزه معیب اول بفتح همزه و سکون لام معنی اول آل بفتح همزه و سکون
و سکون لام مرج و بفتح همزه و سکون میم آمدن است اول بفتح همزه و مد و ترقیق همزه و واو و سکون لام حال مرج الشین و غول بفتح همزه و سکون میم و
سکون لام مرج و سکون میم بفتح همزه و زای معجم و سکون کاف فارسی و فتح میم بین مهمله و سکون کاف فارسی و فتح همزه و سکون یای حطی
و ترقیق کسر را بمهمله و سکون لام حال شوا برا اول بفتح همزه و سکون یای حطی و فتح را بمهمله و واو و سکون لام مقدر است که ادسال ترقیق همزه
و فتح شین معجمه الف و سکون لام آنکه ایلیق بفتح همزه و سکون کاف فارسی و سکون لام کلی الالف مع المیم ایلیم بترقیق کسر همزه و سکون کاف فارسی
و ترقیق کسر را بمهمله و سکون میم کلمات ایلدیریم بفتح همزه و کسر لام و سکون لام و ترقیق کسر دال و را بمهمله و سکون میم برقد و ما آخذ ایلیم بفتح همزه
و سکون کاف عجمه و فتح الف و ترقیق ما و خشت و سکون میم دیدرو و ادا و ادم بفتح همزه و ترقیق همزه و را بمهمله و سکون میم آنکو و ایلدیلم بترقیق کسر همزه و سکون
لام و فتح دال بمهمله و سکون میم زود اخت ام بفتح همزه و سکون خای معجمه و فتح شین معجمه و سکون میم مشت ام آم بفتح همزه مد و ده و سکون میم کس
او ستم بفتح همزه و سکون سین بمهمله و ترقیق همزه و ما و خشت و سکون میم یعنی استیم بفتح همزه و سکون سین بمهمله و ترقیق کسر ما و خشت
و سکون میم زیر نمی الالف مع النون اوغان بفتح همزه و فتح غین معجمه و سکون نون طاق اون بفتح همزه و سکون نون اوار و بیخ و ده یم اوا
آبادان بفتح همزه مد و ده و با بمهمله و فتح دال بمهمله و سکون خوب ایشان بترقیق کسر همزه و سکون شین معجمه و فتح ما و خشت و سکون نون از
این بفتح همزه و ترقیق کسر را بمهمله و سکون نون آب ایلیکن بترقیق کسر همزه و کاف فارسی و سکون نون زراعتگاه ایدین بفتح همزه و ترقیق یای حطی
و سکون نون اوتش ایلیکن بفتح همزه و کاف فارسی و سکون نون سوراخ و شیشه زنبور طاف ایدین بترقیق
کسر همزه و سکون نون و ترقیق کسر دال بمهمله و سکون نون بلیس قوا اوزکرن بفتح همزه و سکون زای معجمه و فتح همزه دوم و کاف فارسی و سکون نون
بمعنی دزدان ایدکان بترقیق کسر همزه و سکون شین معجمه و فتح لام و کاف فارسی و سکون نون کارد کاهر بکان بفتح همزه و سکون شین
معجمه و ترقیق کسر را بمهمله و سکون یای حطی و فتح کاف فارسی و سکون نون بلیکه ایدرکان بفتح همزه و سکون شین معجمه و ترقیق کسر را بمهمله و سکون
یای حطی و فتح کاف فارسی و سکون نون تدبیر کردن الاکان بفتح همزه و سکون لام و فتح دال بمهمله و کاف فارسی و سکون نون عین کردن ایران بفتح همزه
و سکون یای حطی و فتح را بمهمله و سکون نون دوغ اوبون بفتح همزه و ترقیق یای حطی و سکون نون تازی او چقون بترقیق همزه
و سکون

و سکون جیم و فتح همزه و فتح قاف و سکون نون شاره و برنی کره اقرین بفتح همزه و سکون قاف و ترقیق کسر را بمهمله و سکون نون ایستاده اوزون
بفتح همزه و ترقیق کسر را بمهمله و سکون نون دراز اوزون بفتح همزه و ترقیق را بمهمله و سکون نون جای دهکان سین نزد سوم سین
بفتح همزه و سکون سین بمهمله و ترقیق کسر تا بر خشت و سکون نون یا بلیس او ستین بفتح همزه و سکون سین بمهمله و ترقیق کسر تا بر خشت
و سکون نون یا بالا ایکان ترقیق کسر همزه و وزن بفتح و فتح کاف فارسی و سکون نون نافه ایسان بفتح کسر همزه و فتح سین بمهمله و سکون
نون عاجیت او کمان بفتح همزه و سکون کاف فارسی و فتح میم و سکون نون عرض آتون بفتح همزه مد و ده و سکون لام و ترقیق
همزه تا بر خشت و سکون نون طلد ارغوس بفتح همزه و سکون را بمهمله و ترقیق همزه غین معجمه و سکون نون قوز مثل اوغلون بفتح
همزه و سکون غین معجمه و فتح لام و سکون نون قوز از دیدکان کاه کرب شان بسلاطین بر سر الالف مع الواو ایجو
بفتح همزه و ترقیق همزه و جیم و سکون واو اوزنکو ترقیق همزه و فتح را بمهمله و کاف فارسی و سکون واو کاب ترقیق
همزه و سکون تا بر خشت و ترقیق همزه را بمهمله و سکون واو و بر ایلکو بفتح کسر همزه و سکون لام و ترقیق همزه و کاف فارسی و سکون
واو حنظل اوستیو ترقیق همزه و سکون شین معجمه و ترقیق همزه را بمهمله و سکون واو و یا اوزکو بفتح همزه مد و ده و سکون واو و کار
اوشکو ترقیق همزه و سکون شین معجمه و ترقیق همزه کاف فارسی و سکون واو و بر سر او یقو بفتح همزه و سکون یای حطی و ترقیق همزه قاف
و سکون واو و خواب ایر و فتح همزه و سکون یای حطی و ترقیق همزه را بمهمله و سکون واو و جدا اوکلو بفتح همزه و ترقیق همزه تا بر خشت و
سکون کاف فارسی و ترقیق همزه لام و سکون واو و اوتا مور ایلکو ترقیق کسر همزه و فتح تا و سکون واو و بر ما اسر و بفتح همزه و سکون
سین بمهمله و ترقیق همزه و سکون واو و اولیسا را آیدیکو بفتح همزه مد و ده و سکون یای حطی و ترقیق کسر دال بمهمله و ترقیق
همزه کاف و سکون واو یا بخش و نام امیری الالف مع الهاء ارقه بفتح همزه و سکون را بمهمله و فتح قاف و یای وقفی بشت
ابوتو بفتح همزه و ترقیق همزه و یای بمهمله و سکون شین معجمه و فتح قاف و یای وقفی تو بر برابر ایه بفتح کسر همزه و فتح میم و یای وقفی دارد
آیه بفتح همزه مد و ده و یای فارسی و یای وقفی هست کلاران آجه بفتح همزه مد و ده و جیم فارسی و یای وقفی بابا اربه بفتح همزه و سکون
را بمهمله و فتح با فارسی و یای وقفی جو ایرکه بفتح کسر همزه و سکون را بمهمله و فتح کاف عربی و نون و یای وقفی در کشتی بنا کنند

او غور بتقیم همزه و بنقیس بجیم و سکون دال مهمله و فتحه جیم فارسی و ماء حطی نا و ان خورد ابله بتقیم همزه و سکون بای موحده و فتحه لام و سکون زای
و تقیم میم و ماء حطی کعاب او بکسر بتقیم همزه و سکون بای موحده و فتحه کاف عربی و الف و سین مهمله و شین معجمه او بکسر بتقیم همزه و سکون کاف فارسی و فتحه میم و سین
ماء حطی باشد آمده بتقیم همزه مفتوحه و فتحه میم و سکون ماء حطی و فتحه تاء قرشت و ماء حطی مهمله ابداء تاء بتقیم همزه و فتحه تاء قرشت و الف و سین بجیم و ماء حطی
جیم آمده بتقیم همزه مفتوحه و سکون لام و فتحه میم و ماء حطی سب اسیر بتقیم همزه و ترقیق کسر سین مهمله و سکون زای معجمه و فتحه تاء قرشت و سین بجیم و
ماء حطی کرنوار او بکسر بتقیم همزه و سکون زای معجمه و فتحه تاء قرشت و ماء حطی مهمله آمده بتقیم همزه و ماء قرشت و کاف فارسی و ماء حطی آب بدر
آمده بتقیم همزه و نون و کاف فارسی و ماء حطی خیر مادر اسیر بترقیق کسر همزه و سین مهمله و سکون تاء قرشت و فتحه میم و ماء قرشت آب بفتحه همزه
همزه مفتوحه و سکون تاء و فتحه جیم فارسی و ماء حطی زود بیدا و نام موضع آمده بتقیم همزه مفتوحه و ترقیق کسر سین مهمله و سکون لام و فتحه میم و ماء
حطی ادیر ان آمده بتقیم همزه و نون و ماء حطی و فتحه جیم فارسی و ماء حطی القرد ایلیه بترقیق کسر همزه و کاف فارسی و فتحه ماء حطی نون آ الاقتصاع الباء
ابری بترقیق کسر همزه و دال بجیم و سکون یا خدا ابر ملیک شب بتقیم کسر همزه و سکون دال مهمله و کاف جر و ترقیق کسر لام و سکون کاف فارسی
و تقیم کسر کاف و سکون سین بجیم و سکون یا بادشاه آی بفتحه همزه مفتوحه و سکون یا ماه ایبی بتقیم کسر همزه و ترقیق زای و سکون یا بادر
ایلاجی بتقیم کسر همزه و فتحه کاف فارسی و ترقیق کسر جیم فارسی و سکون یا مشت بکلان ابری بفتحه همزه و سکون یا ماء حطی و ترقیق کسر دال مهمله و سکون
یا و در ساعه ابجی بتقیم کسر همزه و سکون میم و ترقیق کسر جیم و سکون یا طبیب ایکری بترقیق کسر همزه و سکون کاف فارسی و ترقیق کسر دال مهمله
و سکون یا کجا ابجی بتقیم کسر همزه و کاف عربی و سکون نون و ترقیق کسر جیم فارسی و سکون یا مزارع و بجز هم آمده اوزنی بتقیم همزه و سکون
زای معجمه و ترقیق کسر دال مهمله و سین بجیم و سکون یا بامر مرغ اوزاجی بترقیق همزه و فتحه زای معجمه و سکون نون و ترقیق کسر جیم فارسی و سکون
یا ضربه و اوزاجی و غاجی بتقیم همزه و سکون دال مهمله و فتحه غین معجمه و ترقیق کسر جیم فارسی و سکون یا ده اوزم باشد بتقیم همزه
همزه و ترقیق دال مهمله و سکون میم و فتحه دال مهمله و ترقیق کسر سین بجیم و سکون یا خوش انگور آتی بفتحه همزه مفتوحه و ترقیق کسر تاء قرشت و سکون
یا آتی یا خواب حل کننده و کاف فارسی جرخ کردنیا ابر کوسه بترقیق کسر همزه و سکون دال مهمله و ترقیق کسر لام و سکون کاف فارسی
و فتحه سین مهمله و سکون و او و ترقیق کسر یا حطی آب آدی بتقیم همزه و نون و حطی و فتحه کاف فارسی و سکون یا آب آدی بتقیم همزه

آ آب تقیم همزه و الف و تقیم همزه و ادر آب تقیم همزه و دال مهمله و فتحه دو رنگ

و سکون یا

و سکون یا خاء ایکی بتقیم کسر همزه و ترقیق کسر کاف عربی و سکون یا عاقبت و عیب و سوء جهم آمده ایقی بتقیم کسر همزه و سکون لام و ترقیق کسر قاف
و سکون یا کلاه بان ایکلاکی بترقیق کسر همزه و سکون جیم فارسی و فتحه کاف فارسی و ترقیق کسر لام و سکون یا و در ون ایر تا کاسه بترقیق کسر
همزه و سکون دال مهمله و فتحه تاء قرشت و ترقیق کسر کاف فارسی و سکون یا نف او از آتی بتقیم همزه و فتحه تاء قرشت و ترقیق کسر تاء قرشت و ترقیق
کسر [illegible] قرشت شده و سکون یا و داع کلک الف کی خواب بتقیم کسر همزه و فتحه تاء قرشت و سکون کاف و سعد بتقیم همزه و سکون
تاء و فتحه تاء مهمله و ترقیق کسر سین مهمله و سکون یا همزه بترقیق و آن عطف است بهندی تو اگر بیند الف کی تو لاحی بتقیم کسر همزه و فتحه
تاء بجیم و سکون کاف عربی و فتحه میم قاف و فتحه لام و الف و ترقیق کسر تاء قرشت و سکون یا اسفناج بجیم و سکون یا بالک ارجمی بتقیم همزه و سکون زای
مهمله و فتحه تاء بجیم و سکون میم و ترقیق کسر جیم فارسی و سکون یا کنه ایکی بترقیق کسر همزه و سکون سین مهمله و ترقیق کسر کاف عربی و سکون یا کنه
الدا بجی بتقیم همزه و سکون لام و فتحه دال مهمله و سکون یا و ترقیق کسر جیم و سکون یا مرغ بندو و مکاره ایطاری بترقیق کسر همزه و سکون
لام و فتحه کاف فارسی و ترقیق کسر دال مهمله و سکون یا بیش ایرچی بتقیم کسر همزه و ورا مهمله و سکون لام و ترقیق کسر جیم فارسی و سکون یا
مرغ ایلچی بتقیم کسر همزه و سکون نون و فتحه دال مهمله و سکون کاف عربی و ترقیق کسر جیم فارسی و سکون یا اکثر بیت برآمده
او از بدهد او اجی بتقیم همزه همزه و فتحه دال مهمله و ترقیق کسر جیم فارسی و سکون یا کرا نده او قبچی بتقیم همزه همزه و سکون قاف و ترقیق
کسر جیم فارسی و سکون یا نیز از طرف الف بجی بتقیم کسر همزه و ترقیق سین بجیم و سکون کاف عربی و ترقیق کسر جیم فارسی و سکون یا دربان
الف بجی بتقیم کسر همزه و فتحه سین بجیم و سکون کاف عربی و ترقیق کسر جیم فارسی و سکون یا طرفان اوزی بتقیم همزه همزه و سکون زای
معجمه و ترقیق کسر دال مهمله و سکون یا دزد فصل الباء مع اللام بوزنه غا بتقیم همزه یا و سکون زای معجمه و تقیم همزه یا و سکون دال مهمله تا نزد
فتحه غین معجمه الف نخیل بوغا بتقیم همزه یا و فتحه غین معجمه با الف کاوست بالا بفتحه با و لام با الف بچه بیز کا بتقیم کسر با
و سکون زای معجمه و فتحه کاف فارسی جا الباء مع الباء با طیب بفتحه با الف و سکون غین معجمه و فتحه لام و سکون یا سیب
بفتحه با الف و ترقیق کسر سین مهمله و سکون یا بخش کعبه با ریب بفتحه با الف و ترقیق کسر دال مهمله و سکون یا بافته بولوب
بفتحه میم با و ترقیق لام و سکون با و ترقیق با و حرکات متردد بین شده الباء مع التاء بولوت بتقیم همزه با و ترقیق لام و سکون تا

بانت بفتح با الف و سکون تا زود و فرود و بوکوت بر ترقی ضمه با و سکون را بی‌همله و ضمه کاف فارسی و سکون تا تقاب را گوید بوت
بتقیم ضمه بود و سکون تا زان بوبت بر ترقی ضمه با و فارسی و فتحه با دوم و سکون تا بدو بیت بر ترقی کسره با فارسی و سکون با بانس
بوشت بتقیم ضمه با و فتحه تین مهمله و سکون تا تابع خاله کمان **الباب مع الجیم** بوج بر ترقی ضمه با و سکون را بی‌همله و جیم فارسی بوج بر ترقی کسره
با و سکون جیم فارسی بین جاسس قفس کی بوتیغ بتقیم ضمه با و سکون لام و فتحه تین مهمله و سکون جیم فارسی بجوشیدن و بر ترقی ضمه با و مرکبات
مذکوره بجوشیدن کوف باستیغ بفتحه با الف و سکون سین مهمله و فتحه تین مهمله و سکون جیم فارسی بجوشیدن کفن بوبلاج بتقیم ضمه با
و بر ترقی جیم و سکون جیم و سکون لام و فتحه جیم با الف و سکون جیم فارسی قسم از نان **الباب مع الراء المهمله** بیرا بر ترقی کسره با و سکون را بی‌همله
و فتحه با الف و سکون را بی‌همله و ضمه را بی‌همله بوبی بر تقیم ضمه با و سکون با حطی و بر ترقی کسره کاف فارسی و سکون را حیض بالیر بفتحه با
با الف و سکون لام و بر ترقی کسره دال بی‌همله و سکون را ساق بوشت بر ترقی کسره ضمه با و فتحه تین مهمله و سکون را مصاحبه بوبار بر ترقی
ضمه با و سکون لام و فتحه جیم با الف و سکون را وعده باسد بفتحه با الف و سین مهمله و سکون را بفتح بخشی کند بار بفتحه با الف و سکون را
یعنی بست بعضی بر دیم آمده بولار بر ترقی ضمه با و فتحه لام و سکون را انبها بوبو بتقیم ضمه با و بر ترقی با حطی و سکون را بغو ما بوبو بتقیم ضمه
با با واو و سکون و از نگ اسپ جز زردی بسر خرس بر بود و بر ترقی ضمه با و دال مهمله و سکون را آبی است بار دور بفتحه با و سکون
را بی‌همله و بر ترقی ضمه دال مهمله و سکون را یعنی بست بیر بر ترقی کسره با و سکون را یک و بتقیم کسره با بده با غیر بفتحه با و بر ترقی کسره مقیس
مهمله و سکون را جگر با قیر بفتحه با و بر ترقی کسره قاف و سکون را مس بیتنو بر ترقی کسره با و سکون لام و بر ترقی ضمه با تاز نشت و سکون را
با رسال بود و تغار بر ترقی ضمه با و را بی‌همله دون حفی و فتحه تین مهمله با الف و سکون را بیمه با قار بفتحه با الف و قاف و سکون را یعنی بگرد
بیرا بر ترقی کسره با و فتحه را بی‌همله و سکون را تار نه بلیان بیا در بفتحه با و با الف و بر ترقی ضمه دال و سکون را سنجاع **الباب مع السین المهمله**
پاس بفتحه با الف و سکون را بی‌همله و سین بوزه بیتک پاس بفتحه با الف و سکون سین بیز بخش بخش بوبس بتقیم ضمه با و سکون سین
یعنی بابو بکس بر پاس بفتحه با و سکون را بی‌همله و فتحه با الف و سکون سین قول را لاس جنباد جوان شجاع بیس بتقیم کسره با و سکون
و سکون سین بوس پاس بفتحه با فارسی و سکون سین زنگ آهن **الباب مع الشین المعجمه** باش بفتحه با الف و سکون شین بر کسره

خواش بر ترقی ضمه با و سکون را بی‌همله و شین بوبش بر تقیم ضمه با و سکون شین خاله بفتحه با و بر ترقی کسره فا و سکون شین
بشیخ بیش بر ترقی کسره با فارسی و سکون شین بیر بیاش بر ترقی ضمه با و سکون لام و فتحه جیم بی‌همله با الف و سکون شین مشعله با الف و سکون تا بفتحه
با و سکون با حطی و فتحه جیم و قاف و سکون شین جهد **الباب مع الفاء** بوغ بر ترقی ضمه با و سکون لام و فتحه غین معجمه و سکون زبان و تقیم
ضمه جیم فارسی و سکون غین آره بوبرغ بر ترقی ضمه با و سکون با حطی و بتقیم ضمه را بی‌همله و سکون غین خوان بوزغ بر ترقی ضمه با و بتقیم
ضمه را بی‌همله و سکون غین و بران بوزغ بر ترقی مرکبات مذکوره و ضمه لام و بیرا زاغ بفتحه با الف و سکون غین بند با غلیج بفتحه با الف
و سکون غین جیم و تقیم کسره لام و سکون غین بند بیاغ بتقیم کسره با و سکون لام و فتحه را بی‌همله الف و سکون غین کمر بند باستیغ بفتحه
با با الف و سکون شین معجمه و فتحه با بی‌همله الف و سکون غین سر بند بوغ بتقیم ضمه با و سکون غین ایغ خطه کن و بر ترقی ضمه با
فارسی صور و تقیم ضمه خایه بوداغ بر ترقی ضمه با و فتحه دال مهمله با الف و سکون غین شش درخت بوبولوغ بتقیم ضمه با و بر ترقی لام
و سکون میم و تقیم ضمه لام تاز و سکون غین شرد تاسیغ بفتحه با و تقیم کسره لام و سکون غین باب باسیغ بفتحه با و سکون لام و تقیم کسره جیم فارسی
و سکون غین کل و لای ماتراغ بفتحه با الف و سکون تا کرشت و فتحه را بی‌همله با الف و سکون غین زرد تر **الباب مع القاف** بولاق
بر ترقی ضمه با و فتحه لام با الف و سکون قاف خشم بوباق بتقیم ضمه با و فتحه با حطی با الف و سکون بوبوق بتقیم ضمه با و سکون با حطی و تقیم
ضمه لام و سکون قاف قدا در بیاق بر ترقی کسره با و فتحه جیم فارسی با الف و سکون قاف کارد بوماق بتقیم ضمه با و فتحه غین معجمه با الف و سکون
قاف و اسپ کلو براق بفتحه با و را بی‌همله با الف و سکون قاف ناه با باشاه است با ی بفتحه با ی الف و سکون با حطی و تقیم کسره لام
سکون قاف لچه دان بشیاق بر ترقی کسره با و سکون شین معجمه و فتحه میم و سکون قاف نقش براق بفتحه با و سکون بی‌همله و دال مهمله و فتحه میم
با الف و سکون قاف انگشت باش بر ماق نر انگشت باتاق بفتحه با الف و سکون تا کرشت و فتحه قاف با الف و سکون قاف
دلو دل باستیق بفتحه با الف و سکون شین معجمه و تقیم کسره لام سردار بشق بفتحه با و شین معجمه بجان و خوشه بولاق بتقیم ضمه با
و سکون لام و فتحه غین معجمه قشه و آشوب باق بفتحه با الف یعنی بنگ سیر ایلیق بفتحه با و سکون با حطی و فتحه را بی‌همله و سکون میم
و تقیم کسره لام عید عراق بفتحه و سکون لام و فتحه دال مهمله با الف دسته بود و تا بر ترقی ضمه با و دال مهمله شفک بیراق بفتحه با

وسکون یای حطی و فتح رای مهمله علم جود و بوسراق بتقدیم ضمه یا و سکون سین مهمله و فتح رای مهمله بالف و قاف بترقیق ضمه یا و فتح
جیم فارسی بالف و سکون لام و فتح رای مهمله و دستار پیرایه بود سراق بتقدیم ضمه یا و سکون کاف فارسی و فتح رای مهمله کره بلاک بترقیق کسره یا
و فتح لام سعد بیکاک بترقیق کسره یا و سکون رای مهمله و فتح کاف فارسی و سکون کاف عربی و نازه تر کره بوراک بترقیق بتقدیم ضمه یا و سکون
رای مهمله و کاف عربی کلاه بود و کرتر بترقیق ضمه یا و فارسی و سکون نون و تقدیم ضمه و دال مهمله و سکون کاف عربی و خفیف بود بیک بتقدیم ضمه یا و فارسی
و فتح یای فارسی تازه و سکون کاف عربی و پیوند بود بیک بتقدیم ضمه یا و فتح لام و سکون کاف فارسی کرده بیشک بترقیق کسره یا و فارسی
و فتح شین معجمه و سکون کاف عربی کره بیک بتقدیم کسره یا و سکون یای حطی و کاف فارسی امیر بشوک بتقدیم کسره یا و فتح میم و شین معجمه و سکون
کاف فارسی بیاره بیک بتقدیم کسره یا و ترقیق یای حطی و سکون کاف فارسی عبد **الجارح اللام** بول بترقیق ضمه یا بلغت ابن بتقدیم ضمه و فتح
بشو یا بفتحه یای الف شهید علی بترقیق کسره یا بدان و تقدیم کسر بر کران بتقدیم کسره یا و سکون رای مهمله و تقدیم ضمه و کاف فارسی نام حصار
اما مرا بوجهل بترقیق ضمه یا و جیم الجبر الشجاعان عبد الله یا کره آن یار میکنند میرسل بتقدیم کسره یا و سکون رای مهمله و ترقیق کسره کاف فارسی
بفتح میم **الجارح اللیم** بیرام بفتح یا و سکون یای حطی و فتح رای مهمله عبد بیرم بتقدیم ضمه یا و فتح تا و ترقیق کسره بیکم بتقدیم کسره یا و سکون یای حطی
و تقدیم کسره کاف فارسی زن عده و تقدیم کاف فارسی بیعه امیر بی **الجارح النون** بوکون بترقیق ضمه یا و تقدیم ضمه کاف عربی و الا و روز تو بترقیق
ضمه یا و تا و ترقیق کسره کاف عربی و تقدیم ضمه یا و فتح تا و سکون یای حطی بالف انجاب بوروز بتقدیم ضمه یا و رای مهمله
سابق بوران بتقدیم ضمه یا و فتح رای مهمله یا و دو باران بوغین بتقدیم ضمه یا و غین معجمه بیلون بتقدیم ضمه یا و ترقیق یای حطی اردن
الجارح الواو یا عدو بفتح یای الف و سکون عین معجمه و ترقیق ضمه دال شاعر بیر او بترقیق کسره یا و فتح رای مهمله و سکون واو یا بوعاد و
بتقدیم ضمه یا و فتح عین معجمه و سکون واو و طوی بیرایه بوغوز الاعتو بتقدیم ضمه یا و غین معجمه و سکون رای معجمه و فتح لام بالف و ترقیق ضمه بیرون بتقدیم ضمه
تای حلقوم بوزاو بترقیق ضمه یا و فتح رای معجمه و سکون واو و کوب لیه بوغاغو بتقدیم ضمه یا و سکون یای حطی و فتح نون و تقدیم ضمه غاین تو کردن
بوزاو بتقدیم ضمه یا و سکون زای مهمله و تقدیم ضمه کاف فارسی کیک بالتو بفتح تا بالف و سکون لام و ترقیق ضمه تا بالف و ترقیق ضمه تا بالف ترشت بیر بوترقیق

ضمه یا بین بتخو بترقیق کسره یای فارسی و ترقیق ضمه غین معجمه شکو **الجارح الجاء** بوکه بترقیق ضمه یا و فتح کاف عربی و های حطی بالف
باشقه بفتح یای الف و سکون شین معجمه و فتح قاف و یای حطی عبد بوره بتقدیم ضمه یا و سکون رای مهمله و فتح تا و ترشت
و یای حطی اب بوس بوعه بتقدیم ضمه یا و سکون عین معجمه و فتح میم و یای حطی شاق و بلد یا رجه بفتح یا و سکون رای مهمله
و فتح جیم فارسی و یای حطی بلد بوعه بتقدیم ضمه یا و سکون عین معجمه و فتح جیم فارسی و یای حطی جاپیچ بالف نه بفتح یا و سکون شین معجمه
و قاف و یای حطی جاشه بوعه بترقیق ضمه یا و فتح شین معجمه و غین معجمه و یای حطی آستانه بوکلارغه بترقیق ضمه یا و فتح لام
و سکون غین معجمه و های حطی بر ابهاب بوکوچه بتقدیم ضمه یا و سکون لام و تقدیم ضمه و غین معجمه و سکون نون و فتح جیم فارسی و های
حطی تاشرون یا غه بفتح یا و کسره یای فارسی و سکون غین معجمه و فتح نون و یای حطی بهندی بحر **الجارح الیاء** بوی بتقدیم
ضمه یا و سکون یای حطی قرد و رنگ و ادم مجرد یای بفتح یا بالف و سکون یای حطی تو اگر یا بیری بفتح یا و سکون یای حطی و ترقیق
کسره رای مهمله و سکون یای حطی قدیم بفتح یا و سکون خای معجمه و ترقیق کسره لین بالهم مجرد و سکون یا بخلیفه و صراح و
ناظر و بیرشکار بوچر بتقدیم ضمه یا و سکون رای مهمله و ترقیق کسره جیم فارسی و سکون یا بانده بیچغی بترقیق کسره یا و سکون
جیم فارسی و ترقیق کسره قاف و سکون یا اره یا و چی بفتح یا بالف و واو و سکون رای مهمله و ترقیق کسره جیم فارسی و سکون
یا بیرده بیرکی بتقدیم کسره یا و سکون رای مهمله و ترقیق ضمه کاف عربی و ترقیق کسره جیم فارسی و سکون یا دهنده
بتلکی بترقیق کسره یا و تا و ترشت فی سکون کاف عربی و ترقیق کسره جیم فارسی نویسنده بوریای بتقدیم ضمه یا و سکون رای مهمله
و فتح یای الف و سکون یا یا جه بوبا بیچی بتقدیم ضمه یا و فتح یای حطی و سکون قاف و ترقیق کسره جیم فارسی و سکون
بوراغی بترقیق ضمه یا و فتح لام و ترقیق کسره جیم فارسی شنده تاراج کننده بشیشی بتقدیم کسره یا و ترقیق شین معجمه و سکون نون و
ترقیق کسره جیم فارسی بیچم بوبی بتقدیم ضمه یا و سکون قاف و ترقیق کسره جیم فارسی بابو کننده یا رای بفتح یا بالف و ترقیق کسره رای مهمله
بوبا بچی بتقدیم ضمه یا و سکون لام و فتح میم و سکون قاف و ترقیق کسره جیم فارسی کرده و کشنده بچی بترقیق کسره یا و سکون نون
و ترقیق کسره جیم فارسی بیکم بالتو بچی بفتح یا و سکون شین مهمله و تقدیم ضمه قاف و سکون نون و ترقیق کسره جیم فارسی کشنده یا و خا

بفتحه تا و سکون دال و فتح ذال بترتیب کسر میم فارسی کرد داود دل بوغدای تعظیم خدا و سکون غین مجمه و فتح دال مهمله بالف و سکون یا کندم
بورنه بترتیب حرفها و سکون را بجمله بترتیب کسر نون بیت یا دار بفتحه یا بالف و دال مهمله و سکون یا نرخ ارزان و بدک ادی تعظیم خدا و ترتیب کسر میم و سکون تیر بالام تا و سکون
را مهمله و سکون یا و فتحه از حق تا و دال بفتحه یا بالف و سکون داو و ترتیب کسر میم تیار جاری نور **فصل التا الفوقانیه مع الالف** تو ترا بتعظیم
خدا و سکون را مهمله و فتحه نون با الف کشتی تعظیم بفتحه تا و سکون میم و فتحه عین مهمله با الف نشان مهر تا بفتحه تا بالف و نون و سکون
کاف فارسی و فتحه لام دریا **التا مع الباء** توب بتعظیم خدا و سکون داو پایان هر چیز و میان خاری فرج تو توب بترتیب خدا و تا مراد و تا و تا و
سکون با گرفته تب بفتحه تا بالف و سکون شکار را مهمله کار کردن **التا مع التا** تات بفتحه تا بالف و سکون تا مادر خرد و کش
توت بتعظیم خدا و سکون را مهمله و تا بالف و تا بالف و سکون را مهمله و تا بالف و کش تخوت بفتحه تا و نون و خ و تعظیم خدا و عین
مهمله و فتحه از ترک **التا مع الجیم** تیج تیغ کمر تا و نون و خ و سکون جیم ارام تیاج بتعظیم کمر تا و فتحه تا بالف و نون و خ و سکون جیم امتحان و توتیج
بترتیب خدا و تا و نون و خ و تعظیم خدا و عین مهمله و سکون جیم فارسی گرد و زنه دل تو تیاج بترتیب خدا و سکون تا بالف و فتحه عین مهمله و سکون جیم و کاف فارسی بر سر شدن
التا مع الراء المهمله تیر بتعظیم کمر تا و خدا و سکون را و آتش تا مور بفتحه تا و تعظیم خدا و سکون را و کمر تا و سکون را و خ و تعظیم خدا و سکون را و تو و تعظیم خدا
و سکون را دام و بترتیب خدا و تا و خ و تعظیم خدا و سکون را و تا و بفتحه تا و ترتیب کسر تا و سکون را و خ و تو و تعظیم خدا و سکون را و تا و بفتحه
تا و ترتیب خدا و سکون را و بهار چیو با تا و بفتحه تا بالف و سکون را و تا و سکون را و تا و سکون را و تا

شین معجمه بکاف تازی بترقی کشتا و دال مهمله زنده شیراک بتقدیم کسر تا و فتحه دال مهمله درخت سفید از جنس درک بترقی کشتا و فتحه
لام ملعب جواد تو بوک بترقی ضمه تا و با فارسی و سکون کاف عربی الف تیر بیک بترقی کشتا و سکون دال مهمله و فتحه سین مهمله و سکون
کاف فارسی اسرنج تو لاک بترقی ضمه تا و فتحه لام کرمه بتیراک بترقی کشتا و فتحه دال معجمه و سکون کاف عربی سر راسین شیشه بیک بتقدیم کسر تا
و سکون لام و فتحه با و دال مهمله و ها و قمر بترقی کشتا لام ناله دیوانا تو زوک بترقی ضمه تا و دال معجمه و سکون کاف عربی و حاء مهمله و الف
و با و دال مهمله سکون تو تاک بتقدیم ضمه تا و فتحه نون پیچ و سکون کاف عربی و قرش شیشه بتقدیم کسر تا بخ کرت تو بوک بتقدیم ضمه تا و قرش
و ترقی با حطی خرداروا آگاه نزیک بترقی کشتا قرشت و لام کلمی ابوه تو شکوک بتقدیم ضمه تا و سکون شین معجمه و ترقی کشتا و عین
و دال مهمله عطه تو زاک بترقی ضمه تا و سکون زای معجمه و ترقی ضمه لام تکلین شیر بیک بتقدیم کسر تا و ترقی کشتا و دال مهمله و نون و سکون
کاف فارسی عجمی تو تاک بتقدیم ضمه تا قرشت و فتحه لام و سکون کاف فارسی حوض و تاوان تو سکوک بترقی ضمه تا و سکون سین مهمله و ترقی
ضمه لام و حاء مهمله سنگل تو تاک بتقدیم ضمه تا و فتحه نون نارونست تو بوک بتقدیم ضمه تا و سکون دال مهمله و ترقی ضمه لام کوناکون تو تبوک
بتقدیم ضمه تا و سکون با حطی و ترقی ضمه نون روز تو بول بترقی ضمه تا و بتقدیم ضمه با حطی جابر التاء مع اللام تو تل بتقدیم ضمه تا بیوه زن
و بعضی بر سم آمده است تیل بترقی کشتا قرشت زمان تل بفتحه تا بلند تال بفتحه تا با الف درخت مرسی کظاهر و از آن سازند
تیتیل بفتحه تا و سکون نون صحن فتحه با الف دادم فریه جاهل التاء مع الیم تام بفتحه تا قرشت و بسکون میم بام و دیوار تو لوم بتقدیم ضمه
و ترقی لام سنگ تو روم بترقی ضمه تا قرشت و دال مهمله گوشت در تیم بترقی کشتا قطره تو قوم بتقدیم ضمه تا و قاف و حرف
تو لوس بترقی ضمه تا و سکون زای معجمه و ترقی ضمه سین مهمله قلم و السلام باشد تبان بفتحه تا و با الف با شیشه تبیس بتقدیم کسر تا
و ترقی با و سین مهمله تو تن بتقدیم ضمه تا قرشت جلد و بترقی تا قرشت بحر بیک آمده تو شتان بترقی ضمه تا و سکون شین معجمه و فتحه
قاف مرکز و شش تو تک بتقدیم ضمه تا و سکون کاف و فتحه سین مهمله نود تو تمون بتقدیم ضمه تا و سکون با حطی و ضمه عین معجمه با سفید
تو سلان بتقدیم ضمه تا قرشت و فتحه با فارسی و لام و قمر و فتحه لام خاک بیابان تا لال بفتحه تا قرشت و لام و با الف تا راج تو تال بتقدیم ضمه
تا و فتحه میم گرده و برنه و سنج و بعضی هزار آمده تا بخال بترقی کشتا و فتحه کاف عربی لحاره و بتقدیم کسر و سکون و کاف بعضی دو و فتحه تو تکان

بتقدیم ضمه تا قرشت و فتحه کاف فارسی تمام و دلخ تو تاکون بترقی ضمه تا و فتحه نون و ترقی ضمه کاف عربی و دیر روز تو تبان بتقدیم ضمه تا قرشت
و فتحه با و دال مهمله بشر تبتی بترقی کشتا دم و سکوت تو تو کون بتقدیم ضمه تا قرشت و کاف فارسی سر کوه تبر مان بتقدیم کسر تا و سکون
کاف فارسی و زای مهمله و فتحه میم آسیا تا تان بفتحه تا و نون و تا قرشت تا ناز با الف منکر تر کمان بتقدیم ضمه تا و سکون کاف عربی
و فتحه میم الف تو تمران ترک التاء مع الواو تو تکر اغو بتقدیم ضمه تا و نون خمر و سکون کاف فارسی و فتحه را بی مهمله و ترقی ضمه بی معجمه حرس
تا تو بفتحه تا قرشت با الف و سکون نون و ترقی ضمه بی معجمه مکر تا تو بفتحه تا و بتقدیم ضمه فرقار حبشی التاء مع الهاء تو تقه
بترقی ضمه تا و واو و سکون تا تا بلند و فتحه قاف و ها و قمر قبضه تقه بفتحه تا قرشت قاف مشد و ها و قمر تعلق تا تم بفتحه تا قرشت
با الف و فتحه میم و ها و قمر خالو تبوه بتقدیم کسر تا قرشت و فتحه واو و ها و قمر شتر تا تا بفتحه تا و لام و دال و فتحه ها پاره
قوره بتقدیم ضمه تا قرشت و فتحه را مهمله و ها و قمر قانون دلمکر توقه بتقدیم ضمه تا و فتحه قاف و ها و قمر حلقه تبله بتقدیم کسر تا و سکون
لام و فتحه با و دال و قمر دیوانه تیکنه بتقدیم کسر تا و فتحه کاف فارسی و نون و ها و قمر غلو غلو تا تو تقه بتقدیم ضمه تا و قاف و سکون
تا قرشت مقدم و فتحه قاف ظلم و ها و قمر راه اشتران توته بتقدیم ضمه تا و سکون و تین معجمه و فتحه میم دام و قمر عدم بجه توته بتقدیم ضمه تا
او و فتحه تا تا و ها و قمر تو تو که بترقی ضمه تا قرشت و سکون کاف عربی و فتحه میم آهو است گره بند جامه تیتره بتقدیم کسر تا و سکون
کاف فارسی و فتحه را مهمله و ها و قمر گرد و دور التاء مع الیاء تیتکی بتقدیم کسر تا و سکون کاف فارسی و ترقی کسر تا و دال مهمله
خداوند و صاحب تو تی با بتقدیم ضمه تا و سکون کاف و فتحه سین مهمله و ها و الف و سکون با حطی مرغ تو زدی بتقدیم ضمه تا و سکون
عین معجمه و کسر جیم فارسی علم بر دار تا بوقچی بفتحه تا و بتقدیم ضمه با و سکون کاف و ترقی کسر جیم فارسی خرد تکار تو تاجاک بتقدیم ضمه تا و
را مهمله و فتحه سین معجمه و سکون با حطی باشد و بعضی درخت سرو آمده تو تاک بتقدیم ضمه تا و سکون را مهمله و فتحه غین معجمه و سکون
جل و بعضی بالسبد تخاقوی بفتحه تا و حاء معجمه و تقدیم ضمه قاف و سکون با موحده تا بوی تو تو بتقدیم کسر تا و فتحه واو و ها و قمر و ترقی کسر جیم
فارسی بان تو تر کی بتقدیم ضمه تا قرشت و سکون را مهمله و تقدیم ضمه تا تا و نون خمر و ترقی کسر جیم فارسی جام تو تو بتقدیم ضمه تا
و قاف و زای معجمه و نون خمر و ترقی کسر جیم فارسی تهاشتقال بفتحه تا و سکون شین معجمه و فتحه قاف و سکون ترقی کسر را مهمله

بترکی کر بتقدیم کاف و سکون سین مهمله و فتح کاف عربی و ترقی کسره را مهمله و از دو بتلا یحیی بترقی کسره کتاب بفتح لام و سکون میم و ترقی کسره
جیم فارسی کرا بتقدیم کاف و سکون غین معجمه و ترقی کسره را مهمله راست اورد بر و تولک بتقدیم تا و سکون لام و ترقی کسره کاف و ره
تاجر بفتح تا و دال و ترقی کسره جیم بعقیب بترکی کرتلو بسکون تا بمهمله و فتح را مهمله و ترقی کسره جیم فارسی تا و دان تا بحیی بفتح
تا و سکون نون و تقدیم غین معجمه و ترقی کسره جیم فارسی مندر و الماء رسنده تا تاجر بفتح تا و قاف و ترقی کسره جیم فارسی تلخ بفتح تا
ترقی کسره قاف کلاه تقانی بفتح تا و غین معجمه و ترقی کسره جیم فارسی مغربه اراده در تنها بفتح تا و سکون نون و فتح غین معجمه و ترقی کسره جیم فارسی
تنک اسلا بتقدیم کسره تا و نون و سکون کاف فارسی و ترقی کسره الف و لام بادصبا بیحیی بترقی کسره تا و سکون لام و ترقی کسره جیم فارسی
جاسوس تاشیدی بفتح تا و سکون نون و ترقی کسره سین مهمله و دال مهمله کرد کردو تا بتقدیم تا تشرف و ترقی کسره لام نام بسر خورد جنسیه تا و تا بحیی
بفتح جیم و فتح لام و سکون کاف عربی و ترقی کسره جیم فارسی قرقی ارجنسان **فصل الجیم مع الالف** جیبا بتقدیم کسره جیم فارسی و فتح فوقانی بعضی
قیاس بکن و بتقدیم جو و او و عمو کاو و جاپا بفتح جیم فارسی بالف و حطی بعضی بتقدیم کسره جیم فارسی و سکون غین معجمه و
فتح میم بعضی تاب جاغلو بفتح جیم فارسی و الف و سکون غین معجمه و فتح لام بعضی **الجیم مع الباء** جوب بتقدیم جیم و سکون بای مهمله
جاب بتقدیم جیم و سکون بای مهمله تار جیغوب بتقدیم کسره جیم فارسی و سکون قاف و ترقی کسره جیم تا و سکون بای مهمله و ترقی
و سکون کاف **الجیم مع التاء** جواج بفتح جیم و واو و الف بای بیان جوجرج بترقی جیم فارسی و میم و سکون جیم فارسی تا بالطرف جاچوقه
و سکون جیم تا و غین و تا بالعربیت در تکرار تا جیچ بترقی کسره جیم فارسی اول و سکون تا و تقدیم بری جوغوج بترقی
و فتح لام و تقدیم غین معجمه و سکون جیم فارسی طان **الجیم مع الراء المهملة** جاپر بفتح جیم فارسی و ترقی
سراب جیدار بترقی کسره جیم فارسی و فتح دال مهمله و سکون رای مهمله بنا بر ای بیت در بالای بیت بر جیدار
بترقی کسره جیم فارسی و فتح قاف و سکون رای مهمله برابر و از باب متعدی بیرون برار جادر بفتح جیم فارسی و دال مهمله و سکون
رای مهمله نیم جامو بفتح جیم فارسی و سکون میم و تقدیم غین معجمه و سکون را شلم جاغو بجیم بالف و سکون رای مهمله تنادی **الجیم**
مع الزاء المعجمة جنر بترقی کسره جیم و سکون زا الکاب و بفتح جیم و تشدید زای معجمه بر وزن بر بان کدو کی که مهمله کی کاو کوید جاسنر

بفتح جیم

بفتح جیم و سکون نون و ترقی کسره سکون مهمله و سکون زا بر مجیه جاسن بفتح جیم فارسی و سکون سین خرمن جرسنی
بفتح جیم و راء مهمله شده و سکون سین مجیه جاوازشکن بجوب **الجیم مع الشین المعجمة** جوغ بتقدیم جیم و سکون غین معجمه جاغ
بفتح جیم فارسی بالف و سکون غین معجمه و فتح جیم و ترقی کسره جیم و دال مهمله و سکون غین خطوجوش بتقدیم جیم فارسی و نون و شین و سکون
غین سیار **الجیم مع الفاء** جامیش بفتح جیم بالف و سکون نون و تقدیم کسره لام جاماز جوده دروق بترقی جیم و سکون دال
مهمله و ترقی کسره را مهمله مشت جوری بترقی جیم و فتح جیم و سکون فاء چنان چوق بترقی جیم و فتح جیم فرج جاقرقی بفتح جیم فارسی
و سکون قاف و ترقی کسره را مهمله جرجه جلدق بترقی کسره جیم فارسی اول و سکون نا و فتح لام بالف انگشت جوده جاپردق
بفتح جیم فارسی بالف و سکون بای مهمله و تقدیم جیم و دال مهمله سرپا جاروق بفتح جیم فارسی و ترقی کسره را مهمله پاپوش جولاق بتقدیم جیم و فتح
و فتح لام مثل جوباق بترقی کسره جیم فارسی و فتح جیم بالف کرز مصاف کلاه و سر جیرلیق بترقی کسره جیم فارسی و فتح را مهمله و سکون
یای حطی و تقدیم کسره لام جوبر و جوشی شغل جیغوق بتقدیم کسره جیم فارسی و سکون غین معجمه و فتح جیم جرح جلاجیاق بتقدیم جیم
و نون بالف دامنه زنی جیجی بترقی کسره جیم فارسی اول و تقدیم نا و نه زیان جیغیلداق بتقدیم کسره جیم فارسی و قاف و سکون لام
و فتح دال مهمله جوب اسپ **الجیم مع الکاف** جوجوک بترقی جیم اول و سکون دال مهمله و فتح جیم مثلا و راء مهمله تا توالد جوکو بترقی جیم
جیم و سکون کاف فارسی و ترقی جیم اول و سکون کاف فارسی مثل و دوده جوبوک بترقی جیم و میم فارسی و راء مهمله و سکون کاف فارسی بوسه جوبوک
بترقی جیم و سکون کاف فارسی سرپا جوبیک بترقی کسره جیم فارسی و سکون کاف فارسی تنگ جوبراک بتقدیم جیم فارسی و سکون
اجود و فتح بای مهمله بار جوبک بتقدیم جیم فارسی و لام و سکون کاف عربی و فتح جیم بعضی بر کسره جیم فارسی بالف و فتح لام نیست جیدر بترقی
کسره فارسی و سکون میم و فتح دال مهمله و سکون کاف عربی جوجیک بترقی جیم فارسی اول و سکون را و فتح جیم و دال مهمله و فتح جیم
سیوم اف جوجوالک بترقی جیم جیم فارسی و فتح را مهمله و سکون کاف فارسی بال جیک بتقدیم کسره جیم فارسی و نون خوز و سکون کاف **الجیم مع اللام**
جول بتقدیم جیم فارسی بالف و سکون لام جیسول بتقدیم جیم فارسی و سکون لام و تقدیم غین معجمه بالف جیدل بترش جال بفتح جیم فارسی بالف سرد و موجوان بتقدیم جیم فارسی و
غین معجمه غرجیدل اول بفتح و اسلوبی خوف و فتح دال مهمله بالف و ترقی کسره جیم فارسی و سکون لام و فتح جیم و ترقی کسره جیم فارسی بالف و ترقی کسره جیم و سکون لام

ملی و موزه ملی موسیقی ایران

کرد در کلوی نازه باشد انوار نه الجیم مع المیم جوم بتقدیم جیم بمعنی هم آمده است الجیم مع النون جیغان بترتیب کسر جیم فارسی و سکون یای تحتانی
و فتحه قاف و نون چین بتقدیم کسر جیم فارسی و یای تحتانی نقطه دار جیران بفتح جیم و سکون واو و فتحه لام زیر جیان بتقدیم کسر جیم فارسی و یای تحتانی
چین بتقدیم کسر جیم فارسی و یای تحتانی بمعنی جاور و تعان بفتح جیم فارسی و فتحه واو و سکون رای مهمله و فتحه تای قرشت و فتحه قاف ملی جیقون بتقدیم کسر
جیم فارسی و سکون یای تحتانی و فتحه قاف صاحب غزو و غارت و ولایت باران جوجون بترتیب جیم جیم اول و تای مثنات جیلان بتقدیم جیم
فارسی و فتحه لام و یای تحتانی الف ساکن جیم جیمان بترتیب جیم جیم فارسی و فتحه یای تحتانی جیلان بترتیب کسر جیم فارسی و فتحه لام و یای تحتانی
الجیم مع الواو جیدر بترتیب کسر جیم و سکون لام و تقدیم دال و سکون واو انام جو بفتحه جیم و سکون واو و دیگر بترتیب فتحه جیم و تقدیم
و تقدیم و تقدیم دال مهمله و سکون واو مورچه الجیم مع الهاء جهه بتقدیم جیم و فتحه هاء زبر فقر از زاله تاران جیهون بتقدیم کسر جیم
و سکون یای تحتانی و فتحه جیم نام دریای و فتح خاله جیهیم بتقدیم کسر جیم و سکون یای تحتانی و فتحه تای مهمله و یای و فتحه تر جاله بتقدیم جیم بالف و لام
بالف و فتحه مشکل و جیه که نام بندر است کرشتی از آب جیحه بترتیب کسر جیم فارسی و فتحه کاف و سکون یای و فتحه خام جاله بتقدیم جیم فارسی
بالف و سکون لام و فتحه میم و یای و فتحه دستار الجیم مع الیاء التحتانیه جایق بفتحه جیم و نون و حرف بترتیب کسر قاف و سکون یای تحتانی جایوی
بفتحه واو و سکون یای فارسی و تقدیم فتحه قاف و سکون نون و بترتیب کسر جیم فارسی و فتحه جیم بالف و تقدیم فتحه کاف فارسی
و بترتیب کسر جیم فارسی نوازنده جاجی بفتحه جیم و یای تحتانی و تشدید جیم و یای مجهول و یای قرشت الوس است از مغول و نام اسپ جاجی
جوله بوزی بتقدیم جیم جاری و فتحه کاف فارسی و یای و حرف و تقدیم فتحه را بای مجهول و بترتیب کسر را اشغال فصل الحاء المهملة مع الواو
حیت بفتحه حاء حطی و بترتیب کسر یای و سکون تای قرشت عید الحاء المهملة مع الهاء حنه بفتحه حاء مهمله و نون و هاء و فتح قرص نانی
حیوه بفتحه حاء حطی و سکون یای حطی و فتحه واو و هاء و فتح هاء الحاء المهملة مع الواو حوا بفتحه حاء مهمله و جزای فصل الحاء المعجمة
مع الفاء خویت بتقدیم فتحه خاء معجمه و فتحه یای حطی الوس است ترک الخاء المعجمة مع القاف خاقین بفتحه خاء معجمه و سکون نون و تقدیم کسر
لام بادشاه الخاء المعجمة مع الکاف خوک بتقدیم فتحه خاء معجمه و فتحه دال مهمله و سکون کاف مصطلح بجز خاقی مع النون خاقان بفتحه
خاء معجمه الف و فتحه قاف بادشاه ترک خاتون بفتحه خاء معجمه بالف و بترتیب فتحه تای قرشت خوات خان بفتحه خاء معجمه بالف بادشاه

الخاء المعجمة مع الباء

الخاء المعجمة مع الباء خواجه بتقدیم فتحه خاء معجمه بالف و فتحه جیم بجیم و فتحه یای تحتانی و لام و سکون یای مهمله و فتحه خاء معجمه
و سکون یای و فتحه خان بفتحه خاء معجمه بالف و سکون نون خوجه بتقدیم فتحه خاء معجمه و فتحه جیم فارسی و فتحه یای تحتانی و فتحه لام و سکون یای و فتحه
قبول کردن بندی سکه کردید فصل الدال المهملة مع الالف دا بالفتحه اول و مانند بزرگ فصیله داخل الفتحه دال مهمله و الف و سکون نون خوجه بتقدیم
یعنی باغ کی دیب بتقدیم کسر دال مهمله و فتحه یای تحتانی الف مقصور بمعنی کرم کردن الدال مع الباء دیب بمعنی گفته دانیب بفتحه دال مهمله بالف
و بترتیب کسر نون شب خرمه الدال مع التاء دوت بترتیب فتحه دال مهمله و طول یعنی کرم دو و غلات بتقدیم فتحه دال مهمله و سکون غین معجمه و فتحه لام
بالف فیصله ابت از جنس الدال مع الراء المهملة دشور بفتحه دال و بترتیب فتحه و تشدید اجارت مورد بفتحه دال و بترتیب فتحه میم
آهن دور بتقدیم فتحه دال بایست دهر بکر دال مهمله و سکون را مهمله تیر بترتیب کسر دیده دار بالفتحه دال و سکون را بفتحه تک الدال مع الزاء المعجمة
دغوز بتقدیم فتحه دال و نون خوغ و تقدیم فتحه غین معجمه چوک الدال مع السین المهملة داش بفتحه دال با الف بمعنی دانا و دانا کلمه زاید
مثل یولداش مثل همراه و دیس سفال و دیگ آمده دور بترتیب کسر دال مهمله و سکون را مهمله و بترتیب کسر میم ایستاده دالداس
بفتحه دال با الف و سکون کاف فارسی و فتحه دال با الف هم قسیه هم چشم الدال مع القاف درسوق بفتحه دال با الف و تقدیم فتحه
سین مهمله عانه دق بفتحه دال کرخت الدال مع العین دلوغ بفتحه دال و تقدیم فتحه لام مشدده نام شخصی دانشمند بفتحه دال
و سکون نون مجوه بتقدیم کسر لام سفال کرده دوک بفتحه دال و سکون کاف فارسی داه دیگر دیگ بترتیب کسر دال و سکون
کاف فارسی مثل و مانند الدال مع الدوم دوقال بتقدیم فتحه دال و سکون قاف و فتحه میم بالف بمعنی کرم طبیعت باشد و نقل بفتحه دال و
نون خوغ و فتحه کاف فارسی بجز دیگل بتقدیم کسر دال و بترتیب کاف فارسی سرسلو دولتول بتقدیم فتحه دال و تای قرشت دود الدال مع النون
دلیر بترتیب فتحه دال و سکون لام و فتحه یای تحتانی و سکون را مهمله و بترتیب کسر جیم فارسی تخت الدال مع الواو دلو بفتحه دال و
لام دبوانه بفتحه دال دوا و شتر دانو بفتحه دال بالف و تقدیم فتحه قاف و سکون و او بترتیب الدال مع الهاء دهوله بترتیب فتحه
دال مهمله و سکون لام و فتحه هاء دهقان بفتحه دال و فتح خوغ الدال مع الیاء التحتانیه دیگری بفتحه دال مهمله و نون خوغ و سکون کاف فارسی
و بترتیب کسر را مهمله و سکون یای تحتانی دیلم بکسر دال مهمله و سکون یای تحتانی دیغ بفتحه دال و بترتیب کسر غین معجمه هم و بیزاده دایه بفتحه دال و بترتیب کسر کاف

فارسی و سکون با بابت مشی خان در اکثر بابت خان و دنبای بترتیب حمله دال و نون مفتوح و فتحه با الجمد و سکون با الجمد حمله با یه برادرک
دوانی بترتیب حمله دال و سکون لام و ترتیب کمر تا زرشت کمر کمک ملاسار و دوانی بترتیب حمله دالی بهمله و فتحه لام و دال بهمله و سکون با الجمد زرشت
از بر باس **فصل الراء المهملة مع الزاء المعجمة** راغ بفتحه الراء المهملة و سکون زاء معجمه و نون بترتیب مثال بفتحه قوسه **الراوم الجبار** را و فتحه و فتحه رای
بهمله و ترتیب حمله واو و سکون نون و جیم فارسی و فتحه فارسی و فتحه میم بترتیب **فصل الراء المهملة مع الجاء** ریو بفتحه کمر را الجمد و سکون با الجمد و فتحه واو
و یای و فتحه سیب **الزاوج الجبار** زوچیتی بترتیب حمله واو و سکون با الجمد و فتحه کمر جیم فارسی و سکون قاف و ترتیب کمر تا زرشت و سکون یا تحتانی
حتی خوب اراده **فصل السین المهملة مع الالف** سوکرا بفتحه سین بهمله و سکون نون و کاف فارسی و فتحه را الجمد و الف تا سیخ بفتحه سین
بهمله و فتحه کمر را و سکون نون و فتحه میم و فتحه میم با الجمد و فتحه سین بهمله با الف تا امیر و سیر نزد جوب باشد آمده **السین مع الباء** ساب بفتحه سین بهمله و سکون
با الجمد و زرشت کلا و دیگر ساب بفتحه سین و سکون با شتر و سیب بفتحه کمر سین بهمله و سکون با الجمد و زرشت پاشی **السین مع التاء**
سوت بترتیب حمله سین و سکون تا نیز کوتاه بفتحه سین و سکون واو و فتحه تا بجوار دهان سمیر اوست بفتحه کمر سین و میم و سکون را است
بجیم و فتحه الف و سکون تا خوره سوت بترتیب حمله سین و سکون را الجمد و تا بال ساوت بفتحه سین بهمله و ترتیب حمله واو و سکون تا
تا زره سوت بفتحه سین و سکون را الجمد و فتحه میم و فتحه قاف و سکون تا زرشت کمر ساسات بفتحه سین بهمله و سکون تا باقی فرو شی الفوت
بفتحه سین بهمله و سکون لام و فتحه میم و فتحه قاف و سکون تا زرشت الوش بترتیب ساسات بفتحه سین بهمله و سکون را الجمد تا بجیب **السین مع الجیم**
ساج بفتحه سین بهمله و سکون جیم فارسی و الف سر سیر ساج بفتحه کمر سین و سکون واو و فتحه غین بجیم و سکون جیم فارسی و الجمد درست دانستن
سوکوج بترتیب حمله سین بهمله و کاف و سکون جیم فارسی و فتحه سیخ بفتحه کمر سین و ترتیب حمله جیم و واو و نون و سکون جیم فارسی
السین مع الدال المهملة سمرغو بترتیب کمر سین بهمله و سکون را الجمد و فتحه میم و غین و سکون دال کیف شراب سود بترتیب حمله سین با
واو و سکون دال شیر **السین مع الراء المهملة** سور بفتحه سین بهمله و سکون را بیت پرس و بترتیب نوبت بال سیستون بفتحه سین بهمله و
غین بجیم و سکون نون بجیم و بترتیب حمله تا زرشت و سکون را بیت کنجان سوغو بفتحه سین و غین بجیم و سکون را بکشن سیستر بفتحه کمر سین
و نون مفتوح و کاف و سکون را بیا و عجب سوقو بفتحه سین و قاف و سکون را بیت ششم کور ساغار بفتحه سین و غین بجیم و سکون را

بجیم سمرد و ترشه ساغار بفتحه سین بهمله و میم با الف و سکون را و قاف ساغر بفتحه سین بهمله و کمر غین بجیم و سکون را کمر و الجمد ساغر بفتحه سین
با الف و سکون را غلبه و ساغب بفتحه سین بهمله و بفتحه کمر قاف و سکون با الجمد و بفتحه کمر با الجمد دوم و سکون را بیت ترشه الوزن کرد ساغر بفتحه
بفتحه سین و سکون نون و حمله قاف و سکون را است کمر سکور بترتیب حمله سین بهمله و کاف و سکون و کمر **السین مع الزاء المعجمة** سیر بترتیب کمر
سین بهمله و سکون را الجمد و بیخ حمله و سر تراش کن نیم آمده است و در اصل کوکه بجای بفتحه آن کند مثلا آب سیر بیا اسب سیر و بترتیب حمله
سین بهمله و سکون را نسبه سوز بفتحه حمله سین و سکون را الجمد سمی سیستر بفتحه کمر سین و ترتیب کمر کاف و حمله است سان سر بفتحه سین
بهمله و حمله الف و سکون نون و کسر و تا بلند تا سیر بترتیب کمر سین و میم فرسه **السین مع الطاء المهملة** سوس بترتیب حمله طاء و سکون را
شیخ نون **السین مع الظاء المعجمة** سیوه بفتحه کمر سین و ترتیب حمله ظاء و سکون را الجمد و فتحه غین بجیم و سکون تا زرشت و ترتیب کمر میم
و سکون نون بیخ انعام داده تدبیر بیش بترتیب کمر سین و دال الجمد و سکون نون بجیم تا دانش **السین مع العین المهملة** سیخ بفتحه کمر سین بهمله و سکون
غین بجیم سیخ بفتحه سین و کمر حمله فارسی کوه یا بال رنج بفتحه سین و فتحه کمر را الجمد و سکون غین زد و سوراخ بترتیب حمله سین و فتحه
را الف و سکون غین با الجمد و زرشت سوه و غلغ بفتحه سین و فتحه واو و سکون غین مجیم و کمر را الجمد سایغ بفتحه سین بهمله با الف و فتحه حمله جیم و دال
و سکون غین دست مال سوه بترتیب حمله سین و فتحه حمله را الجمد و سکون غین سنون بفتحه سین بفتحه سین و سکون با الجمد و فتحه سین
دوم و سکون غین بسیار زرد ساغ بفتحه سین و سکون نون و کمر جیم فارسی و سکون غین حمله سین ساغ بفتحه سین با الف و فتحه
کمر تا زرشت و سکون غین سودا **السین مع القاف** ساق بفتحه سین با الف و فتحه کمر جیم فارسی و قاف و سکون نون و زرشت کمر سین با الف و فتحه
سین بفتحه کمر سین و سکون قاف و فتحه سین بترتیب سوق بفتحه کمر سین و فتحه حمله سین و دال الجمد و سکون قاف و تنگ ساق بفتحه سین با الف و فتحه میم
و سکون نون و فتحه کمر لام و سکون قاف کلیه و صاحب کاه ساق بفتحه سین با الف و سکون قاف شبیه رستوق بفتحه کمر سین و غین و زرشت
و سکون قاف و تنگ سوق بفتحه حمله سین و سکون قاف و کمر و سوراخ و جان سداق بفتحه سین و دال الجمد و سکون قاف و تنگ ساق بفتحه
بفتحه سین و فتحه کمر را الجمد و سکون غین و فتحه کمر لام و سکون قاف زردی ساساق بفتحه سین و فتحه کمر را الجمد و سکون میم و فتحه سین
دوم با الف سیر سرتق بترتیب کمر و دال الجمد و سکون را الجمد زرشت کلوکش کلوکش کلوکش کند سوساق بترتیب حمله سین و واو و فتحه

ملک و موزه ملی موسسه کتابخانه

سین دوم بالف و سکون فا قاف نشسته سوق بفتح سین و فتح واو و سکون قاف سوسو کلوی بفتح سین بهمله و ضم واو و یای حطی و سکون قاف
فارسی و فتح میم و لام و سکون قاف دوست **السین مع الکاف** سیر بکسر سین و فتح میم و سکون را بی نقطه و فتح لام و سکون کاف
فارسی نوعی سکنگبین سیم بکسر سین و سکون کاف فارسی و فتح لام و سکون فا فارسی نام ماهی از آن جنس ماهی که بر آهن کشند سوط بفتح سین
و واو و طا حطی و فتح فا فارسی و سکون کاف فارسی استخوان سوده که بر تن مالند سین را بهمله و سکون کاف فارسی و سیک بکسر سین و فتح کاف فارسی
و فتح کاف عربی و سکون تا نام نبیره سیک بکسر سین و فتح کاف فارسی این اجوایب و معنی بجای آمده سوسک بکسر سین و فتح کاف فارسی و
میم و سکون کاف آسیب سوسک بفتح سین و فتح کاف فارسی و سکون کاف فارسی عود سید و سک بکسر سین و فتح دال بهمله و سکون کاف فارسی
شاشه السین مع اللام سقال بفتح سین و قاف بالف و سکون لام ریش سبز و خال بفتح سین و فتح سین و فتح واو و یای حطی و سکون را بی نقطه و فتح غین
بالف و سکون لام انواع سنبلها بفتح سین و نون حطی و فتح میم و کاف فارسی و سکون لام هر شیء خود و کلوی بفتح سین و سکون لام
دست چپ و ابر بخوانی و دوه خو **السین مع المیم** سوم بفتح سین و فتح میم و سکون یا بیست کرت و بکند **السین مع النون** سورون بفتح
خط سین و فتح و سکون نون و فتح واو و سکون نون بیت نو و فتح سین بهمله و سکون نون بیت بالعین منقط دار و سالگان بفتح سین بالعین و سکون لام و فتح قاف بالف
و سکون نون فلاخن سیک بفتح سین و سکون کاف عربی و فتح سین بهمله دوم و سکون نون هشت دستان بفتح سین و سکون نون شاخ
مسال بفتح سین و ضم بالف و سکون نون کاف خشت سادین بفتح سین بالعین و واو و یای حطی و ترقی کسر دال بهمله و سکون نون نامه سرزدن
بترقی کسر سین و سکون نون و ترقی کسر دال بهمله و سکون نون بیت شما سوگان بفتح سین و فتح غین و سکون نون بیاز
السین مع الواو سوگلو بفتح سین و کسر غین و فتح واو و سکون کاف فارسی و ترقی خط لام و سکون واو و شرد و درست سحر بفتح سین و ترقی کسر
سین و سکون جیم فارسی و فتح را بی نقطه و سکون تا نام درخت و ترقی خط قاف و سکون واو کاس سوق بفتح سین و قاف و سکون واو
کلک و قوله سوز بفتح سین و ترقی خط غین و سکون واو و حرف سیاه و ترقی کسر سین و سکون را بی نقطه و فتح قاف و سکون واو
بیمار اغو بفتح سین و ترقی خط غین بجیم بیمانه سولو و ترقی خط سین و لام محبوب سنوا و فتح سین و نون حطی و فتح کسر
غین بجیم و فتح را بی نقطه و سکون واو و کسر واو اغو و ترقی خط واو و سکون را بی نقطه و فتح غین بجیم و سکون واو سایل سو و ترقی خط

سین

سین و سکون واو آب سیو بفتح سین و سکون واو و یای دوست سلار **السین مع الهاء** سوقه بفتح سین و سکون قاف و فتح
و ها و فتح سین سیر بترقی کسر سین و سکون را بی نقطه و فتح جیم و ها و فتح سین شیر آبگینه سلم بفتح سین و سکون لام و فتح میم
و ها و فتح حبشه و نکه سنجه بفتح سین و نون و سکون جیم و فتح غین بجیم و ها و فتح سین سوزن و سکون را بی نقطه و فتح لام و ها و فتح
حطی و کوه و سل را بی نقطه و فتح میم و لام سلکه بیارنه سنج مذکور حاصل کلام مندسیره و سیله بترقی کسر سین و سکون را بی نقطه
و کسر ها بهمله و فتح لام و ها و فتح سین سانه ساقه بفتح سین بهمله و سکون قاف و فتح لام و ها و فتح حطی سیر بترقی کسر سین
و سکون را و فتح میم سیر زنا **السین مع الیاء** سیو یکی بکسر یای حطی و واو و سکون نون و ترقی کسر جیم فارسی صورت کسی خود و سنی شنیده
بدهد سیو را بفتح کسر سین و ترقی خط یای فارسی و سکون را بی نقطه و ترقی کسر کاف فارسی سیاه و سب سیاه بفتح سین و سکون یای حطی و فتح
کسر را بی نقطه سیب سیو بفتح کسر سین و سکون واو و بفتح میم غین بجیم و ترقی کسر جیم فارسی دوست سلطان و سنگیل اوغلی بفتح کسر سین و نون
حطی و فتح کاف فارسی و سکون لام و فتح میم و الف و سکون غین بجیم و کسر لام تا نام نبیره زاده سیکیر بفتح سین و ترقی کسر کاف
عربی و ذال بجیم و سکون نون و ترقی کسر جیم فارسی و سکون یای حطی سیکم بفتح سین و الف و سکون یای حطی بعد خانه ساختن بفتح سین بالف و نون حطی
و ترقی کسر غین بجیم بحال کوتهی بفتح خط سین و نون حطی و ترقی کسر غین بجیم سیس و آهن سو کلو بترقی خط سین و کسر کاف فارسی
صفه سوز بفتح سین و سکون غین بجیم و ترقی کسر را بی نقطه سوی بترقی خط سین بهمله و فتح یای حطی بالف و ترقی کسر
غین بجیم روش سیاه و سار بفتح سین بالف و ترقی کسر را بی نقطه عرف سورق کوه و ترقی خط سین و فتح را بی نقطه و سکون قاف
و ترقی خط کاف و سکون نون روز قیامت **فصل الشین** **الشین مع الباء** شب بترقی کسر شین و سکون با حطی سر شقف **الشین**
مع الجیم شبش بترقی کسر را و سکون تا نام دوم و ساسیاه آهن و بفتح شین بالف و سر منقطر **الشین مع الشین المعجمه**
شبشق بترقی کسر را و فتح خط تا نام و سکون غین بجیم دوم **الشین مع القاف** شیر و اق بترقی کسر شین و سکون را بی نقطه و
فتح دال بهمله و سکون قاف کلی کبر مشهور بفتح شین و فتح یای فارسی و لام و سکون قاف طیاره اشقاق بفتح شین و سکون لام
و فتح تا نام درخت و سکون قاف عاشق **الشین مع الکاف** شبد دوده بترقی کسر شین بجیم و سکون یای حطی و فتح دال بهمله و الف

بهمزه و نون مضموم و سکون کاف فارسی و شین معجمه مشکک بفتحه شین و کاف عربی و دال مهمله و هاء مکسور و سکون کاف عربی و دال مهمله و هاء مکسور و سکون کاف فارسی و نون مضموم

بفتح قاف و رای بی نقطه و سکون قاف و دو سه حرف فارسی اغ بتعجیم کرده قاف و سکون سین بی نقطه و فتح رای بی نقطه با الف و سکون نون بی نقطه
قرانا بتعجیم بفتح قاف و رای بی نقطه و فتح نون و الف قرانا بتعجیم کرده لام و سکون قاف قبلاق بتعجیم کرده قاف و سکون لام و شین
معجمه و فتح لام با الف و سکون قاف و دو سه حرف قبلاق بفتح قاف و تعجیم کرده لام کوار و نخر قوتوق بتعجیم کرده قاف و سکون تاء و سکون
واو و فتح تاء قوتوق بتعجیم کرده قاف و سکون شین معجمه و سکون لام و فتح تاء قاف و سکون کاف و فتح تاء قاف
فتحه ای قرنشت با الف و سکون قاف و سه حرف قاز و فتح بفتحه قاف و با الف و قرنی بی نقطه و فتح رای بی نقطه و سکون قاف و سیخ قرنی بتعجیم کرده قاف و
سکون رای بی نقطه و فتح قاف و تعجیم کرده لام و سکون قاف و سه کاره مثل مقراض که با آن پشم گوسفند برند قرنی بتعجیم کرده قاف و سکون رای بی نقطه و
قاف بی نقطه و فتح قاف و قرنی کرده حرف و سکون نون بتعجیم کرده لام و سکون قاف نامزد کوه بلند که در ملک قرنا تیمی بفتح قاف و سکون یای حطی
و فتح رای بی نقطه و سکون نون و تعجیم کرده لام و سکون قاف بی نقطه و فتح قاف و فتح نون با الف و سکون قاف و انا لیست مثل یا جوج
قرق بتعجیم کرده قاف و سکون رای بی نقطه و قاف بی نقطه و فتح قاف و فتح نون با الف و سکون قاف و قرنی کرده حرف و سکون قاف و سه حرف
قبچیق بتعجیم کرده قاف و سکون رای بی نقطه و قاف و یای حطی و قرنی بتعجیم کرده قاف و قرنی کرده حرف و سکون قاف و سه حرف
قادوق بفتح قاف و قرنی کرده واو و سکون قاف شاه قوجان بتعجیم کرده قاف و فتح جیم با الف و سکون قاف و قرنی کرده حرف و سکون
لام و فتح تاء قرنشت بتعجیم کرده رای بی نقطه و سکون قاف خار ماهی حرف شین بی نقطه و خرمهره بی نقطه قوقوق بتعجیم کرده قاف و سکون قاف و
قرنی کرده لام و سکون قاف و سه حرف قدوق بتعجیم کرده قاف و طلل بی نقطه و سکون قاف چاه قزاق بتعجیم کرده قاف و فتح لام با الف و سکون قاف و کرده حرف
قزاق بتعجیم کرده قاف و فتح رای بی نقطه با الف و سکون قاف و سه حرف قدوق بتعجیم کرده قاف و سکون لام و سکون قاف و سه حرف قلاق بتعجیم
کرده قاف و سکون لام و فتح تاء قاف و سکون قاف و سه حرف قوقوق بتعجیم کرده قاف و سکون قاف و سه حرف قاقوم بتعجیم کرده قاف و سکون
واو و فتح میم با الف و سکون قاف و سه حرف قوقوق بتعجیم کرده قاف و سکون یای حطی و فتح میم با الف و سکون قاف و سه حرف قاقوم
بتعجیم کرده قاف و سکون واو و فتح میم با الف و سکون قاف و سه حرف قبچاق بتعجیم کرده قاف و سکون یای حطی و فتح جیم با الف و سکون قاف و سه حرف
قبچاق بتعجیم کرده قاف و سکون یای حطی و فتح جیم با الف و سکون قاف و سه حرف قاقوم بتعجیم کرده قاف و سکون واو و فتح میم با الف و سکون قاف
قاقوم بتعجیم کرده قاف و سکون واو و فتح میم با الف و سکون قاف و سه حرف قاقوم بتعجیم کرده قاف و سکون واو و فتح میم با الف و سکون قاف
قاقوم بتعجیم کرده قاف و سکون واو و فتح میم با الف و سکون قاف و سه حرف قاقوم بتعجیم کرده قاف و سکون واو و فتح میم با الف و سکون قاف

بتعجیم کرده قاف و سه حرف قرنی کرده و سکون لام و فتح تاء قرنی بی نقطه قاف و سکون نون و تعجیم کرده جیم فارسی و سکون قاف و سه حرف قرنی کرده حرف و سکون قاف
بفتح قاف و سکون لام و فتح تاء قرنشت با الف و سکون قاف قسبان و عدد از قوم ساق بتعجیم کرده قاف و فتح تاء قاف و فتح رای بی نقطه و سکون
شین معجمه با الف و سکون قاف و دو سه حرف قدا غلیق بفتح قاف و دال بی نقطه و سکون غین معجمه و تعجیم کرده لام و سکون قاف قسبان بتعجیم
القاف مع الکاف قلتنی بیک بفتح قاف و سکون لام و فتح تاء قرنشت و سکون یای حطی و تعجیم کرده لام و سکون کاف و فارسی کاف
کوتاه حرف و دو تاء قرنک بتعجیم کرده قاف و نون حطی و کاف و فارسی کرده القاف مع اللام قول بتعجیم کرده قاف و سه حرف و واو و غدام قوبول
بتعجیم کرده قاف و قرنی کرده با حرف غلیظ سو قوشول بتعجیم کرده قاف و قرنی کرده شین معجمه و واو قرنی بتعجیم کرده قاف و قرنی کرده رای بی نقطه و سکون لام قبل بتعجیم
کرده قاف و قرنی کرده حرف و سکون لام و دم قال بفتح قاف با الف و لام قرنی کرده قاف و سکون رای بی نقطه و فتح قاف و قرنی کرده واو و سه حرف
قبقبول بتعجیم کرده قاف و سکون با الف و سکون لام و فتح قاف و قرنی کرده حرف و سکون لام و سکون سین بی نقطه القاف مع المیم قوام بتعجیم کرده قاف
و قرنی کرده لام و سکون واو قرشم بتعجیم کرده قاف و سکون رای بی نقطه و فتح شین معجمه و قرنی کرده حرف شین معجمه قرب قوم بتعجیم کرده قاف و رای بی نقطه
نام ایلیست قراقوم بفتح قاف و رای بی نقطه و تعجیم کرده قاف و فتح میم با الف و سکون واو و فتح میم با الف و سکون قاف و سه حرف قبقبول بتعجیم کرده قاف و سکون
تای قرشت و میم بخ قاآن بفتح قاف با الف و سکون واو و تاء بی نقطه و سکون نون بتعجیم کرده قاف و قرنی کرده شین معجمه و فتح جیم قاودن بفتح قاف و
سکون واو و قرنی کرده نام ایلی خورده قبین بتعجیم کرده قاف و سه حرف حطی سقلاب و فتح قاف قلف کارد قرشون بفتح قاف و سکون رای
بی نقطه و فتح شین معجمه و قرنی کرده نون قبان بفتح قاف و سه حرف حطی کرده قبان بفتح قاف و سه حرف فارسی کرده ای قبان بلوزن قاف
بفتح قاف و قرنی کرده لام و سکون لام سیار قبچاق بفتح قاف و رای بی نقطه و جیم فارسی کرده قاف قبانس بفتح قاف و قرنی کرده رای بی نقطه و فتح قاف و سکون
و سکون لام و فتح تاء با الف سیار قوراغان بتعجیم کرده قاف و سکون رای بی نقطه و فتح غین معجمه قرقین بفتح قاف و قرنی کرده رای بی نقطه و سکون
با الف و قرنی کرده حرف فارسی دستار صلاح قبچرین بتعجیم کرده قاف و سکون جیم فارسی و فتح قاف و قرنی کرده رای بی نقطه و فتح قاف
بفتح قاف با الف و سکون قاف و سکون قاف و فتح لام با الف و سکون قاف قرقاق بتعجیم کرده قاف و فتح قاف با حرف حا و سه حرف قاقوم
بتعجیم کرده قاف و قرنی کرده واو با حرف حطی کرده و باد قوبیقتون بتعجیم کرده قاف و فتح تاء حطی و سکون شین معجمه و فتح جیم کرده قاف قبی سلاب قبیان

بفتح قاف و سکون با ی فارسی و فتح یای ترکی است بالف جامعه قولان بتقدیم نون بر لام و فتح لام با الف کمر مغز الفاء مع الواو قاو بفتح قاف
با الف و تقدیم واو بر الف و سکون واو جواب قیراو بترتیب کسر قاف و فتح یای ترکی بر الف و سکون واو زهر سرسری سند مرسوم بفتح قاف با الف و سکون
را بی همه و ترتیب تحتانی بفتح قاف و سکون را و فتح یای ترکی بر الف و سکون واو و فتح یای ترکی بر الف و سکون
قاف و سکون را بی همه و ترتیب تحتانی بفتح قاف و سکون واو و فتح یای ترکی بر الف و سکون نون و فتح یای ترکی بر الف و سکون واو و تا بی تحتانی
فتح بفتح قاف و سکون یای ترکی و ترتیب تحتانی بفتح قاف و سکون واو و غم الفاء مع الهاء قوه بفتح قاف و ترتیب تحتانی بفتح قاف و سکون را بی همه و فتح
تحتانی بفتح قاف و سکون یای ترکی و ترتیب تحتانی بفتح قاف و سکون میم و فتح قاف و دوم کمان بر جرم بر غوره قاف و فتح بفتح قاف و سکون واو و فتح تحتانی
بفتح یای ترکی و فتح یای ترکی و ترتیب تحتانی بفتح قاف و سکون نون و جیم فارسی و فتح قاف و یای ترکی بر وجه قنده بفتح قاف و سکون نون و فتح
دال بی همه و یای ترکی و ترتیب تحتانی بفتح قاف و سکون میم و فتح قاف و سکون میم و فتح تحتانی بفتح یای ترکی و فتح قاف و سکون
را بی همه و فتح الف و قاف و یای ترکی غوک قبخه بفتح قاف و سکون نون و تقدیم نون بر جیم و فتح تحتانی بفتح یای ترکی و فتح قاف و
سکون سین بی همه و فتح دوم و یای ترکی کوتاه قرار بتقدیم قاف و فتح را بی همه و میم و یای ترکی و فتح کر و فتح الوان ماست اوزب قوه بفتح قاف و ترتیب
نون و واو و سکون را بی همه و فتح میم و یای ترکی بر گرفت بلان قلوز بتقدیم قاف و سکون لام و تقدیم نون بر لام و فتح لام و تقدیم نون و یای ترکی و فتح لام و ترتیب تحتانی
و سکون را بی همه و فتح میم و یای ترکی بر پشم یای قبقه بفتح قاف و سکون یای ترکی و فتح قاف و سکون را بی همه و فتح یای ترکی بر سیاه قبه بترتیب کسر قاف و تحتانی
و فتح با بی و سکون با بی قطعه بفتح قاف و سکون را بی همه و فتح نون بر جوال و فتح زاء قاقله بفتح قاف و الف و سکون تا بی تحتانی و فتح لام و یای تحتانی
بیخ با ستون بیخ قاقله بفتح قاف و سکون یای ترکی و فتح لام کمر مغز شاهم کمر مغز شش قاقله بفتح قاف و سکون را بی همه و فتح میم و یای ترکی بر کمر مغز کوزه الفاء مع الیاء التحتانی
قنقی بفتح قاف و سکون لام و فتح یای ترکی و تحتانی بفتح قاف و سکون را بی همه و فتح میم و یای ترکی بر کمر مغز کمر مغز یای ترکی
و ترتیب کسر دال بی همه و سکون یا بر واو و بی همه بر جوز و یا قوی بتقدیم قاف و سکون یای ترکی و فتح قاف و سکون یا بی همه آمده قوی بتقدیم قاف و
و ترتیب کسر یای ترکی و فتح واو و سکون یا بی همه یای ترکی و فتح قاف و سکون را بی همه و فتح میم و یای ترکی بر کمر مغز
قاف و فتح یای ترکی و ترتیب تحتانی بفتح قاف و سکون یا بی همه و فتح قاف و سکون را بی همه و فتح میم و یای ترکی بر کمر مغز
فارسی و فتح تحتانی بفتح یای تحتانی و سکون یا باز قولان بتقدیم قاف و کسر را بی همه و سکون لام و فتح الف و سکون نون با خوشی قی بفتح قاف

و ترتیب کسر

و ترتیب کسر نون و سکون نون یا کوکی بفتح قاف و سکون یای ترکی و کسر سین بی همه و سکون یا کوکی قوزی بتقدیم قاف و ترتیب کسر
را بی همه و سکون یا بی همه قوزاغوی بتقدیم قاف و فتح واو و غین بی همه و تقدیم غین بر واو و فتح دال بی همه دوم و تقدیم غین بر دال بی همه و سکون واو و یا بی همه
بی همه سی سی قوزیشه بفتح قاف و سکون را بی همه و ترتیب کسر سین بی همه و سکون یا و قصر و کوزک و نام شهری قشی بفتح قاف و فتح شین
و سکون یای تحتانی بی همه و ترتیب کسر لام و سکون یا را از و فرق کنند از تراک فصل الفاء مع الالف کالا بفتح کاف و لام ماده گاو و شیر دار
بیک بتقدیم کسر بر میم کاف و سکون لام و فتح سین بی همه کمر جا بدیکیمها بترتیب کسر کاف و سکون میم و فتح کاف و سکون میم
بیجها بتقدیم کسر کاف فارسی و سکون میم و فتح جیم کاف قفا الفاء مع الباء کوچ بترتیب کسر کاف و سکون با فارسی نخود و بتقدیم بر واو
بیک بیک بتقدیم کسر کاف و ترتیب کسر یای ترکی و سکون یا بی همه شده کمر بتقدیم کسر کاف و ترتیب را بی همه و سکون یا در آمده الفاء مع التاء
کوت بتقدیم بر کاف و سکون تا کون کوتکرد بتقدیم بر کاف و فتح نون کمر و سکون کاف فارسی و ترتیب را بی همه و سکون تا تازه الفاء مع الجیم
کرچ بتقدیم کسر کاف و سکون را بی همه و ترتیب کسر یای ترکی و سکون جیم فارسی خشت بخته کرچ بترتیب کسر کاف و سکون جیم فارسی زود و تر
کوچ بترتیب کسر کاف و واو و سکون جیم فارسی از جای جای رفتن و بمنزل جا بجا آمده کیچ بتقدیم کسر کاف و سکون جیم فارسی دیر و بگذر
الفاء مع الراء الباء بیدر بترتیب کسر کاف و سکون میم و ترتیب کسر دال بی همه و سکون را کشت بیر بتقدیم بر کاف و سکون را بی همه
و بعضی جرکس آمده کوهر بتقدیم بر کاف و ترتیب میم و سکون را رانگ یعنی زغال کیچو بتقدیم کسر کاف و فتح جیم فارسی و سکون را در میکند
دیدران کوبید بتقدیم بر کاف و سکون یای ترکی و ترتیب کسر دال و سکون را بوزان بتقدیم کسر کاف و فتح را بی همه و سکون
کاف فارسی و ترتیب کسر یای ترکی و سکون را بیار الفاء مع الزاء الجیم کوز بتقدیم بر کاف و سکون را بی همه و فتح زاء کبر بتقدیم کسر کاف و سکون
زاء کوهر و زر بتقدیم بر کاف و سکون نون و ترتیب کسر دال بی همه و سکون را زر و زر کبر کوز بتقدیم بر کاف و واو و سکون را بی همه
و تقدیم بر کاف و دوم و سکون زاء بی همه دار الفاء مع السین المهمله کس بتقدیم کسر کاف و سکون سین بی همه لاس بتقدیم کاف و لام با الف
و سکون سین بی همه سار الفاء مع الشین المعجمه کراش بتقدیم بر کاف و فتح را بی همه و سکون شین کشت کوه موش بتقدیم بر کاف و ترتیب
میم و سکون شین نقره کوه تاش بتقدیم بر کاف و سکون نون و فتح دال بی همه با الف و سکون شین اتفاق کرکش بتقدیم کسر کاف و ترتیب

را بی‌همزه و سکون نون بمعنی جوی کمان و چنین زه کمان بمعنی کمانگر و سکون یای حطی و فتح بای ابجد و سکون نون بمعنی زمان و ادوار
و سکون کاف دوم و ترقیق دال بی‌همزه و سکون شین معجمه سرشین بمعنی کمانگر و فتح همزه و سکون لام و فتح همزه بالف و سکون
شین هم صحبت و یار کنیزکان شین بمعنی کمانگر و فتح کاف و نون و سکون شین معجمه کمانداری شین بمعنی همزه کاف
و ترقیق دال بی‌همزه و سکون شین هم دیگر ادیدن کمانشین بمعنی همزه کاف و سکون دال بی‌همزه و ترقیق نون و سکون شین تیر
کمان کمانداری شین بمعنی همزه کاف و ادوار و فتح دوم و سکون لام و فتح دال بی‌همزه و سکون شین معجمه کمانگر **الکاف مع الجیم** کمانچه
بمعنی همزه کاف و سکون نون و فتح میم کمانگر و سکون یای زه زه سر کمانگر و بمعنی کمانگر کاف و فتح دال بی‌همزه و سکون کاف فارسی و
بمعنی کمانگر و سکون یای زه زه کمانگر و کمانگر و فتح همزه کاف و نون و سکون خفی و ترقیق همزه کاف فارسی و سکون لام ادوار و فتح میم
لام دوم و سکون یای زه زه دلاور **الکاف مع الخاء** کوک بمعنی همزه کاف و ادوار و سکون نای قرشت دیگر دو و همزه سرنه سر کمانگر و کمانگر
بمعنی همزه کاف و ترقیق دال بی‌همزه و سکون کاف فارسی و فتح همزه لام و سکون کاف فارسی ناخوشی رو کمانگر و فتح همزه کاف و سکون
یای حطی و ترقیق دال بی‌همزه و سکون کاف تیل و جسر کمانگر بمعنی ترقیق کمانگر و سکون یای فارسی و ترقیق دال بی‌همزه و سکون کاف
خرکمان کمانگر و فتح همزه کاف و سکون دال بی‌همزه و کاف تیل جوین کمانگر و جلوگیر ترقیق همزه کاف و سکون جیم فارسی و فتح لام
و سکون کاف و نون و ادوار کمانگر بمعنی کمانگر و نون خفی و سکون کاف کمانگر و کمانگر و نون خفی و سکون کاف فارسی و فتح لام
و سکون کاف فارسی سوم میان انگشتر کمانگر بمعنی کمانگر و کاف فارسی و ترقیق کاف فارسی سوم حلقوم کمانگر بمعنی کمانگر و سکون یای بی‌همزه و فتح میم لام
و سکون کاف و نون و جوب بمعنی زه بند کمانگر بمعنی همزه کاف و فتح لام بالف و سکون کاف فارسی طرفان و تموش دریای کمانگر بمعنی همزه کاف و سکون
همزه و سکون کاف طبع کمانگر بمعنی همزه کاف و سکون کاف فارسی و سکون کاف اول و سکون کاف دوم و بمعنی همزه لام و ادوار
کاف فارسی سوم بکمانگر ادوار بمعنی همزه کاف و ترقیق دال بی‌همزه و سکون کاف فارسی خنی و دنگر بمعنی همزه کاف و سکون دال بی‌همزه و ترقیق همزه فارسی
و سکون کاف دیگر و دو دف بمعنی کاف فارسی و نون خفی و سکون کاف فارسی دنگ کمانگر بمعنی همزه کاف و فتح نای قرشت و سکون کاف و سکون
کمانگر بمعنی همزه کاف و فتح نای قرشت و سکون کاف فارسی جامه کمانگر بمعنی همزه کاف و سکون لام و فتح نای قرشت و نای خفی بمعنی همزه کاف و نون

و فتح سین بی‌همزه و سکون کاف فارسی چیپاسر کمانگر بمعنی همزه کاف و سین بی‌همزه و سکون کاف فارسی و سکون کاف فارسی کمانگر بمعنی همزه
و فتح را بی‌همزه و سکون کاف فارسی و سکون نون کمانگر بمعنی همزه کاف و سکون نای قرشت پارچه کمانگر بمعنی همزه کاف و سکون
مع اللام کول ترقیق همزه کاف و واو و سکون لام خاسته و بمعنی کمانگر و کمانگر و نون خفی و همزه کاف و سکون
لام دل و خاطر کمانگر بمعنی همزه کاف و دال و سکون لام نالان بسمل بمعنی همزه کاف و سکون لام کمانگر کاهل بمعنی همزه کاف فارسی بالف و ها
و سکون لام کمانگر کمانگر بمعنی همزه کاف و فتح نای قرشت و سکون لام مرکب و بحار بسمل بمعنی همزه کاف و ترقیق سین بی‌همزه و سکون
لام بمعنی بیدل و بی‌کس بمعنی همزه کاف و سکون لام بمعنی بیدل **الکاف مع المیم** کم بمعنی همزه کاف و جیم و سکون میم بمعنی کمانگر و نون
یا کمانگر و بمعنی همزه کاف کریم بمعنی همزه کاف و میم فارسی و سکون کاف و میم و فتح همزه کاف و سکون میم جوردر و زره
کریم بمعنی همزه کاف و سکون میم بمعنی کمانگر و دیگر کوم بمعنی همزه کاف و سکون میم بمعنی زره بلکه **الکاف مع النون** کون بمعنی همزه کاف
عرا و سکون نون و روز کوی بمعنی همزه کاف و فتح نای قرشت و سکون نون مقعد کمانگر بمعنی همزه کاف و سکون نای قرشت
و فتح میم و سکون نون کلید کمانگر جهین بمعنی همزه کاف و ترقیق همزه کاف فارسی و سکون نون بکمانگر و ترقیق کمانگر
بمعنی همزه کاف و سکون دال بی‌همزه و فتح کاف فارسی و سکون نون دیده کمانگر و کمانگر مذکوره و فتح را بی‌همزه و سکون کاف
رسوبلست دامادی هم داشته باشد کمانگر بمعنی همزه کاف و سکون میم و فتح کاف فارسی بالف و سکون نون بکمانگر بمعنی همزه
کمانگر و فتح کاف فارسی و سکون نون بوشیده کمانگر بمعنی همزه کاف و سکون یای حطی و فتح کاف فارسی و سکون نون و فتح
کمانگر بمعنی همزه کاف و نون و فتح کاف فارسی و سکون نون کمانگر بمعنی همزه کاف و سکون یای حطی و فتح کاف فارسی و سکون دال بی‌همزه و ترقیق
همزه کاف فارسی و سکون واو آینده کمانگر و یاد و ترقیق همزه کاف و فتح یای حطی و سکون واو دامادی کمانگر بمعنی همزه کاف و سکون لام و
ترقیق همزه کاف فارسی و سکون واو و نون کمانگر **الکاف مع الهاء** کوله بمعنی همزه کاف و فتح لام و کاف فارسی نای قرشت و فتح همزه کمانگر
بمعنی همزه کاف و فتح جیم و ها و تعریف کریچه بمعنی همزه کاف فارسی و سکون دال بی‌همزه و فتح نای فارسی و ها و فتح کاف کلنگ بمعنی همزه کاف
و سکون لام و فتح نای قرشت و ها و تعریف کلنگ بمعنی همزه کاف فارسی و سکون میم و فتح نون و ها و همزه جوردن کمانگر بمعنی همزه

ضم کاف و فتحه را بی همه و کاف فارسی را در تفرقه نقاره کلان الکاف مع الباء الفارسی کبک بضم کاف و سکون باء فارسی
مثلث کبک باء کبک است گفته بر ترقیق کاف و سکون میم و بر ترقیق کسر نون و سکون باء یعنی که را گو ملکای بضم کاف و سکون باء کام
گو سا بر ترقیق ضم کاف و فتح نون و سکون باء بارشک کبک بضم کاف و ترقیق را بی همه و سکون با مانند گوشت بضم ضم کاف و سکون دوم بر ترقیق
کسر بین همه و سکون باء سینه کبک بضم کاف و فتح میم و باء فارسی و سکون باء شاه بیت بال بیت بال بیت بضم
کسر کاف و فتح کاف فارسی و ترقیق کسر لام و سکون باء و بای بوزینه کوی بضم ضم کاف و سکون باء بوز کوکاجی بضم ضم کاف و فتحه را بی همه
و فتحه کاف فارسی و ترقیق کسر میم فارسی و سکون باء کوکاری بضم ضم کاف اول و فتحه دوم و سکون را بی همه و بر ترقیق کسر دال و سکون باء
سبز شد فصل اللام مع الالف لاتبغه لام با الف خاره اللام مع الباء لاتبغه لام با الف و سکون باء تبغه لام با الف و سکون باء تبغه اللام مع الجیم
لاج بفتح لام با الف و سکون جیم بال اللام مع الخاء لیخ بضم لام و سکون کاف صاحب مثلا آب تیغ تیغ صاحب اللام مع الدال
لی بفتح لام و جیم فارسی و سکون کاف و جیم اللام مع الزاء لاجین بفتح لام با الف و ترقیق کسر جیم فارسی و سکون نون شاهین اللام مع السین
نجیم بضم لام و سکون باء و ترقیق کسر جیم دوم سال اللام مع الشین لوجه بضم لام و سکون کاف و فتحه جیم فارسی و باء فارسی غلیظ اللام
مع الصاد لاتبغه بفتح لام با الف و سکون نون و ترقیق کسر میم فارسی و سکون باء یا بکر شاهین نظاهار در بر که بفتح لام و سکون نون و ترقیق
کسر کاف فارسی و سکون باء یا قول اسلاف قدیم باشی فصل المیم مع الالف منقاد بفتح میم و نون خفی و سکون باء تحتانی بجیم و فتحه لام بیت
مانفر بفتح میم با الف و نون خفی و سکون باء تحتانی بجیم و فتحه را بی همه و دال و کوشفند مو کمر اسوم بضم میم و نون خفی و سکون کاف فارسی و فتحه را بی همه
زیاد کاو و مو نما بر ترقیق ضم میم و سکون نون و فتحه دال بی همه و دال بی همه ما قتا بفتح میم با الف و سکون قاف و فتحه تای قرشت بر تقدیر
المیم مع الباء مقتب بفتح میم و سکون قاف و فتحه تای قرشت و سکون باء بر تقدیر المیم مع التاء منتب بضم میم و نون خفی و ترقیق کسر
عین مهمله و سکون تاء قرشت از اوبک المیم مع الجیم ماقتاج بفتح میم با الف و سکون قاف و فتحه تای قرشت و قاف دوم و سکون جیم فارسی
بجو و تو بوکشتن المیم مع الزاء المهمله میر بر ترقیق کسر میم و سکون یای حطی و دال مهمله دار المیم مع الزاء المعجمه موز بر ترقیق ضم میم و سکون زا
بیخ منگیر بفتح میم و نون خفی و ترقیق کسر کاف فارسی و سکون زا رازه موشکو بر تعظیم ضم میم و نون خفی و ترقیق ضم کاف فارسی

دیگر

و سکون زا رخ المیم مع السین مجمله المیم مع الشین مجمله سود در پیش بر ترقیق ضم میم و دال مهمله و سکون زا رای مهمله و شین معجمه سکندر المیم مع الصاد المهمله میم بفتح
کسر میم و سکون خفی بر دست منکلی بفتح میم و نون خفی و سکون کاف فارسی و فتح لام سکو کوش اسلاد المیم مع الطاء موکو بفتح میم و نون خفی و ضم کاف
خفی و کاف فارسی و سکون زا رای مجمله و فتح میم و لام و سکون قاف شاه مطار بر تعلیق بفتح میم و سکون طاء مهمله و فتح میم و سکون لام و سکون قاف
بر وزن ما موق بفتح میم با الف و فتح میم دوم و سکون قاف بخشت مستقیم بر ترقیق کسر میم و تعظیم شین معجمه و سکون قاف و کسر سین مهمله و فتح میم
و ضم را بی همه و سکون کاف و فتح شین المیم مع الفاء مهموسه بفتح میم و نون خفی و سکون کاف مهموسه بفتح میم و نون خفی و سکون کاف فارسی
لحف منیت بر ترقیق کسر میم و نون خفی و سکون کاف فارسی مرا رو و قرب یا از دیگ مانک بفتح میم با الف و نون خفی و سکون کاف فارسی سال
المیم مع اللام مول بفتح میم و نون خفی و سکون لام فرقه ده ترک مینی ساده دل موجون بل بفتح میم و جیم فارسی و سکون نون و ترقیق کسر کاف
و سکون لام سال بوزینه المیم مع النون میجن بر ترقیق کسر میم و جیم فارسی و سکون نون بیجون مینشک او جرن بر ترقیق کسر میم و نون اول
و دوم خفی و سکون کاف فارسی و فتح میم و بالف و بر ترقیق میم فارسی و سکون نون بر ابر مین بر ترقیق کسر میم و سکون نون من ما بر و نون بفتح
میم و سکون باء حطی و ترقیق ضم را بی همه و سکون نون لاغر نزار مولون بفتح میم و سکون واو و فتح لام و سکون نون یا بچه است
ابر بنیر المیم مع الواو مانو بفتح میم و سکون واو حرام مو بر ترقیق ضم میم و سکون واو و آ مثلا کیدر مو بر ترقیق آ آمد المیم مع الهاء
منکله بفتح میم و نون خفی و سکون مجمه و فتح لام و باء و تعریف مو کیلیه بر ترقیق ضم میم و نون خفی و فتح جیم فارسی و ترقیق کسر کاف فارسی
و فتح نون و باء و قول اسفورک منفه بفتح میم و نون خفی و فتح غین مجمه و باء و قول بی مو بر ترقیق ضم میم و سکون نون و فتح جیم فارسی
و باء و قول اسی مقدار ما قته بفتح میم با الف و سکون قاف و فتح تای قرشت و باء و قول بی مو بر ترقیق ضم میم و سکون نون و فتح جیم فارسی
بر ترقیق کسر میم و نون خفی و سکون کاف و فتح تای قرشت و بر ترقیق کسر تین مجمه و سکون باء حطی و دال مهمله و ترقیق ضم میم و سکون نون
یای حطی ایرانی آمیسکا بر ترقیق کسر میم و نون و کسر کاف و سوخته ده و سکون یا از آن مرغ مانکا بفتح میم و نون خفی و سکون کاف فارسی
و ترقیق کسر لام و سکون باء خاله از مالح بفتح میم با الف و سکون یا رغ و چیز فصل النون مع الالف نمک بر ترقیق کسر نون
و فتح میم و باء و قول کاف فارسی و الف و تعریف چیز نیز دا بحکایت مذکوره و فتح دال مهمله در جیه النون مع الزاء المعجمه نیز بر ترقیق

کره با حرکت دوم و سکون را چه جانید در ترقیق کسر نون و ضم دال مهمله و سکون را چه جست نشخوار بر ترقیق کسر نون و سکون
شین معجمه بتقدیم ضمه خای معجمه و واو و سکون را چه جانید بر نقیض نون و سکون واو و فتح کاف عربی و سکون را چه گلو
النون مع الشین المهمله نخاس بفتح نون و خای معجمه بالف و سکون سین مهمله بالف و سکون شین معجمه نخاس نون و کاف فارسی
و سکون سین مهمله نرقاز ترک النون مع الشین المعجمه نشیش بر ترقیق کسر نون بالف و سکون شین معجمه نشیش عاجز بر ترقیق کسر نون
و فتح جیم فارسی بالف و سکون شین معجمه نشیم کسر لام و سکون شین دوم بمعنی ضراط بر ترقیق کسر جیم و فتح جیم فارسی بالف و سکون شین معجمه
جهوقت النون مع الصاد نصر نون بفتح نون و سکون با حرکت و ضم را بالهمله و سکون نون دوم الوس چیزی خان بتحتانی بفتح نون و سکون با
حطی و فتح میم و سکون نون قوالیت از اهل ترک النون مع الواو نانو بفتح نون بالف و ضم نون بمعنی مجهول و سکون واو و هر النون مع الهاء نرسیت بتقدیم
کسر نون و سکون میم و فتح را بالهمله و شین معجمه با حرکت و تحتانی بتحتانی حرکت مثل نیرسیه بدیدن کسی خرد اگر تا بجه بفتح نون و عربی
معجمه و جیم و با و فتح هر دو را بالهمله بر ترقیق کسر نون و فتح میم و با و تعریف جیم بجیم بر ترقیق کسر نون و فتح جیم فارسی و با و فتح تحتانی صد النون مع
الیاء التحتانی نارنی بفتح نون بالف و ترقیق کسر را بالهمله و سکون با حرکت آن طرف غلط بر ترقیق کسر نون و فتح میم و ترقیق کسر نون دوم
و سکون یا چه بر نسبت بر ترقیق کسر نون و فتح با ترقیق شد و سکون یا چه شد نونی بر ترقیق کسر نون و فتح غین معجمه و سکون یا نام ولایت
در شام فصل الباء مع اللام بابد بفتح با بالف و سکون با حرکت و فتح دال مهمله بران الباء مع الواو بارت بر ترقیق
ضم با و سکون را بالهمله و با فارسی بر ترقیق ضم با بالف و سکون تا بر ترقیق دوم بهمله و بهمله بارت بفتح با بالف و سکون را بالهمله و تا مثناة فوقانی
الباء مع الراء المهمله بار بفتح با بالف و سکون را نمانده نمو هموار و بر تعریف بفتح با و را بالهمله او را و سکون دوم را غرض مکه هموار بر ترقیق
ضم با و سکون لام و فتح کاف عربی و سکون را بیرون الباء مع الشین المعجمه بارمش بفتح با بالف و سکون را بالهمله و بر ترقیق کسر میم و سکون
شین مانده الباء مع القاف بهوقات بر ترقیق ضم با و سکون را بالهمله و فتح قاف با بالف و سکون تا نمو نوکتش الباء مع الطاء
بهوروت بتقدیم ضمه با بر ترقیق را بالهمله و سکون کاف عربی بر ضم الباء مع اللام بهول بتقدیم ضمه با و سکون لام بر سر الباء مع النون بادون
بفتح با بالف و ترقیق ضمه را بالهمله و سکون نون بر سب نون که جهان این ده مانده تا کان بفتح با بالف و سکون را بالهمله و فتح کاف فارسی

و سکون نون مانده تا کان الباء مع الواو باو بفتح با بالف و فتح واو بمعنی ظن فصل الباء مع الهاء مع الالف با عله بفتح با بالف
و سکون نون بمعنی بفتح و فتح لام ارض عال بوقوف بتقدیم ضمه با و سکون تا قاف و فتح لام بحسب عالی بوقوف بتقدیم ضمه با و سکون قاف و فتح ها بهمله
اگر شه باب بفتح با بالف و سکون ها بهمله جهاب از الباء مع الهاء بهوره بر ترقیق ضمه با و سکون با بالف و فتح واو بسبب
تقدیم کسر با را و ترقیق دوم و سکون با خورده باب بفتح با بالف و سکون با بالف بر بوس بلاب بفتح با و لام و سکون با بسیده
الباء مع الفاء بهوت بر ترقیق ضمه با و سکون را بالهمله و تا مستدل با روت بفتح با بالف و ضم را بالهمله و سکون تا ارض بنی
بهوت بفتح با و ترقیق ضمه بهم و سکون تا نام الوس از ترکمان بوت بر ترقیق ضمه با و نون ضم و سکون تا اسب بوت بر ترقیق
ضمه با و سکون تا هلاک بهوتان از سرما و بمعنی فرو بر الباء مع الجیم بلاج بفتح با و لام و ترقیق ضمه و واو و سکون جیم بمعنی بلنج بفتح با
و لام و نون ضم و فتح تحتانی بجیم با الف و سکون جیم فارسی بر همه بفتح با و تحتانی بجیم با الف و سکون جیم فارسی بر جیم و در نسب
الباء مع الراء المهمله بوقوت بر تقدیم ضمه با و سکون قاف و ترقیق ضمه را بالهمله و سکون را بنسبت بر تعریف کسر با و سکون را چاره
با و بسر بفتح با و سکون واو و فتح با بالهمله و سین مهمله و سکون را دشمن را بخشش کننده بوریز بر ترقیق ضمه با و سکون را
روان تو بغیر بفتح با و سکون بیم و ضمه غین معجمه و سکون با و باران بوکو بر ترقیق ضمه با و کاف فارسی و سکون را بدو بتار بفتح
با و تا را فرخت بر سکون را بالشمس و بمعنی بر سلام آمده الباء مع الواو الجیم باوور بفتح با و ترقیق ضمه و واو و سکون را تنوع با بفتح
با بالف و سکون را بهمه را بستان و بمعنی بوس بر ترقیق ضمه با و سکون را دوی و صد صد بوکور بر ترقیق ضمه با و سکون لام
و ترقیق ضمه دال مهمله و سکون را ستاره بلغور بفتح با و سکون لام و فتح تحتانی بغین معجمه و سکون را تنها الباء مع السین المهمله
با را باس بفتح با و را بالهمله و میم و سکون سین بالکار آمده الباء مع الشین المعجمه بولداش بتقدیم ضمه با و سکون لام و فتح دال مهمله
با الف و سکون شین همراه باش بفتح با بالف و سکون شین سال و انگ و بمعنی ترا و فعل با باش بفتح با و نون ضم و فتح تحتانی بالجیم
و سکون شین تمرین فیه کفل با داش بفتح با و واو با الف و سکون شین ملایم و ارمیده با عیش بفتح با بالف و ترقیق کسر عین مهمله
و سکون شین با رش بوراش بر ترقیق ضمه با و را بالهمله و سکون شین بر دشمن دو بدن با لاش بفتح با و را بالهمله و سکون شین معجمه

باسین بی نقطه یا و سین بی نقطه و ترقیق کسر میم و سکون سین کمار سر و سرانجام کار را **الباب الجیم المعجمه** یا و قطع غ بی نقطه یا و
تفخیم خم و رای مهمله و سکون قاف و ضم لام و سکون عین زرنش و هزار مجمع بعین بی نقطه یا و زاغ بی نقطه یا و ترقیق و واو و سکون زای معجمه
و تفخیم خم لام و سکون عین بی نقطه یا و زاغ بی نقطه یا و الف و سکون عین زرنش و زاغ یا و زاغ بی نقطه یا و ترقیق و واو و سکون زای معجمه
و تفخیم خم لام و سکون عین بی نقطه یا و زاغ بی نقطه یا و زاغ بی نقطه یا و ترقیق و واو و سکون زای معجمه و تفخیم خم لام و سکون عین بی نقطه یا و زاغ بی نقطه یا و ترقیق
خم و رای مهمله و سکون عین بی نقطه **الباب الفاء** براق بی نقطه یا و رای مهمله یا الف و سکون قاف و ضم لام و سکون عین بی نقطه یا و ترقیق
و سکون قاف و ضم دال بی نقطه یا و رای مهمله و سکون قاف و ضم لام و سکون عین بی نقطه یا و ترقیق و واو و سکون قاف و ضم
خم و رای مهمله و سکون عین

و ترقی کسره غین معجمه و سکون یا دشتی و بفتحه یا مد کوره با الف بعربی کریه بینک بفتحه یا و نون مضمومه و ترقی کسره کاف فارسی
و سکون یا بو یا زای بفتحه یا و ترقی کسره زا بمعجمه و سکون یا بحرایت بفتحه یا و ترقی کسره سین مهمله مشدده و سکون یا بعین
بو بجی بفتحه جیم یا و سکون لام و ترقی کسره جیم فارسی و سکون یا بهتر یا بنیچی بجیم بفتحه یا و ترقی کسره یا فارسی و سکون
نون و ترقی کسره جیم فارسی و سکون یا بو تشی زا بزای زبانست بجیم بفتحه یا و سکون زا بمعجمه و فتحه یا بالجد با الف و ترقی
کسره تشی بمعجمه و سکون یا بلرد ارصد کس یو فارسی بتر قبی ضمه یا و فتحه فا با الف و کسره زا بمعجمه و سکون یا بالا بفتحه جیم کسره یا
و فتحه کاف فارسی و ترقی کسره لام و سکون یا بلرد خودن دیده جی بفتحه یا و دال مهمله و تای قرشت و ترقی کسره جیم فارسی و سکون
یا با فسون کو بو بجی بضم ضمه یا و فتحه زا بمعجمه و سکون میم و ترقی کسره جیم فارسی بو رمه دوز بو بجی بضم ضمه یا و یای حطی و سکون یا
لام و فتحه میم و ترقی کسره جیم فارسی بو لیه کنده بیرا قبی بفتحه یا و رای مهمله و سکون فا و ترقی کسره جیم فارسی و سکون یا
سلاح دار یا رانکو بجی بفتحه یا و رای مهمله و سکون یا تای قرشت و بفتحه جیم و کاف فارسی و ترقی کسره جیم فارسی افرنده باب

یکیوم در تفرقات اسمای اعداد بیر ایکی اوچ تورت بیش التی اتی سکیز توقوز اون اون بیر
اون ایکی اون اوچ اون تورت اون بیش اون التی اون اتی اون سکیز اون توقوز ایکرمی ایکرمی بیر
۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱
ازده بارس است بهمین قیاس صد شمار یا بیلک او توز قرق یلک آلتمش آتمش سکسان توقسان
۱۲ ۱۳ ۱۴ ۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰
یوز بیر یوز ایکی یوز اوچ یوز تورت یوز بیش یوز التی یوز اتی یوز سکیز یوز توقوز بور
۱۰۰ ۱۰۱ ۱۰۲ ۱۰۳ ۱۰۴ ۱۰۵ ۱۰۶ ۱۰۷ ۱۰۸ ۱۰۹ ۱۱۰
منک دو تومان اسمای اعضا و اجزا علی هذا القیاس است سر موی منقلا بیت سر قولاق کوش قولاق جبه
۱۰۰۰ ۲۰۰۰ ۳۰۰۰ ۴۰۰۰ ۵۰۰۰ ۶۰۰۰ ۷۰۰۰ ۸۰۰۰ ۹۰۰۰ ۱۰۰۰۰
باکوش قولاق مردمک قاش ابرو کوز چشم قاق یلک کیرپک کلکان بینک مردمک یقیش نگاه سیراق
قوق کسر کسر موز لف مامی کاکل بورنی بینی قنکر پره بینی منقر رخساره دواغ لب ایرین لب اغیز دیش
تیشی دندان تیل زبان یاقی حنق کوزنک کام بویون کردن بوغوز کلو توشی سینه کوکس سینه کیکر بال حلقوم
اوبکم تشی کوکل دل و خاطر بوراک دل یاغیر جکر قارین شکم ایکورده اوت زهره کندک ناف قولوق
بغل قول دست ایلک دست بیلک دست تیرسک کرانچ اباکف دست برماق انکشت باشی برماق نر انکشت

تیرناغ خنصر اوچ کوکدست بودروق شست ارقه پشت بیل کمر دالوق مثانه بوک مثانه سک آلت کوت کون
قوماق خصیه کوتی مقعد آم کسی بوت ران چوته پایی زانو ران یاناشی کرنی تیز زانو یا لوبر ساق ناغ
پای تبان باشنه اوزاک سیرپان ماخور اک سینکیر پی بتری بوت دالوت نه بغیر توت نه ایکی دوشی
ایکو جیلکی توشوغ متقار تب لکد اوچکم باشنه سولکی استخوان ایت کوشت ایلیک منی استخوان توک موی
ایره یونک چشم پیر توس تکل توقتغه قصه قرشی وجب قری کرنک توبر موغ دم قولاج مقدار دو دست سقال
ریش میغ بروت مانک شال اسمای حیوانات دواب یغان نبل آت اسب تیره شتر تیغ مادیان
ایغان ناقه قولون بچه اسب تای اسب ایکیال دونای اسب ایلی دو سال غویان اسب از سه سال تا چهار سال
سوقوم اسب یال دم بریده بوته بچه شتر اوی کاو اوکوز نر کاو ایک ماده کاو بوزاو کوساله قری کوسفند
توزاق بره قوچ اسفند خلد اوچکبر تنکه نر کلدن بوغا کاو دست قوناس کاو کچکاه اوغلاق بچه بز بوغا کاو دشت
قزال کوزن کیسک آهو هوده آهو توشقان خرکوش اسمای حیوانات وسباع درنده ارسلان شیر یولبارس
شیر قلدون یلنک پارس یوزبوی کرک دولقی کرک یالدار ایغ خرس چوکه ورس شغال توزک روباه جانی خوک
ایت سک کوبک سک دار ایتم کزن دالو قیچ ماده سک بنک کربه کوچک بچه اسک سیغان خرس کش سمور
آتش کیس سیغه قاقم تهور رقد دور سک آهو میچین بوزبه اسمای حیوانات بحار قارچیغای بار جهاد چین نر غوغا باشه
بحر تهور چوبک تهور بیغو تکره ایلکو چرخ توقون بار سفید یوت نوعی از عقاب طرغای باشه تورمای توزمنی تهور
قرغو زاغ الاقرغ زاغ ایلی توز کلنک چیغار چلنور کرکی برکلنک از اوی مرآبی تهور بقره بکلنک بکله تغاول
مرغ زرین کیکلنک کیک کیلو چین کبوتر بودنه تهور دیغیچ کنجشک چوغو چاچک ترک سبز بلبل قاره شکره
ساندمه توزغار چیل قاره بوغاج ابابیل قاره تهور انکیت سرخاب تهور رو چین ماده بوته تغلق تهور
جوار کم مغلدا تهور اورد تهور اسمای حیوانات ایلان مار چیان کژدم نوی بهنک باغ ماهی قورت کرم برکرک
کیک بیت تیشی باقه سنک بشت قوربقه غوک کلدن کوسمار کلنه چلپاسه ایری زنبور چیلن مک سنکلک پشه

موزه ملک و موزه ملی ملک کتابخانه

چاکو تکی ملی تو تو تمرک مود در اسمای براق اوتی تیر بای کمان سداق ترکش جیبه کمتر کیم باکرب دولوبه تو قلیچ کمتر غیر تعالی سیر
ملتیق جوق نیز معروف بجی کارد اسمای مفرات التون طلا کومش نقره باقرمس نال بیج قورشم سرب تمبو آهن فولاد
تسلی فولاد جوزن آهن جام خوله هفت بوش زوبه سیماب اسمای میوه اوزوم انکور اردک از دالو ارجه توت
توتوک شفتالو احمد سیب جمیوه بهی مرود امرود شیلا قوتوغان تریج کاوون غوره جیلان عناب چیلکه و سجد اسمای غله
کنج بیج نوبد کندم ارپه جو باسوق عدس باشق معروف قوماق کان بیج کنکی ترق ارزن دغیر کتان پنبه است قوتا بیج
نوحه ارغنه قراموق مقمه جیکیش شاما اسمای الوسات چقماق بیر لاسی ارلات سوراسی نیرون ارغون قاز بیج بنجاق
کلتای علیه السلام تمدی حولیت قرانیج مغلی قراقر بوکر بولوغلیق الغور ترخان سنغر قوتوسجی قوتکا جلابیر بوزت خواغر
ستقلا قوجاق دوغرت قتغی دولانی حارتی ستقاسلا بولوج سلدوز ایسوی مندا جرابر انجی اسمای الوسات اوزبک
بلی قراق تاتک بوزق قطغان یمان دوزان بوکوکیکی خطای قبچاق نشتر کرایت اوغلون جلایر کیکت منغت
تانکوت اق قوریاس بجوت اسمای الوسات ترکمان سلاج قوموراق قوتلو قراقوغلو برات بهارلو اغیر کراغ اسمای الوسات
قرقلاشی دیلو انجو قوتلا تولوشا ملو دولو موصلو نکلو دولغدر اقوف رقاجا ارزنگ زمنه اسمای افواج مقدمه جرخ چیاول
بجی قوچ طرح قراول موزی قوجی کرابر خنک ملغار تعیین نقد بوقچه کلین کلم باشقه هراول قوجی کلم هرشی باشد التمش قوجی کلم میان هراول
دسرجاه باشد برخاقوج جانب راست قول قوج کردار جوخا قوج جانب چپ چیاول قوجی سقیت اشرفا خوغ قوجی قوجی
برانی قاب غنیم مقرر شود قوجه قوجی از عقب غنیم درآید

حرف الالف مع الالف الکلید بهم الکلد مهم ارا بیصت یکم ارا بیصت یکم ایلد یکن ایلد ما مکن ایور ما سرکن کم الوغ اتا
بدر کلدن اتا بد را بایم الوغ ایا بم کلدن آتا ما در الوغ آتا ما در کلدن آتا بر آکا برادر کلدن آتا بر آکا برادر کلدن ایا خواهر کلدن
اتا کاید در رضاعی آتا کا مادر رضاعی ایر کا مانی بر مرد ایسه دیوی ایر بکا رخنه شوار جامه بر اندا ایلاق جرب ایلاق اور کا
ان ایلد وان بیلد بان آتی ایلد وآتی بیلد بآن الیشک آغاج دربان انقاد انکا به آن ان اولدان اورتاوان اراغا وان الچرا
درمیان آن ان اورتاوان اوزتاوان اوزیکا وان استبد اولان اوستینکا مالای آن بان سونغر اهدان داتران اولس اهر
بکا کسی ایلد ایلب بر کیا اوشتر اماکا اغاکا جاتا ایجا اوشتر ساکا جاتا بجا ایر تا ایلاه اولب بجیر ایجا انقدر اوشتر ایجا
ما قدر ایجا قدر تا الا انقدر مرتبه اورت جاهل الکا کشور مردم ایاجم ایا کاجه رمح الوغ ایا جه کلدن اراغا و
ولراجا والینی بست اولچا تنی اوستقا تنور هر ایا کف دست اوچاساق اکبر خرف کی خواره ایکنی کوزن اوقرلکا سه اوچا
هر ارپا جوآتا بسب دیکر اوتلکلها آلا آلا اسپ ایش اوتا تا غاریز بیر رخ ارپا راه آب ایجی باریک ایجنی باریک ایشتا ب
است وایشک خازه اولا نظا ربکن اوتلقه بجر اوتقد بجواب ایقدر ایجی اسپ اوغور لاوزن بکن اوغور ملا دزن بکن اوغلد بیر
کن اوبلا ندیر بکن اوخت مانند شوا وحش مانند شوا وحش تا مانند بکن اوخت تا مانند بکن ایشکا بکری ایست ماجی اخش
جکاب ایر بکا جدا استرا ایتقا تر بکن اوبر ما مزن اوزبکن اوزوما کنده شوا جبر اوخور مع الباء الیپ بهلوان اوب
بوس اسرا کوب بسیار ایب بسیار ایب ایسیان اپ تار مع التاء انقیت دانقیت سرخاب ایکیت جوان اوت زهر
وعلف آت نام دیمنلر اوت آتش وکذر اوزات تعرست آت سوکند اوزت فراموش بکم ایسه بکن ایت سوکر
ایت نطق ایت کم شرا اوزت زن ایشت تب اورت منزل ایت کوشت اوزت برق ایلیت هراوحش
مانند بکن ایلیت ترکن اوزات درازکن ایست کرم کن الرشت بشنو انچه قارت انقدر بار اوبات بیرکن آرت زیاد شد
اوشت سوکند الاغرات موش کلدن مع الجیم اچ نیم اچاج داد شاج بهاشت اسر کاچ جبر نز آچ واکن آچ کرسنه
اچ موش اوج کبر اوج عدد سه اوج کوکسی جبر اوج کفدرت الوج فرض ایغاج درخت مع الراء ایکار زبن
اوغور برم الزبر بکن اور بزن اور جاهل اور بدر واکور ایسه سر ایر مرد ایشو هر اوغر باون ناغبر کران اوغور قلمه

ملک و موزه ملی موسسه کتابخانه

اوزلندی ایشمه نیسم صبح آلدر دیکیران اولدر دیکمش ایل توریا رسای اولتور نشین اوکوز بکیران اوجور بیران
اخفا رلکاب ایرجه اکن اسارا دیزان میکند اوجقورا ارنید مع الزاء آغیزدین اوزنکن آغوز قلمه اوکوز کاوز
آزکم ایزلوی ایزیلو وقدم اتوز عدوت اوکوز نصیحت اوجوزا رزان ان یوزب یوزدر دوی آن مع السین
اغوز ماس نخواهد دمید اوتمادی ماس نخواهد کفت اربا ماس نصیحت نخواهد کفت ابودوماس سرکون نخواهد کفت ایاس بولار
صاف ایس شوراوس قوم بزرک ایس بوی مع الشین ایدیش طرف آشش طعام ایش کار اوردش جنک
اوچاش سبزه ایمش طعام خورد نوزمیوه از هر قسم ایمش عیش نفقات ایمیش عزم هقاد ایغیش سرخاب اوردش
نسمت کن اوردش حصه طعام ایرلیش زمین بست مع الغین اوزغ بیاد اوزغ مرغ اوزغ کرای اوزاغ سوار
اوتاغ خلق نار اوتاغ منزل اوزغ لاغر اوزغ زرد اوزغ اوزغ کلان اوزغ غیر مرد اوزغ کیه جامه اوساغ دکران اوزغ
اوتاغ بزه بیرخواه اوچاغ غلوی کلان اوزاغ سر آیچیغ تیغ آیکوز خدا اوزغ خدا صورت ایسیغ کرم وغایره ایاغ پای مع القاف
ایلاق کاسه وپای آق سفید اولاق جهاز پایه آیچیق خوش اوچاق تهمت اولاق شکار کاه اوتاق خلق نار اوزناق
شمع کیاز تاق کیراق تنک اوشاق ریزه اولچاق برابر اراق پای اوجاق دیکران اوچاق طوق ارداق روح
ایاق الوس آیاق بنهان اوقیم اویاق انکشت نه آیتیق کوارزا مارا راق شتر اراق پای ایراق دور اراق دوزه دراز
لزاق تکسر ارتوق زیاده انجوق مخالفت دلیس اوشت نماق مخالطه وخالطه قسم اوشاق خورد سال دربزه وفصل الخصاق
مردم ایرق ماهوه جوی اتالیق بدر رضاعی استاد قالق یوق نامزد اوتاق پاچاق انکشت میانه اوشوق پاچه پوشاک
اوسوروق کوز آتلیق علم اوردق روشنی روز ایلاق چاک نالستان ارماق نزد اوخلاق بزغاله اوتیوق واوشولوق
تهمت الجیق جنبر کسر الیمق کرم ارماق اصبیل اخوردق عسکر اشیلق اول ماه اوق تیر المصادر اغزماق دمیدن
اودماق دماس کردن ارماق نصیحت کفتن ابورماق ترکیدن کردن اوقرماق خواندن اوقرماق خواندن اوقرتوق تیرماق
نخواهد شدن اوکرماق واورماق یاد کرفتن وآموختن اوکرماق واورکاماق یاد دادن وآموزانیدن اوکرانیدن اوکرماق
واورکاب تیرماق یاد کرفتن وآموختن اوکرماق واورکاماق یاد دادن وآموزانیدن انکلماق فهمیدن انکلماق آکاهانیدن انکلاب تیرماق فهمیدن

انکلاب اوتوماق

انکلاتیوماق فهمیده شدن اوتوماق نشستن اوتوروماق نشاندن اوتوردب توراماق نشسته شدن ایشیماق
شنیدن ایشیتوماق شنواندن ایشیتیوماق شنیده شدن ایشیدماق کاکلدن ایشیدماق کاکلانیدن آلماق
کرفتن آلدوراماق کیرانیدن آیماق کرفته شدن ایتیماق کرفتار کردن اوراتماق رخصت شدن اوراندوراماق
رخصت کردانیدن اوراتیوراماق رخصت کرفته شدن ایتیماق کفتن اوتوماق ظاهر شدن کفتن ایکماق کردن ایکیماق
کرفته شدن اسراماق ظاهر شدن اسراماق ظاهر کردانیدن ایستیماق جستن ایستیماق جویانیدن اختیاراماق جستن
دلماق اختیار کردن جویانیدن ایرماق جدا کردن ایریماق جدا شدن ایلوراماق زود رفتن اولاشماق قسمت
کردن اولاشتیماق قسمت کردانیدن اوغوراماق برخوردن اوغوراماق برخوراندن اوبراماق درخوردن اوبرانماق
درخواندن ایغیراماق بهماهلکردن ایغیرتماق بهماهلکردانیدن ایچماق خوردن ایچوراماق خوراندن ایچماق
نوشیدن ایچیتماق نوشانیدن اقماق لغزیدن اقتماق لغزانیدن ایلدوراماق بوئیدن ایلدوتماق بوئیدانیدن
اوبماق بوسیدن اوبوتماق بوسانیدن اویاماق شرم کردن اویاتماق شرم کردانیدن اوندماق خواب کردن
اوندوتماق خواب کردانیدن اویوقدوراماق خوابیدن اویوقدتماق خوابانیدن اویاماق واویغماق بیدار شدن
اویاتماق واویقاتماق بیدار کردن اوکماق پوشیدن اوکیماق پوشانیدن اوردوشماق جنکیدن اوردوشتماق
جنکانیدن اوتماق کذشتن اوتکاراماق کذرانیدن اوتدماق جریدن اوتدتماق جریانیدن اوتماق بازکردن
اوتیماق بازکردانیدن اوراماق زدن وردیدن اوروتماق زدانیدن وصدا کردانیدن اوغریماق واوغورلاماق
دزدیدن اوغریتماق واوغورلاتماق دزدانیدن اوزماق کندن وکسستن اوزولماق کنده وکسسته شدن اوزتماق
کندانیدن اوداکرماق دمیدن سبزه اوارتماق دمانیدن اوشلماق تنکیدن اوشلتماق تنکانیدن اورتماق
سوختن اورتماق سوزانیدن اولماق شدن ورردن اولدوراماق کشتن اولدرماق تیرزدن اولدتماق تیرزدانیدن
اوسوراماق کریزیدن اوسوروتماق کریزانیدن اوکسوراماق سرفرو کردن وسرکشیدن اوکسوریتماق سرفرو کردانیدن اولماق
واوبولماق کدخدا شدن اولولماق واوبولتماق کدخدا کردن اوچماق کهربا کردن اوچتماق کهربا کردانیدن

ملک و موزه ملی ملک کتابخانه

کوشیدن اولیاق بیاز کردن اولیاق بیاز کردن اورکلاق کوکتق دقدق شدن اورکولتماق اولکورماق کوکلندن
دقدق کردن اورکیاق کوکیدن شدن اورکولتوردیاق کوکیدن کردانده شدن اولاق بیوند کردن اولاتماق بیوند
کردانیدن اولایاق بیوند کردن شدن اولاتوردیاق بیوند کردانیدن شدن اوچاق بریدن اوچیرماق بریدن اولاماق
نظار کردن اولاتماق نظار کردانیدن اولایاق نظار کردن شدن اولاتماق ست شدن اوسولتماق ست کردن اولتوقماق
قرض کردن اولتوقتماق قرض کردانیدن اولتورماق نصیحت کردن اولتوراتماق نصیحت کردانیدن اربانماق بند دادن اربایاق
بند داده شدن اوچورماق اوچوراتماق اوچوراتماق اوچوراتماق کردن اشتوقماق تهمت کردن القاماق دعای بد کردن القاتماق
دعای بد کردانیدن القایاق دعای بد کرده شدن الغیشماق دعا کردن ارتنولماق کز کردن فرمودن اردغلماق لاغر شدن
اردغلاتماق لاغر کردن اخشاماق فصح شدن اخشاتماق فصح کردن اغناماق مطلب شدن اغنیتماق مطلب کردن الاتماق دلک
خوردن اتارماق زیاده شدن اتاتماق کم کردن اتری یتماق ارستن آچماق واکشادن آچیلماق واشدن آچیرماق
کران شدن واز رده شدن آقماق جاری کردن آقیرماق واقیرماق روان کردن دعای کردن اریماق پاک شدن اریتوماق پاک
کردن ایماق درین داشتن اسماق اوچیدن اسیلماق اسیران شدن اتلدماق سوار شدن ایرماق کرفته شدن ایرتماق کرفتن
کردن آزایماق کم کردن ایتماق کردن دکم شدن ایلتماق بردن آزتماق زیاده شدن ایلدماق کریه کردن ایرماق سایه شدن
ایلتماق بند شدن ایسیماق کم شدن اکیتماق تلی جوان شدن ایتماق باور کردن ایکلرلماق زرین کردن ایلردلماق کوکشتن
ایتیماق تیز کردن ایتماق فرود آمدن ایتماق بول کردن ایسیماق خیس شدن ایلدماق بول کردن انجیماق ارنیدن
انجیتماق رنجانیدن اسیتماق کلکون کردن ایکماق کشتن ایرلماق بد زدن ایغیرماق بد زدن ایریکماق درشت
شدن ایلکینماق بسلاح کردن ایتورماق بهرب بردن اوجاق فرودن ایتماق والغیشماق جمع کردن ایقشماق و ایقیشماق
اعتلاف ایقدرماق اعتلاف کردن ایرماق وایرتماق دریدن وپاره کردن ایرلماق وایرتماق دریده وپاره شدن
ایشماق کردن ایتماق تیر رسیدن ایتلدماق طلبیدن ایتماق خراب ویران کردن اویلماق تدبیر کردن اوخشماق
مانند شدن اوخشتماق مانند کردن اوزاتماق دراز کردن اوخشماق شکستن آتماق انداختن ایلتماق کوکیدن اقاروق

بغیلوق

سفید شدن اغارتماق سفید کردن اوزلماق فریاد کردن مع الطاء اولانک دشت اوزدک اغرشتر دیکیدار آنک
قلعه سر عمارت شده دانه الاتک بلند طرطلا ایتماک دایماک نان ایتیک دروازه دروازه بار ایتک خر
اینک ماده کاو اوردک مرغابی اولنک چوب تیر اینک دق اوک موش اویک صحرا خانه دار
ایلیک مزار استخوان ایلماک تخت دریچه اورک شوم مرغ که در میان چوب باشد اورک دجراحت ایلیک
خاره اورک ناله کاز دهها اولنک دشت ارغشک رقص ایرکاک مزار ایچاک استخوان اوتک جانب راست اورک
زرد الو ایپاک ابریشم ایلیک دست اینک ریخ اندیک تان آن تیک آن اینک از آن تیک برابر آن
آی باتیک زد آن ایسیک کم دکتر دخود سال فصل بجه مرغ اویروک مست ایچوک ساق انکاک پیه ایتک نتر
اورک چرک زخم اوتک موزه ایتک غزال ایلیک عدد پنجاه ایسیک بادبان کشت اورک بجاک داور ایچاک عنکبوت
ایتاک دامن اینک باریک ایدک دشت اوچاک تخت اوتروک فروخ ایسیک خال مع اللام آغیل ماله بدست
انقول داو انکول دست راست اوغول پسر اق سفال سفید ایش ارال جزیره اوبال شرم بکن اول اداوسال
بجان الحل تنک زین ایبل سال اول انل آن سال الجلیل تاج مع المیم ایدیرم برف اورکاریم داورغاریم خندق قلعه
آم فرج اوکتم اودر اورا اوستو لوم غلام دستم اورزوم انکو رایم طعام اقتم واخت شام ایدام زود اقسم مرد بدست
مع النون آیین ماهتاب ایلین کشت ایلیکن ایاتان شتر مزاو غلان فرزند اوغان خدای اوزاوکن دیر درد
اون اواز اون بوده اون آرد اون عدد بوده اون او اتون شفاعت النون علد ایران دوغ این بر یا چه این
فرد دای این جاک کرشی کاو این سوراخ زمین این بکتا جامه این تای اوردی جای اوتون بهرم اسمین زیر او ستون
بالا اویون بازی ان ایلدن وان جیلدن بان ان اوستین بالای آن ان کیتین پس ان وعقب آن اندین از آن
آن اوچون وان اوچون وان ایچون برای آن ان لورون اول ان انقدن وان قالان باقی آن الین ایستن
شیر از ایکین دوش دلستن وابرتون پای جامه اوردن سند ارسلان شیر ایلدن مار اوپ اورن دور دراز
اورن دمار اوردن سست ایچین جمعیت ایسلن محبت ایسین کرم مع الواو اولاو اتش شده داد اوزانکو کاب

ملک و موزه ملی موسسه کتابخانه

ایلکی مرغ اوشتار ایاق کوا ایکلو زده اوتر در هر دادستون ایلکی اوستون ایر وجد اوقدر کرآنش ایجوم دوار بدر آورد زنبور

ح الهاء اوجه خبر ایه جو اوقو کاسه آلمه دیکلمه ارقه داوجه بشت ایکلو سنسی اوکچه بته باشنه ایلجم اولکه کشور اول باقه طرف

ایجم انقدر اوبه سفیده اویمه ندیر ایلیکن اوتاغ زیره برازایلیه بوی ایلجاری باقه طرف بشس ح الیاء ای ماه ادی خانه

ایری خشر دوکر ماه ادی کاوادجکی بزر ایتی برادر خورد ایلجی خواهر کلدن اوده جی پیاده ایلسکه کاهنه ایتری ضرادی کلاشس

اوغری دزدانی عدد شش التی بنجش ایلکی کوایسان اوزکه زبان اوزی خورداوزکالس دیکلر ایلجاری اندرون آن

ایلجاری اندرون آن تاشخاری بیرون آن ان قرینی بایلمن ان ان کینی عقب آن دیلس ان ان ایلجاری پیش آن ان ایلیی

پس آن ان ایدی زمان اوایکلی ازان ان ایدی بود ان نام ایتی ایکلی جوان کارآمده آن موشی بوندان و اتو آن

ایکوی ناپرو اوتوکی موزه دوز ایکنی دوش ایجی مرداریه ایکیر مجی زلیکیر ایکو چی طعام ایکا عدد دوایتی عدد شش ایسه

کرم ایتی آن اسپ کارآمده ایتری اسپ ترآی زنبور ایکری کچ آری بلا ایدی بجاوه خشت ایدی طرف اکاری بوند

حرف الباء ح الالف بالاچه پوشش خاستانه در بور کایک بوقالوکساله کرز بوکا پهلوان باشقا باشقا حد اعد باشی اوزاجنه

بامزی قراسیاه سبه موخیت باجا مرلف بوغراشتر جوکر ماه سیر کاهنه پاخ دیوار حام سیر کاماه بام باحاکل و

جمع بشمار مهم بلالب سیر کاتیه زه بوس ایجیر ت التاء بولوت ابر بوت مان بوت بزی بات زد دبات

زور و بوت بار کی بیت شش نوبات زنک کمان بورات دیران کی بیت بوس لوک بت قسر از زمان ح الجیم بوبزاج

اینجاب بار الماج خان نیلی ح الراء بوغر زشتر خوکا ماه باخر جکر بیلدر کیف پا بالدیر ساق پا بالدر بند دست بر اقاغ خ

جمای راست بولار اینها بوزر درفش بار است دمیر دیوار کرد خان سیر یک سیر بده بیلتور بار سال پا تیر دیا خیر مس

ح الزاء بوغر کلو تیر ماهیز درفش بوراسپ سفید بور دیران کی بوز حاله بوبوزه بیتوز سنج بوغر اسپ سنم دار

بوزیخ بالدر شم خواهر ح السین بارس بوز بوس زنک آهن و آینه شه آیه باس بیت ح الشین باش رسر دار و خوشه و دار

بوش حاله دشت دست وزن میوه بیش عدد بیج ح الصاد بشتغ بهکان باتیج ماچ باغ بیند بوغ خفتن پالیچ

کل بار باغ غالکت بر سیاغ و بوسیاغ کردن بند بشتغ بخته بوداغ سنج درخت بوباغ زنک ح القاف بوداق

بجاق

سیجاق کارد بوجوق بینی بریده بالچیق کل بارماق انکشت بوباق دوی لوق زنکی بیشوق بخته باشقه بهکان باشقاق

کفش باشه راق زود تر بوزاق ایتیم باشقیق سرداروقم بالیچاق کل پوش بالاق جالش استان بوزاق چوب بیشه لشکر

باشقاق بدعت بوغوزاق کلو المصادر بوبوراق نرمون بوملاق نرمون بولوقاق بیلوقاق انجمنه شدن بیتاق کاردیدن بوتاق

بوتاق خفتن کردن بوغازلاق و بوغازلاق تاق دیگ کردن بوزتاق و بیران کردن بوزولاق ویران شدن بوشولاق

خلاکردن بوتراق بهرشان کردن بوباق رنگ کردن بوبولاق قاق رکیس شدن بوتماق دست شدن بوتکارماق رهنت

کردن باتماق مرور تمکی بارماق ریش باقاق دیدن دیدن کردن بارایتماق فریدن بارشتاق آرزو کردن باشارماق و باشوماق

سر کردن بلیت ماق و باشلاماق بخشیدن بلغاق و بلغاق بلبس بازماق ادراستن بازلاق ادراستن بیتماق

بوشتن بیتیرماق ایم رسانیدن بیجاق دردیدن دیدن کردن بیرماق دادن بیرورماق دادن بیدیرماق بیدیرماق بوردن

پشتاق بخته شدن بیشوراق و بیشوراق بخته شدن بیغلتاق و بیغلتاق جمع کردن بیلتاق دانستن بیلدورماق دانا کردن بیتماق

استوار کردن بوشماق سست شدن بوشتماق سست کردن باسماق زیر کردن باستوراق زیر کاندن ح الکاف

برک بیت بوزام زنک کریز از دل جانور بوی لوک مجر دیشوک کیماره برک محکم بوزنک کلاه بوزاک کرده

بوبوک بزرک بوبوک بزرکتر باتاک کنک بلی زبان بوک قوم بزرک بیک بلند مرتبه بوزجاک زلف بلوک

ساعد بوزجاک برقع بیلد زوک دستبند ح اللام بیل مکر بیل بران بال شهد بوتیل اسال بوتل مودانه ح المیم

باسرام عید ح النون بولوکی مکر بولون اسیر و کنار یا خدوم بوکون آموز بوتون درست باتمان بکیل مقرر بوبان اشکوف

بوتون انجت باردقان فجر بوغون بند اعضا بوردن بیشتر و ادل بوردن بینی بوبون کردن باغرش شانه

بوغان بند دست باعتوق بالبتی بیلد رجیتی حل علیین بستان باشقیان بیکی بیکر ح الواو باتوتیر بیکاکشت بیلد

سنک کلاه بیتوو دست دست بوزاد کوساله بیقوشکو باغوجیر ح الهاء بوطوز بوغ کمی بوش غله استان بایه انزمان

بیر باتمه بیغرف ح الیاء بای ماه ادل ماه بان بوی قد درنک بوزن بینی بوغدای کندم باجی خواهر بوبی دلبوی

بیر تیر بوزکجی حلقه بینی باقری مس بوری کرک بیجی میون بیهالی بیران باهیری داه قدمیر پا رجی بیزه حرف التاء

ملک و موزه ماه
موسسه کتابخانه

تیغ کرم — تو تاکمک تا دو تا یا کوسالهٔ نیلی دیوانه تو لاجرم تیغ کرما آسیا مع الباء تو سب بیخ و فرخ و مرغ سر ورف تو آب اجان

مع التاء تو تست مرد چهار مع الثاء تیر تیغ ناخن مع الراء تا قیر نخست تا مور رگ تا تیر مرغ دار تو دام تا رنگ تهور تا بیخو رهبار

مع الجیم تو قیاچ تنگ بر — تو راج تند زد

آهن شیر عرق و جبین تا دام تا مار رگ مع الزاء تو زر دست تو زر دست تو زر بگذران تو کرگه تو زر

بر پا کن تو زنگ تو تا زبار و کل تو تغو زد تو تغو زد تو زنگ تمر زانو تو بوز کوی تیغ گیر دریا تو زر بهای تو تو زر عدد دشت تا رگ کل بار

تیل کیر بر ازان تو تی کور سر چشم مع السین ترس و از کوه مع الشین تو شش تشنه تو شش نصف و تو تو شش تو زرای

تو شش کلاب بیخ او یا تا دو شش او زر بای تا تا تو شش جهد بد تیش اغان تا تیش شنگ و بیرون تیش بهوراخ تو تا شش تا تا شش

تیلش طیان مع الصاد تاغ کوه تا ریم ارزن تا تیغ تره تا تیغ مرغ مار تو تیغ تیشم دم تشتر تا باغ کام تا دو تیغ مرغ تو مرغ نول حلقه

تیر تیغ ناخن تو تیغ سم تو زاغ حلقه دام تا موغ دو راخ تو تیغ علم تو سیاغ سنگ نشست مع الطاء تو فراق و تو بر اق حاک

تا شیتی سنگمان مع فاء تق خصیه تا موق تا تو تق مرد تو یاق سم تیر یق دنبه کوسفند کرایه کوته باشد تا راق و

تا یق تنه تا راق فرق اسر تا یق ارزن تو یاق بیچک اسمان تو یاق سم تا یاق و تیاق جوب تا موق دو فرخ

تاق بگردان تا تو تق کواه تا تو فلوق کواه تاق در کشیدن تا لاق بسر ز تو یچاق اسب فربه و نغز مع الظاء تیز اق

جیدن تو تماق کرفتن تو تو لاق کرفته شدن تو تان تا تی بالدار شدن تو کو لاق حست تو خوشتا تا تی یا بدار شدن تو زان

ماندن و ایستادن تو زاق بر پا کردن و راست کردن تو زا تماق راست کردن تو زو لماق درست شدن تو زو لماق راست

شدن تو زا تماق درست شدن تو شا تی درش کردن تو شا لماق افتادن تو شا تماق فرسک کردن و افتادن تو شا تماق

فرو دامن و خراب کشتن و افتادن تو تو تو تا تی فرو دادن و تا خوار تا تی بر تا تن در سنگ انداختن تا شد تماق راه دل

تو کماق بیختن تو کماق رخته شدن تو غو تا تی و تو تو لماق و تو غا تا تی و زاندن تو غا تماق تمام شدن و زاندن تو تو تا تی

تو تو تماق کرو نزدیک و تا تن تو تماق یا تا تی تو کا تا تی تمام شدن تو لماق و تو لا تا تی بر شدن تو لو و در تا تی بر کردن

تو تا تی بر بنه شدن تو تا تی سر شدن تو تو در تا تی تو تو تا تی سر کردن تو لا تا تی ارمیدن تو تا تا تی بهم کوشتن

تو لا تا تی بر کردیدن تا تا تی تنا خستن تا تو تو تماق کواه دادن تا تا تی سنگر شدن تا و لا تا تی تا تو تی تا تا تی بر کشیدن

تا تماق

تا تماق جنبیدن تا را تا تی تا نه کردن تا تا تماق جنبیدن تا لا تا تی تا راج کردن تا تا تماق یا تا تی تا بشور تا تی سپردن

تا رقد تا تی تا نه کردن تا تی و تا تماق در کشیدن بیخ کندن تا تی تا تی بر ابر خوراخ مثل رشته از موزن تا تلاق سنگ

اما خستن تا شد تماق بر اندن تا تلاق تا تی عجب در تنش تا تا تماق تکیه کردن تا تا را تی تنگ شدن تا تا تماق تا دان شدن

تا را تی کل شدن تا تا تی تا تماق زخم شدن تا تا رکش تا تی فراخ شدن تیر تا تماق جنبیدن تیر تا تماق جنبانیدن تیغ تا تی کذاردن

تیر تا تماق لمر رعین تیر تا تی تا تماق زمه شدن تیر غو تا تی زمه کردن تیر لا تماق عرق کردن تیر تا تی تا تماق تا تی و مو را تا تی کردن

تیر شد تماق در ران کرفتن و کزیدن تیغ تا تی و تیغ تا تماق خوختن و خاموش شدن تیغ تو تا تی و تو زانیدن و راست ایستادن

و در خت نشاندن و خاموش ماندن تیغ لا تی طلبیدن تیغ لا تماق طلبیدن تیغ لا تی دیوانه شدن تیغ تا تماق آلوده شدن

و ارام کردن تیغ تو تا تی سوراخ کردن تو تا تماق نهیدن تا تماق جکلیدن تا موز تا تماق جکلا بیدن تا تیغ تا تی جوشیدن

تو زلا تا تی تنگ زدن تو سماق سر راه شدن تو تا تماق در کرفتن و شول کشیدن تو فراق لماق خاک بر دا تماق مع الکاف

تا تک و قت صبح و عجب تیغ تنگ یا قوت تا تش تو تک سنگریزه و سنگ که جانوران را بران کر میدهند تیر سنگ آرنج

تو لاک کرز تو کر خانه تیغ تنگ بر ابر تیر اک سفید ار تو کر مو تیر تنگ سوراخ تیلدک حاجت تیر تک زده تو لاد کی زود

و راست و ایستاده تیر تنگ ماده تو تنگ تنها له تو لوک رنگ زنگ تو زدک مرتب و تیغ و تیغ تنگ تو تیغ تنگ

مانند تیر تک دم بدم ایستن تشتر مع اللام تیل زنان تو تل زن بیوه تال رو بر هم آمده تال پیه تال بیه تال تنه تا تیل تنه تا تیل علم

مع المیم تام بام تو لوم مرتک بیخ جنک تو لم آبنان تو قوم خوس کرز تو قوم مسمان تو قوم ماهو مع النون تا دو تمان و تو تمان

خوکوش تا تان باشته تو تون دود تو تمان داغ تا جلیس تیر تا تلان تا راج تو تن موزه تو تن جامه تو تن ان عدد تو زد

تو تمان خویش تو تا تون دیر و ز تو زمان زود تیر تا تی آسیا تیلان خار تو تن شب تیر تی تنگ اسب مع الواو تا تلو تی

تا زا و تا و دان تیپا تا تو طاس زین تخا قو رخ تا تا دفل تو تو پر تا تنو کفش کاه مع الهاء تیپه بشته تیوه تشتر

تا تا فعل تنگ تیر تیپه تا تک سر تیپا نه جوالدوز تو قه سیر تو زا تا قه طرف راست مع الیاء تیش طبق و موت بیخ تا ماه

تا قه جی غلبند تو زیله کوساله ماده تو تکا روباه تیری پوست بیخ جلد تو یازی کرز تیغ تنگ صحرای تا تنقار تو تا تنقار تا راج

ملک و موزه ملی موزه کتابخانه

بیرون تبو چرا بیکر تا شق کردم بیرون تو بخای جمل اسب تو بخلیه پیر تو بخی و تو بخری راست و البته و مک **حرف الجیم**

مع الالف چاه ریک چنیا دانه چاکا عقب کوشش چو چو را خلاص جیکد الجنت جیفه تاج دطوار چاه ارست رجیلد بچاطشت

جوجه دخاسر قجر جوکا لینه اشتر چوخه بچه درنده با جشیلکا تاج چوبه بچه خوک چوخه کرز مع الباء جیب خندق مع التاء

جیت چین بیت سه اسب مع الجیم جوموج کفیش مع الحاء چالاذاب دکل مع الخاء جیبار رود چای بار باران ریزه

چوقور کوه چوقور بنی خورد چوقن سر جانب جیب جاغر شراب چاپقور باد باران چادر بارگاه مع الزاء جانیسر اجانب

جیرنک سیز نا قابل مع السین چرماش چوماوشاق سب جانش انبار علقه چیقش بلندی مع الشین چوچوغ کجنک

مع الصاد چوچوق بچه خوک جانلینی جاندار جیرا بلینی خبر و چوزقی دور دراز چوق بسیار چاناق کار چیقاق

آتش زنه چیاق دامنه زین چیرنی راه باریک المعاد چوراق بکر کردکون چیرلاق بچیدن چوزقلی قی چوقلماق

بچیده شدن چوردماق بوسیدن و بزرده شدن چوماق خوط خوردن و غرق زدن چوموراق غرق کردن چوزدماق

لوختی چوزکوماق نیم رخته شدن چاراماق طلب کردن چاوراق بوکوبدن چاچاق تاختن چاتاق اهم رخنه بلاکان

چیبارماق ماسیده شدن چاخراق وچاخاراق وچاکاراق فریاد کردن چاپشاق وچاپشاق حذر کردن و ترسیدن و

پرهیز کردن چاشاق وچاکاق وچاقاق گزیدن چاقاراق گزانیدن چیقاق وچیقاق برآمدن چیقاراق وچاغاراق

برآوردن چاقاق نواختن چاپاشاق چاوردن چیچاناق زیر کشتن چیرناماق بچیدن چیچاق دریدن چیکاق کشیدن

چیرکاق مکر کردن چیلیکناق حذر کردن چیتاماق خائیدن و بیهودن مع الطاء چوچوکر شیرین چاکک وچاکک

خیار چیک بکش چیک خام چوراک نان چالیک نانی تنک چوباک سنگ نر چریک لشکر چوروک بوسیده چوچاک

اف نه چیرنیک خوش رو چیت کنجه غزکوش مع الدال چنال شنال چال پنج درخت و دوموی مع الذال چاقان

برق چاپقون باد و باران چادر نقاب چیچان کژدم چیچن مگس چیران آهو و چیاره چیچن دانا چوبان ستاره کاروان

کش چوکن زشت چین راست چاپقولین جنگ شمشیر مع الراء چیلد و غمان چیرکو جوان قابل دوا نا چوقو شقیقه

مع الباء چاله ریک چیلوه کشت چوکه کهینه اشتر چوبه خوک بچه چاغه بچه درنده چوره خواص چیرده آسیب مع الیاء

چالی

چاشت اصول چشم چوی و چهره دختر غلام چیرکلا جوان قابل دانا چیغای فقیر چالغوچی ساز نده چیلد کچی طشت

چاوله و چوا جوره چای رود خانه چوقورغای جمل چالبوری دستخ چوهری مغزی چای غلیواج حرف الدال

مع الالف دادر دولالک یاد مع الجیم دوراج تند رو مع الراء دوره هست مع السین داد کشش داده کاردن مع الشین

دیاغ کام دو داغ لب مع الصاد دیر توق پاره دالاق سبز مع الطاء دغلماق داغ کردن داغلماق

دوختن و بر خردن و داغ شدن دیماق کفتن دیکماق دوختن و بر خردن دیلماق سوراخ کردن مع العین داداک

داه کاردن دیکت تا مع الغین دولول نیم پخته دول بند دستار دکول نیست مع الفاء دوتول دود مع الواو داقو

پوستین شب پوشش مع الهاء دوبوله کاه خود مع الیاء دوبای جاوری کاردن دولی سختی کردکلون اسب دزدیر

کلم کرمیدا شود داغی دیگر حرف الذال مع الالف ساماکند ساچا آبکینه خوش مرغابی سر جاکجنک مع الباء

ساپ دسته چوبین کیف چهره ساب دسته کلی مع التاء ساب تا جیک سوت کیر خورد ساد دنه ترکش

سورت بلدن ارخر و خرو مع الجیم ساج سرسناج اتان سوکوچ دشنام ساتج طبق ساج تابه اسرافی سرسج مع الحاء

ساتج طبق مع الراء سیزاده کاو سیر کرساقور الکی سینکر و سیر بلی سوقور کور سیقاق رسیقاق کاو سر سوقاق چاقور

بزنده حکم سقاد دارد مع الزاء سمیز فربه سکیز عود هست سوز سخن سیز شماسا نیز سیج سب مع السین سپاش

سیج کاب مع الشین سلق تندرست سارغ زرد ساچ باغ مولی بند سر مع الصاد ساوق ساوق ساوق سارماق

سم کاو سلغیق ترش سلق تندان سقاق غبغب سویق آبکینی سار ساق سیر سالینیاق کاو سندی ساوق دستار

ساداق ترکش سالینیاق نردبان سیوق و سینوق شکسته سقاق خرخشه المعاد ساوکاق بر پاشدن

ژیاد دادن ساغلماق و ساغماق و ساقیماق در شیدن شیر و هوشیار کردن دندرست کردن ساچماق پاشیدن ساقاق شوخ

ساقون الاق و ساقون الاق چیز را خریدن سامانق شماکردن ساوقماق و ساوماق و ساوناق گرد کردن ساجراق

و ساجراق جست سارغاماق و سارغاماق و سارماق و سارغالاق زرد شدن ساغدماق و ساغلدماق

ظاهر است تن دکلدا شتن سقیماق یاد کردن و حذر کردن ساغیرماق کرشدن ساماق آلوختن سالیماق و سالیغماق

سبوش جاروب کش

سار و سماع نیر

سماق ماهه ساق شوخ مرد

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی
ملک و موزه ملی موسسه کتابخانه

صحت یافتن سیمیاق یا شیدن سیمیاق بمراتخاب کردن و برچیدن و خایه کردن سیماق شاشیدن سینیاق
و سینیاق و سیکاق و سیقاق کنجیدن و جماع کردن سینو شتورماق کنجانیدن سیقرتیاق و سیقرماق دوانیدن اسب
سیمرماق قره شدن سیناماق از مردن سیمغاق شکسته شدن سیندرماق شکستن سینیجیاق چیدن گلها وغیره
سیتوقاق خوش شدن سیبوکاق محبت داشتن سوزلاماق سخن گفتن کردوماق راندن سوجاق بوست کندن
سیورماق روغن سرکاق دشنام دادن سایماق شاشیدن اشتیاق مند شدن سوتوماق کشیدن سقاق
بخش کردن ح الکاف سینکاک کوزه سونکاک استخوان سروک اسم سلوق یونک خرک دی سیک گیر کولوک
زلو سینکاک شکسته ح اللام سقال ریش سوتقول دست چپ سینطق خواهر خورد سیوکال سیولوی راه آب ح المیم
سوتوم ح النون سوغون نیلوفر یا یاسمن کاسیغان و سوجغان پوشش خوردو کلان سوقوق خنده فرمر کوچکین
توبیسان کاه خشک سوقان بیاز سین توسان دستار سایرون سرد کرم ساقس عدد فرد سیسنطان
بندوق کلدن ح الواو سوآب سا توبام خانه ح الهاء سیره پی سول یاقه طوف چپ ح الیاء سینکلی یاپ سیورماک
جاروب سولدی شکوفه شدن کل سیکاگیر سانا قشی حساب حرف الشین ح الالف شیر غاصیه ح السین
شیش سیخ ح القاف شاکوراق و شاکولاق سم کاو وغیره شقاق زنج المعاصر شاق ماق جران شکست
شاق تیغ جران کردن شیلغاماق صید کردن شیشماق دردم کردن و دا آسیدن شینیاق و شیرماق جوشیدن
شاشتورماق جران کنانیدن ح الطاء شاکولاک سم کاو وغیره شتیک باران شش کرابز ح الفاء شودرن
شبم شولان عصا کرمی برای عام بیزند شکون بیس شاپین درن باین تمرازوشت باش تخته آتش شوقون جیب شرون شبم و سم شجغان
صبح ح الواو شاتوبام ح الهاء شیره صید شوبله همچنین ح الیاء شاتریام حرف العین غرماق لاف
غوغان اسب عیک غوغا جین و غوغا جی کوساله مرسار غیر اقوبا شم غوماماق لاف زدن غجیماق خایدن حرف القاف
ح الالف قاباکره قاتلماق قاقوقوقاق رضاکلاع قابین آبا بدزن قابین آغا برادر کلان زن قوشاز زمان هم عمر قیاکی
قابین آتا مادر زن قابیداق قاسا کی قاوورغا بهلو قوتیقا دلو آب قاجوغا لنگی رسیف قاریجا غا مورچه قاراسیا قوموقا
قوتوزاق

قزاقلاق لاف زدن کردن قزدمساقاق قزان شدن قاچاق اندودن قاچاق کردن قاچورماق کریز اندیدن قالاق ماندن
قارلاق قزاقلاق بیمار شدن قاراماق قزاماق کاهدن وجیقتن وسیاه شدن قاایماق درکرفتن شدن آتش وجز آن قاقاق
کرفتن قاتماق سرد شدن قاداماق بریان کردن قاادماق بریان شدن قاایماق قاقایماق برکشتن قیتاراماق
کهاییدن قیتماق کشتن قاادلاماق آواره شدن قاتیماق صاریدن قیتماق جوشیدن قاادلاماق وقاباماق کجاوه
شدن قاطاماق وقلاماق تازیدن قارغاماق قاماکردن قاتلاماق استاده شدن وطاقت آوردن قاقیلماق
وقاقیلماق نفرین کردن قازاماق راه زدن قاچاماق بجل کردن قالقماق برخاستن قالدوراماق برخیزانیدن قیقماق
وقیچماق بیلماق وقیچماق خوف کردن قاقماق فریاد کردن قیلماق کردن قیتماق وقیتماق کزاه شدن قیتراماق وقیتراماق
سرخ شدن قیتراماق سرخ شدن قیتماق شکیبه شدن قیتماق قبل کردن وتعاقب کردن قیتماق فرا آمدن
قاتوماق ماندن قاناماق خون برآمدن قاناماق خون لم کشیدن قیتماق جوشیدن قیتماق تنک کردن
قیتماق وقیت

کوچیدک زوداور کوچک سک بچه کوتلاک سایه کوکچاک خوب صورت کوچیدک پیران کوتوک وکوباک سک کاردن
کوکاتک وکوکتک جند کوتوک کف دریا کوراک کشت کبنک فراخ کوماک فرو رفتن ح اللام کوکودل کوزل
محبوب ح الیم کوفارادم وکوقوردوم درشت کردن ح النون کوکل روز وآفتاب کوکلان جوان تابان کوجان
صاحب جاه ومال کوکن آیدین بیرون باهتاب کوکاجین کبوتر ح الواو کوزکو آشنه کرکلو خنده کبوداماد ح الهاء کیمه
کشت کیکله بس سر کیم بوشن خورد کاته دم بر بره کیکلین باته طرف عقب ح الیاء کیجی کشت کریه خارکشت کشت کسه
کاز اجیی راه زن کوبی زبردست کوکاجی ساز ومحبوب کوچی محل کیسکی کهنه حرف اللام ح الالف لوکاقوزبای
باران ح الکاف لیک شیر کمکه یانه لاجاک چاه درزمان ح النون لاقون کوزه لاجین شب بین ح الیاء
لوی نهنگ حرف المیم ح الالف مافا خودنی مونداد اینجا مانکا بمز مینا ندا موبخاق لاانتقد ریار
میبا موسر ح الواو مانیا رکله هندی ماما رجوان مامور رکها ح الواو موزیخ موکوز جوان میز ما
میز زود ح النون میغ بروت ح الفاء مامونی بنبه میقتی بندونی موندراق انجیبی مابروق لاغر
وازیای مصوب المصادر میغانی سوار شدن بیندو رماق سوار کردن میغزمانی زود رسیدن مانیارماق
کله مندر کردن ح الکاف مینانک بیکی مقرر مینک هزار مانک خال میر مجاک عدس موجاک پشه
ح النون بین من ح الواو موآیا ح الهاء مایه ماده بشتر موکهه اینقدر رموته آئینه ح الیاء می
ندا مانقدری ومانکاری بیشانی مینی مغز سر حرف النون ح الالف نیما ناجه چیز بیجاقا لاجیدیا زنجاایبا
چون است نیکاجرا ح الهاء نیجاقارت چند بار ح الواو نارانار ح الفاء نازنین عشوه دار ح الکاف
نهنگ مردم چشم ح النون نیجان نام اوسه نیما اوچون ونا اوچون براناجه ح الواو ناغوجرا ح الهاء
ناغاجه نواسه نیمه چه نیجه چند ح الیاء نی چه بیتی چه کردنامی الطرف نیتوری چکونه وچه قسم وچون است
حرف الواو ح الفاء والاماق مالیدن ح الواو والعقیب حرف الهاء ح الالف هوراباباف
ح الجیم ماچ جدز ح الراء هولکار بیرون هلکار ماردن ماریانده شو ح الفاء هورکاماق رمیدن

ماماق

ماریاق ماشتن هورکوتماق رمانیدن ماراتورماق مانده کردن هوراماق موی باشتن هرنماق ترشدن
ناکاریماق اوندرکشدن ح الکاف هورکسه برم هوبوبوک هرهر ح اللام هول تنر ح الیاء ماکاری
جهار مغز اوندرنشو چست وچالاک وارانستر ماریتیانه نمای حرف ندا هوکوبوم حرف الیاء ح الالف
یاماق کنده وکریبان یازنانه خواهر خواهر یوبقاق این یوقماق تمک یاراز یوبغاسب راه دار ح الباء یوبت منزل
یات بخب یات بیطانه یات شرم یونت اسب یوقوت ویوغورت ماست یاللغرات موش کاردن وکنده
بورات رسم ودستور ح الجیم یبخاج ویاغاج چوب درخت یاللاوج ویاللاقج ویولواج منبر از طرف چپ یاللاقج
هم منه ح الراء مغور زنا مغور باران سیر زمین دجاک یار دوست یاکارزین ح الزاء یولدوز ویالاد دوست
یوزالله یوزشتن دوریوز عدد صد یوزروی یوزبوست یکن یاز بجاره یاغوزتیها ح السین یوبارس شیر
ح الشین یاعیش یاران یولداشتن همراه یاتیش خوابجاه یاشش طفل دوشک وسن پیر کهاره یادشتن دام
یارانش اشتر یاادشتن نان یاشش خوشه زراعت ح الصاد یاقراغ برک یاریج فرمان باغ روغن ح الطاء
یاروق روش یارتلوق روش هرم خواه آتش دانقاب یاهتاب یاریاق ویاقراق برک یانقاق چهار مغز
یانقاق دنبقاق رخ ره بیاق بیاده یازوق کناه یاصنوق تیکه یارلیق فرمان بوق زنا یادوق نزدیکه بیراق
دور یاراق سلاح یاقوق نرم سیر توق یاره یوروق باشت یالاق کاسه سنک یاتلوق ویالاق
جالاک بستان یاراماق زر یوروق بهقه مرغ یاماق بیش بدی المصادر یوماق نشستن یوتماق فرو بردن یوروماق
یوست کندن یوروماق راه رفتن ویراه زدن یوداتماق روان کردن یوکوماق دویدن یوروماق یاده کشتن
یوکلوتوماق دولاتیدن یوزلاماق ویوبت یوزماق رو بروشدن یوبرغوتماق ویوغورماق خیر کردن آتش وغیره
یوغوماق ترکردن یوبالطلماق دیرشدن یوغماق تراشیدن یوغاماق تک بطرشدن یوقماق دیوتماق
تنک شدن یوزیاق شناکردن یوکماق یاربدن باران یوبری ماق کنده وبیمه کردن از قسم میوه وغیره یش ماق
نرم کردن یشماق نماق کردن یاراماق آفریدن یاراماق بجاراماق وپریشان شدن یالاماق دروغ خواستن

یا راق و یا رمیاق چاک شدن و زخم شدن یا تاق خفتن یا تغوزماق خوابانیدن یا غلماق جرب کردن و زخم مالیدن
یا غلماق و زخم مالانیدن بیغلماق گریه کردن بیغلماق گریه کنانیدن یا غماق باریدن باراندن یا ماق راست
کردن و بر خاستن و ارامستن یا ماق راست و ارامسته کنانیدن یا لاماق لیسیدن یا زماق نوشتن و ارامستن
یا زماق نوشته شدن یا زاماق نویسانیدن و ارامستن یا پوشماق چسبیدن یا پوشتورماق چسپانیدن یا شوردماق
پنهان کردن یا شوردماق پنهان شدن یا ارامستن یا آتش کردن یا پیمان پوشیدن جامه یا پیماق پوشیدن شدن
یا ماق سوختن و آتش افروختن یا قماق خوش آمدن یا نچاماق چکیدن یا بیماراق و یا باراق فرستادن
یا یماق پاهن کردن یا بیماق پهن شدن یا شن لاماق ترکردن یا ماق زرقن و برگشتن یا رقدماق برآق ایستن
و معلق شدن یا زوقماق کنار کشانیدن یا زیقماق آمیزیدن یا شیماق سبز شدن یا تغوزماق تنها شدن یا شیماق
باریدن باران و غیره یا رالیق ماق زرد شدن یا یکیلماق سبک شدن یا رماق پاره کردن یا رماق پاره شدن
یا زماق و الکردن یا زیماق واشدن یا یوزماق روشن کردن یا برتماق پاره شدن یا یوقماق نزدیک شدن
یوقلماق گم شدن یا وقماق غنیم شدن یا قماق دیگر کردن یا آتش بیغماق جمع کردن یغنتورماق جمع کنانیدن
یا ماش رماق پر شدن یا یماق خوردن بیدوماق خورانیدن یقه لاماق کناره گرفتن یقه دماق افزودن یقشماق
یکدیگر شدن یماق کندن یدیماق نازار کردن یلاماق لیسیدن یوقماق در خوردن یوکلماق بار کردن
یوکلماق بار کنانیدن یتماق و یتشماق رسیدن یتکورماق رسانیدن یلاماق گریستن ح الکاف
یوراک دل یا رباک برگ یا لنگ بر همه یوکورک اسب دونده یوبونک مرغ یوک بار ح اللام
یولداه راه یول یکن یا تیل رنگ سبز یتیل سال یوتال سرفه یال روغن ح المیم یلدام زود یاریم نصف نیم خردن
یا تکیل سبک
یوقرم نرم
یاشن اوزرم خرستر انگور یولداریم برف و ابر ح النون یاشتین برق یلدرن مارمیان و یمغان فیل یاغرین
شانه مهره کتف یامان بد یالان و یالغان دروغ یوغان سحر و کنده یوبرین کردن یان پهلو یورن و یالا و ملحق
یالنی خراه
افشن
لحاف یوغان کرد یوکون لجام یالاقون بلخار ح الواو یوبر یالا و علم یاد و دشمنی یوز نکو کاب یاغلا قو روغن

ح الیاء یوبلی و یولاوجی راه بر یار بی مفلس بازی میدان و دشت بخشش بنگ یای کمان یوقاری بالا یاست
یاغلی یای چهار حصه یوبری کنده شده یوری بچه هر جانور یاتی لغو
ماضی غایب قرب اوقودی خواند اوقوماده خواند اوقوبلدر خواندند اوقوبادی لار خواندند ماضی غایب بعید
اوقوبیدی خوانده بود اوقوبیدی نخوانده بود اوقوبیدیلار خوانده بودند اوقوابیدیلار نخوانده بودند اخوالت
ماضی غایب اوقوبتور خوانده است اوقوبتورلار خوانده اند اوقوابتورلار نخوانده اند
ماضی مخاطب قرب اوقودینگ خواندی اوقودینگیز خواندید اوقوادینگیز نخواندید
ماضی مخاطب بعید اوقوبیدینگ خوانده بودی اوقوبیدینگیز خوانده بودید اوقوابیدینگیز
نخوانده بودید متکلم وحده قرب اوقودیم خواندم اوقوادیم نخواندم اوقودوک خواندیم اوقوادوک نخواندیم
متکلم مع الغیر بعید اوقوبیدیم خوانده بودم اوقوابیدیم نخوانده بودم اوقوبیدوک خوانده بودیم اوقوابیدوک
نخوانده بودیم امر وهی غایب اوقوسون بخواند اوقوماسون نخواند اوقوسونلار بخوانند اوقوماسونلار نخوانند
امر وهی حاضر اوقونگ بخوان اوقوماگ نخوان اوقونگیز بخوانید اوقوماگیز نخوانید مضارع غایب
اوقوار اوقوبیدور میخواند اوقوماس و اوقوبیدور نمیخواند اوقارلار اوقوبیدورلار میخوانند اوقاماسلار
و اوقوبیدورلار نمیخوانند اخوالت غایب مضارع بعید اوقورسا خواهد خواند اوقورماسا نخواهد خواند اوقورلارسا خواهند
خواند اوقورماسلارسا نخواهند خواند مضارع مخاطب قرب اوقورسین میخوانی اوقورماسین نمیخوانی اوقورلارسیز
میخوانید شما اوقورماسلارسیز نمیخوانید شما اوقوبیدورسین میخوانی اوقوبیدورماسین نمیخوانی اوقوبیدورلارسیز
میخوانید شما اوقوبیدورلارسیز نمیخوانید شما مضارع مخاطب بعید اوقوماسین خواهی خواند اوقوماگاسین نخواهی خواند
اوقورگاسیز خواهید خواند شما اوقورگاسیز نخواهید خواند شما مضارع متکلم اوقورمین و اوقوبیدورمین میخوانم اوقوماسمین
و اوقوبیدورمین نمیخوانم اوقارلارسیز و اوقوبیدورلارسیز میخوانم اوقورماسلارسیز و اوقوماسلارسیز نمیخوانم
اوقورگاسین میخواهم خواند اوقورماگاسین نخواهم خواند اوقورگاسیز خواهیم خواند اوقورماگاسیز نخواهیم خواند

ادقوجی خوانند ادقوتکوجی خوانند ادقاق جاق وقت خواندن ادقوقای سیر جاری خواندن

ضایر اسماء ذات و صفت بر این بولار اینها اول او اولار آنها موندا اینجا اندا انجا موندا ایچیندا اطلاق

ایچیندن ایچه ایچی را ایچه چند چوک چون کیم که کیمدر کیمدن قایسی کدام هر قایدا کجا قایان کجی موچه اینقدر انچه انقدر اولان

همان اولتبو همین قاچان کاچانه ایچه چیز نیتی چه کرد نار اطرف سیری اینطرف بوق نه بوقتو نیست بیتا و ایتا بار

اوتار دیگر چاچاری همه انقاچان منطالبس نسالی بتو بیتا و ناچه چرا ایتیز کاچا سیز کاشتی بیتا چرا ایدی اکنون

اینتنگ کی ازاو مینتنگ کی ازمن سیز نیتنگ کی ازشما بیس من بیس تو بیتز ما سیز شما ازینتنگ چه را دادر

کابه نی راه ایس از دور و نزدیک است بار و بار دور هست ضایر غایب آن اول او ضایر مخاطب

بو سوبون موتن این ضایر مخاطب سنی سیس تو سیز شما اسما و متکلم بنی من بیز و میز ما اسما و دیگر اوزی

خود اینا اوزنا و دانی دیگر اوزکاسی دیگر ملحقات اسما و ضایر ذات انگدر آنجا ان ایدوان بیلد

وان ایدن وان بیلدن وان ایدوانی بیلدیانی ان آن سیز بی آن اندیک تا ان آن تنتک تا آن آنی وانتنگ

وانیکن وانی وکین ازانی اندا اوانجا وان انکا و انیا کابه آن آن ارا وان اوزتا وان ارانا وان ایچیرا در میان آن

آن ایچیار اندرون آنی آن تا تنقار بیرون آن آن اوزرینا وان اوزرینا وان اوزینکا وان اوزینکا وان اوستیدا وان اوستینکا

وان بیقدری اول اوستین بالای آن آن قوینی آن ایستیدیلا بیش آن آن کیمی وان کیمی بس ان وقت آن آن اطغار

پیش آن آن آلینی کشی آن آن تنتک برابر آن آن یوزدب یوزبو بری آن آن اندین ازان آن ایندی ازان او

طرفینکی ازان اوانی یانینک نزدان آن او چون وان او چون وان ایچون برابر آن آن موتوق بدوان و آخر ان

بودون آن بودون اول آن ان سونغر ابدان و آخر ان انقدن و انی قالان باقی آن لغات ضروریه مثل ندا

وغیره که تعلم ضرور است اول اوازاسی و ماسی و میسی ندا موا ایکس آیا بار یدی و ایدی بود بار و تو در

و کیمی بست یوغ دیوق و یوک و یو قتو رو دیکول و بار ماس نیست اوق و بیس داری بلا قایسی و کیم و قایسی

کدام کیشی کس کیم کیشی و قایسی کیشی کدام کسی و کیشی کیشی ایضا کدام کس اول سا همانکس اوشان اینها اوزشو

همون

همون اوزشو همین هر بیرلیک و هر بیرلیک هر کدام و هر بیرکا قیانی و بیر و نا بیر یاقه کدام طرف اول یاقه اطرف بخاقه

و بو یاقه اینطرف تو زیاقه طرف راست سول یاقه طرف چپ کیش یاقه طرف عقب ایلکاری یاقه طرف پیش اول لوح ایچیاب

بولوح ایچیاب قاید اوتاند اوقادی کجا ایلدیلیب و بلدیلیب اسلار کجا اندا اینجا اوشتا ندا کانا اندا کاچانا انجا اوشت

تا اینجا تا یاقوق و تا بین نزدیک اسراق دور جو دوق و اوزاق دور و دراز قاچان کرکدی کجا اوزاکون بیر بو روز تو تا کون نه بو روز

بو کون امروز کون روز آی ماه ایل سال اول ایتیل ان سال بو ایتیل اسال ایل تو ربا رسال ای یا ستیلی اول ماه تا ای ماه

اقتام تام کیجا شب یا یم کیجه یم شب تا تمک صبح یا یتا یکی تا تو تس هم روز ایکدی وقت حمرتا نکلدی مولود اوات و ایلدام

و متر زود دات راق زود تر تو زرک و تو زکان زود و دراز دات و ایتا ده کیچ و آج دیر نیما چه نیما سا و نیسا و نیسنا چه

چیز نه دور و دینا دور چه بو ز نیتو چیا چه اول انچیز تو لب این چیز بچا چه قدر قارت و چون قی و چیس ایسیا رکوب

بسیار و کلدن کو سیراق لیسا و کلدن تر اکثر اکوب بسیار بسیار آز کم ایسیک کمتر و خورد تر و خورد سال طفل و کیچه هر نوع

آز راق کمتر آز تو ق زیاده تا موه و تو کل و تو کل عام و کل و جمع یا یم نصف یا یی اجا و حصه بیر توق پاره لیتی

پاره و کمتر و خورد تر انچا انقدر موچا اینقدر اوشتا انچا اینقدر اوشتا اینقدر اوزاس بیچوک و بیتوک و بیتوک چکوره و چیم و چون استر بیچا نیا

چون کست اشاق انچیان و انقسم مو نداق و بو نداق انقسیم اوشت ندا ق اینا تقوردها نقسم تو بلا بیچیس بیچا لا و بیچا ذات

چند بار انچا قدر قالا و انچه قارت انقدر موکیان انا اینقدر بار بیچا و چون و سا چون برابر چه آن او چون برای ان اسماء

ضروریه از نام خورد و کلدن و کب و صفت و عیوب و غیره که بهر کس تعلق دارد ت تو نام آن نام ایرکاک نر تنک

و دیشت ماده اوشاق خرد سال و ریزه و طفل بچیک خرد و طفل بچکینه خرد تر چیز خرد کک یاش طفل ایکیت

و ماغا جوان جمال دو مویه قارا سقال سیاه ریش بو یوک کزنک قاری پیر تو لود تو لا و تو لد پیر بو لوک نر نکلا کاتا

کلدن و بزرگ اولوغ کلدن کچی و چیر بیک و چیر نیک خوشی رو کوکان جوان نکه بان کوکل خوب نا ریق عزیز دار

ناکری و نه مرغ چیچی ان دانا چیرکا کو و چیرکا کو جوان ناقابل یا اوشی نا دان بیرمک سیز نا قابل ایب و بو کا بهوان کو جوارک

زور اور کرای زبردست بول مردانه بو بلوق قاقه اور و دنکین ایشت ایکنتی جوان کار آمد نه ساغ تندرست و صحت

خشت بیچارهٔ قیتیکو کوز چاشنا اولی چشم بوجوق بیتی بریت تازگل ایزان پاقتاک کنگ ایلان تیل سیز یلان زان ساغر
کوک اوق بوز لقف خنگ اوی چیر کیتی زشت کوقاردم وکوتوردم درشت کی اراق قی لنگ یوکرک دوزنده سلغ
بشیار راه سوزک مست بوی بجر اوبلوک کرخر ایا نوز تهایلیغی تحیت سیر سیری دین از بکه بیرکا باهم بیرکا
باشقه باشقه جدا جدا ایرو جدا اولوس بولوک قوم بزرک باشیغی سردار قوم اولکا وایغا وایلی ایلیغناق مردم ایلیق
مردمدار کوجمان صاحب مال وجاه نوغان مال دار بای زردار توقتاغ بخشم سیر توق کوز سیر چشم قاچاق بیل
چیغای خبر آروغ کای آج کرسنه بوش مست آروغ لاغر ایلیق الفا لاغر سیز فربه یوغان سلهر زاحاضر جواب
جالیوز کستاخ جوز رمغز ایلکی نایر در یک بلند مرتبه کوکوس مرد متفکر متحیر تنبل دیوانه کوکاجی سرو خوب
سولوق ابدار قوتسچی بازدار تاچی چوبدار قاقاجی راه زن قوتوچی بید کلکنده یازقلوق کلنا هار تیمور چی انهر
اوقوتوچی موزه دوز ساج باغ تکیش باف نوقاچی لاف زن قودوق لوق قازاقلوق سردار روزان تازقوق کاهو هند
تاشقوزدم بیرزن اوسری زن دجا لیوچی سازنده بلوک جامل ساوق یوزنگ اوزی جوبوک غنیاجی جول روز
اسماء آباء اجداد خویشی و مبارز و غیره آتا پدر آتا مادر اوغ آتا پدر اوغلان اوغ آتا مادر اوغلان آتا کابد رضاعی
آتا کاما در رضاعی آتا بین پدر زن خالی اختیاری آجا مادر خالک خویش پدر برادر آجوم آتا کاما عم رضاعی آتا بین آتا پدر زن قاتین آتا مادر زن
اکا و آغا و آتا برادر اوغلان اوغلانی برادر مادر ایکا خویش پدر اوغلان اوغ آتا جو بوزک کچیک آتا عم خورد آتا و آجی خواهر اوغلان
قاتین ایکاجی همشیره کلان زن قاتین آغا برادر کلان زن سینکیل خواهر خورد زن قاتین اینی برادر خورد زن خاتون مادر
دو عورت زن کوچ کوچی محل قارداش برادر باجی خواهر جاجا عوف بالدوز دایه زن تنو برخواهر ایرو برادر اوشقا شوهر
قاتین بین ساز داد خول پسر اوغلان پسران دختر زن اوکای خورد زن سیسی تیز دختر کیز داماد تاریند اشتی خویشی توتی زن بیوه بوش اعلی تاجر
قوشنا زن بیم خواهر اوغ بیتار توقان زائده آتالیق وداد اوکی دایه ایرداد اوک داه تیم جوز را خواص جوبری دختر عدم قاداش
داه نوتیک ادمی عدم کچه توغان و توقجان خانه زاد قول کوکا علم کوراشی اشتیاب بیجانه اعضا و اطراف
و اجزاء بدن و امراض آن باش سر تیبا تاوک جبهه و جبین متغز سر کیجا پس سر ساج موی سر قیل و زک موی

قاباق

قاباق قاکل مانقد بیشانه قاش ابرو کوز چشم کیمر کرپ قرنجان قاپاق وقاباغ وقاباک پلک چشم ایاک دهان کوموک
چشم یاش کنگ چشم تار رخسوه یات شرم یاقاق قاش رو کوزک کوزک حسن لیسیک و ملک خال بوز چاک لف قولاغ و
کولاغ کوش چاک عقب کوش بورون بینی بوتوز بین برده سیغ وباق بروت دودماغ لب اغیز دان کولکوشده تیش و
تیشه دمان تیل زبان دماغ دیماغ کام دخوز و بوغوز دان حلقوم شقاق رخ ایلکاک دقنی ساقاق دوزقان بغجه
سقال ریش بویون کون کوکس دوش کوکوس سینه آرکا واز اجا والیغی پشت ایچی کوا آیین پستان کوت
دوک شیر ایکی والیکی دوش ایچ شکم قاین شکنبه یاغیر جکر یاغرن شش تاریق ایغان سه والوس پشت بورک و
کوکول دل اویقا شش ایچکوزده ادت زهره والاق وتالاق سبز بوراک پرده کوندک دیکندک ناف
یان وقاور جاهلیوسل کمر توتوغ بیل چوتوغ تیغیقه فاری بازو تیسک ارنج قول دایلیک دست اوچ دایاو
حلقان کف دست اوکقول دست داست سوتول دست چپ چیشیلاق انگشت کلدان اوزتاباق انگشت میان
بوغان دبوغون دبیلدک بند بای دست بارماغ انگشت بوموق مشت دست تیرزانو بوت ران ایچیقی اشتاک
ایوک دوجاق ساق ایاغ بای تیرناق ناخن تمان باشنه تالاق ته پاشنه اولیجا ایغاته پاشنه بیلدیر مرکب بای سیک کرکوت
کون آم فرج قیناق وقاساق وقوناق خصیه ایزقم شالاق جاجیق بوی قد دورنک تیز و تیرچیس حرق قوزک
دیتیری پوست سوکاک استخوان سینکری دسینکر دسیز دسیز بیاکاک قان خون ایت کوشت اوتوق
پالچه ماموز تاماز رکاسوز سنی سیب چهره کوچ زور قوکاک بیلدیز اوغ کیز بقاق غیازه آت کوکنده اینک تیز
اوسوروق کوز بوقاکوه اوزوک چیرکوک قوقوتو قاریش البتا ماوالیت تب پسرکان تب لرزه چیچاک آبله
تاوس بخش حمل بوزک مرداسه ایکیش تاج چیلق تاج دلوماسر اقرع سرچ بالیجاق کلیوش
سایدن دقوقسان دوزق بند دجا ملاد ستار توتن قبایلاک چارقب ایکین یکتای جامه پیلاچ
کمربند ایشتان دابرتون پای جامه اوچقور ایزار بند باغ بند جامه کیش دستار چیره تون کره بند ازتیغ
کیمه جامه ماموق دادتوک داوتون موزه قونج ساق موزه باشقاق دبانق دبیت ساق کفش براق وسلخه

موسسه مطالعات و موزه ملی ملک موسسه کتابخانه

وغیره قوغ علم یاراق سلاح قلیچ خنجر یراق تبقه اشنیش قیپیچ غلاف تیغ ایتیک قاداق تیر ادلوک جوب تیر
یاشاق دماشاق دبوشاق بیچان بوی دبولدی بیر تیر ساداق دساداوت ترکش یای کمان کرکش جبه کمان
قابق دجیلکو بدق دشته قاقان کیر ساروا سلاح قرقان ترکش قابین غلاف بیران دوبولغ خودقا تولو
جوشن بیلتیق بندوق شیشکان بندوق کلاله یاجی نیزه باتو تیر مهره دمهرا بست تیر ساب دسته
تیر توازی کرز بیچاق کارد قایراخ دبیلد دسنک کارد بوشن شست دست بوشک زانه وغیره بورنجاک
یرغ قیلیق بجر لاجاک جادر زانه کوبلک سیرلاغ ساچ ماغ موی بیندوی باغ دبوشاغ کوله بند سر لوزاد
باشی اوزا بیکنه ایچی کردار بیدبوردیچی حلقه بینی الیزغا کرشواره ایلکیر مجی زهلیر اوردک اکشتر فیکیه بیلدزک
دسینه قیلاغ دکتفه قولیاق ساعد چند تیر لوک کنانو بند کرکین دخاله چشم کوز کوآئینه تاراق شانه ادی خانه
قابو دخانه ایشیک دوازه چاپیز سالیچاق نردبان شاقو بام خانه تام بام خانه دیوار خانه یورت منزل
یولیقا قالین یورقان لحاف توشک نهاله باستون تخته کیجاوه دکیز دکوشیز مند یا اولقان لحاف
اسما واشیا دضروریات خانه قاقام اخور دصاز قوغم دمیوه وغیره بوزکر باسی بوغان کز قابچی
مقراض ایکن سوزن قاپیچی کذه تیشی دب تیج دتیلیش طباق ایاغ بیاله اوجرا کاسه قاشوق چمچه بوزوج
کیلیر چاناق کاسه قازان دیک اوجاغ دیکدان کوب آتش کاو اوقلد دکز آتش شابان تخته آتش
ساج تابه چیقاق آتش زنه شیش سیخ کباب اوت آتش توتون دود کول خاکستر سیغناک کوزه
اوتون هیزم قالبور غربال قوبقا دلو آب سقاج ایغان تولوم چیک للتون کوزه یالاق کاسه سنک
ایت کوشت یال روغن بوغدای کندم آرپا جراوت ارد تاریخ دتاریق ارزن قوناق کال میر بجاک
عدس آشلیق دتاجیل غله جیلد اسجد ماموق جیلیز یغنه دمل محل غلم بیم کچه قاداوج علم بریان
جاشن انبار غله جیلک خام یاشی خوشه زراعت اوراغاق درویدن اوراغ درو ایلمی کشت زراعت
تیکیر بیل دتیکر ماآسیا الداتش یالین تراره آتش قریق دالیسیج کرم تیکان دیکان خار قابوق بوشت درخت

کومور دیکشت یاغاج جوب کوجاق کوجش یاندور دراق اوتش کوکون آتش یار دفلوق روشنی آفتاب دانش و
باشاب حرخ هر حیز ایلدرک وقا تنور خربال یار دچاق دست آس شاهین ترازو میزک جله نه ایدیشی و
ایدی طرف جیلاو کچی دجلد بچا اکه طشت آیغم دایکو چی طعام ایماک یمن دایماک دچورک نان جابیاک
نان یاریک یار لاچاغ نان قیری بوکوسمات نان خراآتشه قاندیمان خوخوط کوز لاچاغ دبوقاتلی تنک آشی
طعام شولاطعام سوروف ایتیش طعام خوردن هرشم تاتیغ تیزه تاتیغ تیزه دار چوبوک شیرین اچیغ تلخ تاقیر تخت
ایکشت ترش قاب خوان ایمیش میوه اوردم انکور قاداون خربزه یاشی اورم خوشه انکور قابون پوست
خربزه آقاب اوردک زرد آلو قوز خوز یاقاق دیبقاق جهار هر نار انار بوشاق نرم بوری کوزه شده
ساروم سلاح کیشر یاوش دردک کاپان کوزه تاپیان یاد بجان سوقان بیاز اسمای سال دماه دروز وغیره
بیر یک ایکی دواوچ سه توزت چهار بیش بنج آلتی شش ایتی هفت سیکیز هشت توقوز نه اون ده اون بیر
یازده اون ایکی دوازده اون اوچ سیزده اون توزت چهارده اون بیش یانزده اون آلتی شانزده اون ایتی
هفده اون سیکیز هژده اون توقوز نوزده ایکیرمی بیست اوتوز سه قرق چهل ایلیک پنجاه الیش شصت
ایتمش هفتاد سیکسان سیتمش توقسان یوز صد بنک هزار کون روز آی ماه ایل سال سوچان ایل سال موکر
اود ایل سال یقوز بس ایل سال بنک توشقان ایل سال نکوش لوی ایل سال بهنک اهلان ایل سال مار
تخاقوی ایل سال موچ بیچی ایل سال هیمون یوت ایل سال اسب قوی ایل سال کوسفند ایت ایل سال سنک
تنکوز ایل سال خوک یاشن سن آیدین ماهتاب کون آیدین بر قوتاب کیجی دتون شب آفتاب اشتم قاراغو
تاریکه تانک صباح اوردق روشن روز کوندز روز باردق روشنی قویاشن دقوی دکوشن دکوشن آفتاب
جوغاشن حرارت آفتاب یاز تابستان قیشن قوز زمستان ایلدق دیلدق دیالان جاش تابستان
قیشلق جاش زمستان کوک آسمان بولاوز دیالاوز ستاره هولطار بیرلین آغیل ماه چوپان سخار
کاردان کشی اولادی سیارکان ایلدریم دجاقیلین برق بید بطلان هفت ستاره هالیسر نیم صبح قیراوه کوزه دوردی

آستان قدس رضوی
ملک و موزه ماشه
موسسه کتابخانه

شمشیر قلان شمشیر و شمشیر برگ یا زهار ایسه والیس کرم ساوق برد سایه بردن سرد کرم جاسس بکار اسان و لوت ابر باران
و باد و برق ایلدیرم و بولدیرم برق و ابر بوز و یا بوز و یا بوز و یا بوز باران جایغور جایغون باد و باران بوز جایاد
قدر برف و دولاب و قوبون کرد داد شیشک باران شیشک ابر یا شیش باران شیش باران و برف لوکا قطره باران جای باران
جیهار باران ریزه ایل باد موزیخ سوق سرد هوا تر جاینک غبار ابر ابر ایش زیبل لست بول راه جیسر نی و کوهقان
سلان بابلک بازی سحر ایاغان داولانک و تو تو زدست تو فراق و تو ابراق خاک کبک کلوخ جاکاو قوم ایکیب
کولکا و جاینک غبار که تو زکلد دست خلواب و گل سامان کاه ادست علف و تلیخ علف بار بوست و اوقاغ منزل
کوچ نقل مکان بولدانش بیراه اوزکاریم دادو عایم و جیب خندق جوقور کوز تیلیا بشته تاغ دقا یا دکوکا کوه
جیقنش و اوز بلندی الانک بلندی طولانی طاشن سنک تیشنک یاقوت ریوا الماس آلتون طلا یا راو یاق و
یارماق زرکو مونش نقره یا قیرز و یا تیز یا تیرس تانلغ فلس تو و دوج فولاد قوتسون و قورتوسوم سرب تیمور آهن
برس زنک آلمنیه صار جا تیشه اوزالمیا سایب دسته کل یا فراغ یا ریاق برک یا یاغ درخت ایاغ و تیاق جوب
بودا ایاغ شاخ درخت بوی آتی زنکی بوی و بویات بویاغ و بویات زنک تورک لوک زنک جال و توب بیخ درخت
تالوق و تولوق بیخ درخت **حیوانات پرنده و غیره** اولاق چارپایه آت است الاسب ایلن اکور بز
بی اسب یابان جسراق یابان ایشک آق اسب کلا یابان ایشک قوتوان اسب دیک قوتوان اسب کمیت بوز اسب سفید تای و تولون
کره اسب یونت اسب اینوی اسب بز جیره سنوک بورغا اسب اداه دار بز کرک دوه اوز بدر و تو بچاق ایر بز نر
یاکا زین اوزاکور کاب قاجو غا اقیغ تکمه زین جلو دغان بوکول لجام تیز لکن تنک زین قیاق تنک آیل
زیر تنک یوقا تنک تیپا تنکو دامنه زین چرماق دامنه زین قوتقون دیجی اسب تاق کاوتاق دغل اسب تاقی
نعل جیقاجی چایک جوخو جاکر قاجی تو قوم تمدزین تورغای جل اسب قامچش تسمه توش کر و توشاغ پای
جلیب دمله و دام اور و قیاق اسب اصیل قاشاوج مخ تو قماق مخ کوب بوغان و یاغان نیل
تیوا اشتر بوغدا اشتر اوتمان اشتر مایه اشتر زنک کاه اروانه ماده اشتر ابزی اشتر اروانه خوکو یانه بوک اشتر زنک کاه

و غوز و بوغرا اشتر خوکو یانه توغ یشیم دم اشتر قوتوغ یاغ دکو اغوز اغ درای قار قوسون ناخن اشتر تیرنک دم بدم
لیش اشتر چوکا سینه اشتر خاجار و قیتر اشتر سیقار و سیقر و ادی کاو ادکو زنکا و اینک ماده کاو یاد کوکن ارز
بوقانر کاو سیر ماده کاو قوزیلا کوساله ماده تاتا و تایا و تو زکوساله بوبوز و بیبوز و مونکوز تیغ تشنکو اق و
دشت نکو اق سم کاو و بیغو سوت شیر باغ روغن سماق دوشیدن شیر و غیر این بستان شیر دار قاتیق و بو قورت و
بو قورت حیوانات ایران دوغ قورت دوغ خشک کره ساغینی کاو مش غونا جی کوساله دو ساله او و جکو داو جکی تیر
او غلاق بزغاله تیکا بز کلمان نر قوچ کوسفند شاخ دار قوی کوسفند هوتجار و قوچقا کوسفند سرقوی بز کوسفند
قوی روح دم دنبه قیلیتی مغز اش پشیم کبر قلاقوان جاکر کوسفندان اوتلوغ چوپان کاه اتش کر هزالا بچه بز بوغوز ایش
دنکم دو غیر غیر الاتن **حیوانات درنده و غیره** ارسلان دیو بارس شیر قاپلان پلنگ یاپرس بوز
چیران و ایک آهو بوری کرک قوت کرک یاغ فارا و اولاغ سیاه کوش دولتی کفتار اپیچی بز سس چوچق بچه توس
توتو و دو تو نقر توک جر یا بچه توک جیغان شغال یوغلا بچه درنده ماجوق قاپان کوزلان قوزان دولاق
و غوزک و قوروزک کری غرقوش و جیک و توشقان و تاوشقان خوکوشتی تو تکا روباه بیچی مجوس
قوم نم و قوم نوغ نول پیشی زاغ نول سوچغان و سیچغان موش یا لالغوات موش کلمان کزنده کیلمان موش
خرما کبر طاغان بیشک کربه ایت سک کوروک و کوباک سک کلمان کوچ بچه سک اوستخار
اولاق نظر رکاه شیر خاصید تو ردام توشاغ حلقه دام سامان کمند قارچاغا باز چوقر و جوزا باز نر
لاچین شاهین سونقار جانور دست شکار ایتکو و تاکو جرچ چاچا و اجوره جرا و قارتو تیشه قار قوش
عقاب جرباک شکر مرغ یا بغو دیا بغو شکره توش جانور بزنده قوشخانه خانه جانوران تو تک کوزیر خانه
تاش تو لاک سنکا که جانوران تاکو زنبر سم هند و تیشی بازدار لوکی ایتک ایلدن مار اشتباغ و تو شباغ
سنکه پشت قوریاق غوک سولوک زالو یا بیچ دو توم و سماق ماهی تو ریا کلنک انغب و انغیش سرخاب
اوردک و سوا مرغابی قاز جانور صوف باغر قرا سیاه بلبل مرغیت بلبل باشی سرخ بیشانه مرغیت کلنک

بنیاد موسیقی ایران
ملک و موزه موسیقی ملی

بلکه توانش نشر مرغ کاچین کبوتر بهد مرغ چین عل دوراج و تورانج و قیرغاول تندرو جوجه مرغ و جوجک و مرغ چاچک
تیغ خوانی تاقو مرغ تاشیق سنکلان مرغ قصات بالان مرغ جول مرغ دیر مرغ جالور بوبوک مرغ قره مرغ و قاسر مرغ دم
جالور بوبوق بیضه اتیاغ خرداتاغا برزه مرغ تولو تولو اوتولا مرغ بوبوک هدهد هرکوم کوکاک و کوکوک و
بالیوش جوجه تاغا و قاسر مرغ تاغ بوری کچه هر جانور دیر ترش بود ناچای و قوچ جالاق خلبوج ساق ان عسل
قاران بلوا سرق تولون کرم کوباک و کوبالاک بیر داسه چیر بلکا و چاور تکاغ آرداداری زنبور بور کاکایک بیت
شوبوش چیچین مکس بر چاکر پشه قاریچاغا و قوتور قامور چیچان و چیچان کزدم اورو بچاک و ادرو و چاک
منکبوت تورت و قورو دیتکا کرم سای و تنکیز دریا قاق تالاب بولاق و بالاق چشمه ایاق جوی آب
آریا و بولوار آب جای رودخانه کولوک نکت دریا موز یخ قوردوق و اوقوی و قوپی چاه کوراک و کجاوه
و قاه و جاکت تیرچی قوتاق کشت خورد انیب بیک بادبان کشت قیراق کوکناره آب سو آب قاق سو آب باران
قوردوق سو آب چاه جاه آب کل هول تنرکو فنوک پل نعت متفرقه بخشنیک کوزال خوب یامان دوشمن
بد یامان ایچی بدی چوکین و چیرنیک زشت چین راست قایغ راست یالغان دروغ قیزیل دلوکون سیه یاشیل سبز ساری
و ساریغ زرد آق سفید قارا سیاه کوک کبود نوزوک انکار کستوری و قوردوق جنگ هول پس اقاق کرد سایه دون
سرد کرم ایسق کرم توز دوزوک راست ایستاده توغی و توغری استاده کو و راست ساق راست ایتاق لیکر کاچ
سنکاک و سنوق دیسو نوق شکسته بلوز و بولون درست و سالم قیراق کناره زره و دام کاکا اقیاف کناره زره و دام
ایتاک دامن باق زره یامن اوزون دار اوب اوزون دور و دار تیکنک سر فیسقا کوتاه بیت ایچاو ایچک باریک
ایچیق باریک کوزون کشنج بوغان تنک و سطبر و قدم و بوسمش قالم و ملایم اریک درشت یاس پهن یانغی نو ایسکا و کیسکا
کهنه تازه یکنج تنک تیلک فراخ بوغو بورک و بوق تنک و حصه سای شمار سانا و شمار حساب باری و بارجا
کل و جمله هامی و تاموم و تولوکا تمام سای سیر حساب بوزوق و ویران توزدک مرتب و تیار قیچار اغوخ قاتیلنک
خوش اوستیقولوم ستم اوستیقو تهمت اوتولوق القاتهمت یولات رسم و دستور سیاستش ازموده

شنق

شنق خوشه باشاق بدعت آنت سوکند تانی انکار تانو فلوق کوکا ایش کار قلوق خدمت قوناق
میهمان تالانش سعی ایچ اندرون تاش و بهاد اوتاسفار و تاشقار و تاشقار بیرش قودوقچی سالغه
خومال لاف اوتوتوچ فرض اوتو تماج و اوچاج بهشت تاموق دوزخ شوکون بس حیت و بابرام بوم عید
قوتولوق مبارکباد سوتوچ خوشنجر سیسون خوشوقت شوماتیار کلمه مندر توشش خواب ایکه در خواب بیند
اوجاخر قوشوق کشش کفاق تیشوک و تیشیک دباجا سوراخ ایشیک دربار و جای کار آلچیق جیر کیر
یاتلاق خیمه ساق صحیح قومو تاقو حسه کوچ نقل و حرکت مقام یولداشی همراه قوتیو تاهی نه قوتیو حسه نیت دیه
تیل حوال دوزتا قارجال خورد قاب جوال قوروسخ قربان کیلو تاک بند پای میتک و تلو تر اسرحب
تیز اکوچ ارزان موز یخ بوزاشتا بازی سورت یاید فی روغن ذخیره اوجاغ طوق که در گردن اندازند خلیق
کردار جوبر چین تیلک یوک بار هر بار که باشد یا زدق گناه اوکز نصیحت قین عذاب ایپاک ابریشم
سالیجاق نردبان ایدی بجاوه خشت کرپچ خشت پیناک خوار بندی اوجاک تخت ساتو تیکنخت قیناجو لوز
سوب دیبور کاجار دب سوبوش جاروب کشی میز درنش کوراکاجی ساتو و محبوب چاقیر شراب کورکا
جای پرادون تراب اشنا و اشنا فازه کورساک لاک کیز ناکبرکن افسار نخت دواج جیرمک شکر
باغیش جمعیت بورانغار فوج دست راست جورانغار فوج دست چپ ماراول فوج پیش جناح اول
فوج عقب التمش فوج طرح توب فوج اولکا کشور اوردش جنگ بورس غلبه کرکا بالتون بلغار
جابقولین جنگ تشمیر چب و اوردغاریم خندق قورغان و آراک قلعه